



# پیوند بهائیت و صهیونیسم

زیب سادات انوری

به نام خدا

اللهم عجل لوليک الفرج

[www.bahatismiran.com](http://www.bahatismiran.com)

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

با سلام

تدیرو ورود شما دوستان گرامی که در راستای مبارزه با جهان کفر و اسلام ستیزانی همچون بهائیان گامهایی نو برداشته اید را تبریک گفته و از خداوند متعال پیروزی روز افزون شما را در این عرصه خواستار است.

درضمن این پایگاه اینترنتی ( بهائیت در ایران [www.bahatismiran.com](http://www.bahatismiran.com) ) آمادگی کامل همکاری در جهت افزایش غنای علمی با کلیه عزیزان فعال در این عرصه را اعلام نموده و انتظار عمل متقابل از سوی دوستان را نیز دارد.

و از شما عزیزان انتظار تبلیغ سایت بهائیت در ایران را که یک سایت جامع در زمینه ارائه کتب، مقالات، سخنان و خاطرات متبریان از بهائیت، تصاویر، صوت، فیلم،... و هر گونه سندی که در جهت افشاگری بر علیه فرقه ضاله بهائیت می باشد را دارد.

امید آنکه بتوان در جهت روشنگری اذهان مسلمین و تنویر افکار فریب خوردگان این فرقه ضاله گامهایی ارزشمند برداشت.

موفق باشید

منتظر شما هستیم

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما :

[bahatismiran@bahatismiran.com](mailto:bahatismiran@bahatismiran.com)

[bahatismiran@gmail.com](mailto:bahatismiran@gmail.com)

[info@bahatismiran.com](mailto:info@bahatismiran.com)

[bahatism1@yahoo.com](mailto:bahatism1@yahoo.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## پیوند بهائیت و صهیونیسم

مؤلف : سرکار خانم زینت سادات انوری

## برخی حمایت‌ها و خدمات بهائیان به صهیونیسم

### فصل اول:

#### روابط سران بهائیت و صهیونیسم

از فصول بسیار مهم در پرونده ی بهائیت، روابط صمیمانه و همکاری تنگاتنگ سران آن با صهیونیسم، به طور عام و رژیم اشغالگر قدس به طور خاص است.

سرزمینی که بیش از نیم قرن، صهیونیسم بر آن چنگ افکنده، از دیر باز قبله ی بهائیان محسوب می شود وافزون براین، سال هاست مرکزیت جهانی بهائیت (بیت العدل اعظم) در آن کشور قرار دارد. (یویا شکیبا، «بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۴۹، سال ۱۳، بهار ۱۳۸۸، ص ۵۸۶) روابط حسنه ی سران بهائیت و صهیونیسم اختصاص به امروز و دیروز نداشته و از بدو تأسیس رژیم اشغالگر قدس و حتی قبل از آن وجود داشته، که از مسائل قابل تأمل و بررسی است.

میرزا حسینعلی بعد از اینکه با حمایت سفارت روسیه از زندان آزاد و به بغداد» تبعید شد، مورد توجه یهود و جاسوسان وابسته به صهیونیسم جهانی قرار گرفت و حتی اقامت و تبعید او به «عکا» در فلسطین با هدایت صهیونیسم ( رک: محسن فرسایی، براندازی صهیونیستی در امپراطوری عثمانی، تهران، هلال، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹) و توصیه ی دولت انگلیس ( رک: چرا بهایی ها اسرائیل را مرکز آیین خود انتخاب کرده اند؟ برگرفته از مرکز مطالعات پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه، نرم افزار رایانه ای به سوی حقیقت، [لوح فشرده ردّ فرقه ی ضاله ی بهائیت] سازمان اوقاف و امور خیریه و حوزه علمیه اصفهان) طراحی شده بود. این انتقال کمکی بود برای نزدیکی و همکاری بین بهائیان و کانون های یهود که توسط «عبدالبهاء» جانشین بهاء، ادامه پیدا کرد.

او و دیگر بهائیان در تحقق استراتژی دولت یهود در فلسطین نقش بسزایی داشتند و به پاس همین خدمات، پس از اشغال آن سرزمین توسط انگلیس، مورد حمایت انگلیس (استعمارگر حامی صهیونیسم) قرار گرفتند تا جایی که دربار لندن،

عبدالبهاء را مفتخر به دریافت لقب «سر» کرد. رک: دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، سایه روشن های بهائیت در ایران، ص ۱۲۴؛ کریم حق پرست، بهائیت پیوند با بیگانه، خصومت با ملت، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر» زمانه» ش ۶۱، سال ۶، مهر ۱۳۸۶، ص ۲۱)

این حمایت ها و خدمات در زمان «شوقی افندی» و بعد از آن نیز ادامه می یابد و سرزمین فلسطین اشغالیف مرکز اصلی بهائیان قرار می گیرد.

### الف) پیش گویی تشکیل دولت اسرائیل

اسرائیل یک باره در سال ۱۹۴۸ م به وجود نیامد بلکه مقدمات انجام آن از ده ها سال قبل توسط صهیونیست ها و با همکاری دولت های استعماری (به ویژه انگلیس) فراهم شده بود. چنان که وقتی هر تزل (تئوریسین صهیونیسم) در واپسین سال های قرن نوزدهم، کتاب مشهورش «یک دولت یهودی» را نوشت، گفت: «من دولت یهودی را پی افکندم!» و به ویژه اندیشه ی تأسیس دولت یهود در فلسطین و سوق یهودیان جهان به سمت آن، دست کم از همان قرن نوزده، ذهن بسیاری از دانشوران صهیون را به خود مشغول و برای تحقق آ به تکاپو واداشته بود. (پویا شکیب، بهائیت و اسرائیل پیوند دیرین و فزاینده، ص ۵۸۶)

با این سوابق، آیا عجیب نیست که میرزا حسینعلی بهاء (مؤسس بهائیت، زندانی عکای فلسطین و متوفی ۱۳۰۹ ق) مزده تجمع و عزت یابی یهودیان در ارض موعود را مطرح می سازد؟! به طوری که ده ها سال بعد طبق اعلام منابع بهائی، بشارت های او مبنی بر تأسیس اسرائیل در مطبوعات غربی نیز منعکس و با افتخار بزرگ نمایی می شود: «روزنامه ها ایتالیا] در اهمیت امر مبارک مقالاتی نوشتند. حتی بشارات حضرت بهاء الله را به جهت بنی اسرائیل و عزت و اجتماع آنان را در سرزمین موعود و اسرائیل، یادآوری نموده بودند.» (پیشین، به نقل از آهنگ بدیع، نشریه جوانان بهائی ایران، ش ۷ و ۸، ۱۳۴۷، ص ۲۰۹)

عباس افندی نیز به واسطه ی ارتباطاتی که با سران صهیونیستی داشت، در سخنان خود به پیش گویی تشکیل دولت اسرائیل می پردازد.

عزیزالله عزیزی - یهودی بهائی شده واز نزدیکان عبدالبهاء- در خاطرات خود در مورد تعلق خاطر عبدالبهاء به یهودیان صهیونیست و تشکیل دولت اسرائیل می نویسد:

«باری بعدا در حضور جمع، عنایات لانهایه ای درباره ی یهود فرمودند... تا سخن بدانجا رسید که فرمودند: عن قریب بنی اسرائیل در این سرزمین جمع می شوند واستقلال خواهند یافت و حکومت خواهند کرد.

عبدالبهاء در جای دیگر می گوید:

«اینجا فلسطین است، اراضی مقدسه است، عن قریب قوم یهود به این اراضی بازگشت خواهند نمود. سلطنت داوودی وحشمت سلیمانی خواهند یافت. این مواعید صریحه ی الهیه است وشک وتردیدى ندارد. قوم یهود عزیز می شود... و تمامی پراکندگان یهود جمع می شوند و این اراضی مرکز صنایع و بدایع خواهد شد. آباد و پر جمعیت می شود و تردیدی در آن نیست.» (پویا شکیبا، بهائیت و اسرائیل پیوند دیرین و فزاینده، صص ۵۸۶ و ۵۸۷؛ کریم حق پرست، بهائیت پیوند با بیگانه، خصومت با ملت، ص ۲۱؛ علیرضا روزبهائی بروجردی، در جستجوی حقیقت، ص ۲۲۴، به نقل از آهنگ بدیع، ش ۳، ۱۳۳۰، ص ۵۳ و خاطرات حبیب، ج ۱، ص ۲۰)

وی پس از اشغال فلسطین توسط قوای مشترک انگلیس و یهود، دست به آسمان برداشته و برای عزت اسرائیل و شوکت یهودیان [که موفق شده بودند، گام های نخستین برای آوارگی و در به دری ملت فلسطین را بردارند.] دعا کرد: «اسرائیل عن قریب جلیل گردد و این پریشانی به جمع مبدل شود. شمس حقیقت طلوع نمود و پرتو هدایت بر اسرائیل زد تا از راه های دور با نهایت سرور به ارض مقدس ورود یابند. ای پروردگار، وعده ی خویش آشکار کن و سلاله ی حضرت جلیل را بزرگوار فرما...» (کریم حق پرست، پیشین، ص ۲۱ به نقل از حبیب مؤید، خاطرات حبیب، ج ۱، ص ۵۳)

#### ب) حمایت و دوستی سران بهائیت با صهیونیست ها

در اواخر جنگ جهانی اول با شکست امپراتوری عثمانی، زمینه ی رخنه ی صهیونیست به فلسطین فراهم شد. لذا در اواخر آن جنگ (نوامبر ۱۹۱۷) جیمز بالفور، وزیر خارجه ی لندن، قول مساعدت بریتانیا به طرح تشکیل کانون ملی یهود در فلسطین را به صهیونیست ها می دهد. (اعلامیه مشهور بالفور به روچیلد) در این حال فرمانده کل قوای عثمانی که از نقشه های بریتانیا و صهیونیسم در مورد منطقه ی فلسطین اطلاع داشت و عباس افندی و پاران و منسوبین نزدیک وی را نیز در شامات و عراق و... دست اندر کار کمک به ارتش بریتانیا می دید، تصمیم به قتل وی و انهدام مراکز بهائی در حیفا و عکا گرفت. (پویا شکیبا، بهائیت و اسرائیل، پیشین، ص ۵۹۰)

ولی به گفته ی «شوقی افندی» در کتاب «قرن بدیع» دولت انگلستان به حمایت جدی از عباس افندی برخاست و «لرد بالفورن وزیر خارجه ی وقت، تلگرافی به ژنرال آلنبی فرمانده ارتش انگلیس نوشته و دستور می دهد که به جمیع قوا در حمایت و صیانت حضرت عبدالبهاء و عائله و دوستان او بکوشد. (ر.ک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، صص ۶۴۱ و ۶۴۲ به نقل از قرن بدیع، ج ۳، ص ۲۹۷)

عباس افندی در طول مدت جنگ بین عثمانی و انگلیس، هوادار انگلیسی ها بوده و در مناطق عکا و حیفا شناسایی های لازم و امکانات مناطق مختلف سرزمین فلسطین را در اختیار آنان می گذاشت. و از سوی دیگر نیازمندی های قشون انگلیسی را پس از تسلط بر فلسطین مدنظر داشته و در تهیه و تدارک آن کوشش های فراوانی می کرد. (سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۶۴۲)

عبدالبهاء هنگام اقامت و سخنرانی در آمریکا، سخنانی گفت که در آن تعابیر خاص و درخور تأملی به کار رفته است؛ وی در نطق خود در منزل مستر «مکنات بروکلین» (Mr.McNutt Brooklyn) (۱۷ ژوئن ۱۹۱۲ م/ ۲ رجب ۱۳۳۰ ق) واقع در نیویورک چنین گفت:

«مژده باد، مژده باد که نور شمس حقیقت طلوع نمود. مژده باد، مژده باد که صهیون به رقص آمد. مژده باد، مژده باد که اورشلیم الهی از آسمان نازل شد. مژده باد، مژده باد که بشارت الهی ظاهر گشت، مژده باد، مژده باد که اسرار کتب مقدسه اکمال گردید. مژده باد، مژده باد که یوم اکبر الهی ظاهر شد... مژده باد، مژده باد که بهاء کرم بر آفاق تجلی نمود. مژده باد، مژده باد که شرق و غرب دست در آغوش یکدیگر شدند. مژده باد، مژده باد که آسیا و آمریکا مانند دو مشتاق دست به یکدیگر دادند.» ( کریم حق پرست، بهائیت، پیوند با بیگانه، خصوصیت با ملت، صص ۲۰ و ۲۱ به نقل از خطابات عبدالبهاء، ج ۲، صص ۱۵۳ و ۱۵۴)

عبدالبهاء با این سخنان قصد جلب نظر صهیونیست ها را داشته و این سخنان تأکیدی بر حمایت و پیوند سران این فرقه با صهیونیسم است.

همچنین عبدالبهاء (متوفی آذر ۱۳۰۰ ش/ نوامبر ۱۹۲۱) دست کم از آغاز قرن بیستم م ملاقات هایی با سران صهیونیسم داشته است.

بن زوی (Yitzhak Ben Zvi) (از فعالان صهیونیسم که بعدها رئیس جمهور اسرائیل شد) خود به ملاقاتش با عباس افندی در قصر بهجی (واقع در عکا) تصریح دارد. تاریخ این دیدار را نیز در سال های ۱۹۱۰-۱۹۰۹ یعنی حدود چهل سال قبل از تأسیس اسرائیل (۱۹۴۸ م) می داند، که نشان دهنده ی عمق استراتژیک روابط میان سران بهائیت و صهیونیست هاست. (پویا شکیب، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۵۸۷)

عبدالبهاء، با خاندان روچیلد (Rotschild) گردانندگان و سرمایه گذاران اصلی در طرح استقرار یهودیان در فلسطین- در ارتباط بود. حبیب مؤید به نقل از عباس افندی در این باره می گوید: «مستر روچیلد آلمانی نقاش ماهری است. تمثال مبارک را با قلم نقش در آورده و به حضور مبارک آورد و استدعا نمود چند کلمه در زیر این عکس محض تذکار مرقوم فرمایند تا به آلمانی ترجمه و نوشته شود...» ( عبدالله شهبازی، جستارهایی از تاریخ بهائی گری در ایران، ص ۱۵، پویا شکیب، ص ۵۸۷، به نقل از حبیب مؤید، خاطرات حبیب، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ بدیع (۱۳۵۱ ش) ج ۲، ص ۲۴۳)

ارتباطات عباس افندی با سران صهیونیسم به این افراد منحصر نمی شود. رک: علی احمدی خواه، دوستان «انگلو- صهیون» عباس افندی، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۴۹، سال ۱۳، بهار ۱۳۸۸، صص ۴۲۷-۴۳۲) «روحیه

ماکسول» همسر شوقی افندی در کتاب «گوهر یکتا» به دوستی دیرین عباس افندی و «موششارت» ( Moshe Sharett) اشاره می کند و می نویسد:

«علاوه بر مکاتبه با افراد برجسته ی جهان و مراسله با مؤسسات عظیمه ی دنیا، حضرت شوقی افندی غالباً در بیت مبارک، نفوس عالی قدری را که صاحب رأی و نفوذ بودند به خدمت خود پذیرفته و میهمان نوازی می فرمودند. از جمله کسانی که مشرف شدند، لرد ساموئل اسمایلز و خانم اوست.. و یکی از دوستان قدیمی حضرت عبدالبهاء موششارت که یکی از صاحب منصبان علی رتبه ی این کشور (اسرائیل) گردید.» ( پویا شکیبا، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۵۸۸ به نقل از روحیه ماکسول ، گوهر یکتا، ترجمه ابوالقاسم فیضی، ص ۴۱)

حمایت سران بهائیت از صهیونیسم، پس از مرگ عبدالبهاء توسعه یافت که در قسمت بعد به آنها اشاره می کنیم.

### ج) حمایت از اسرائیل جهت تشکیل دولت یهودی

تشکیل رژیم اشغالگر قدس ( ۱۹۴۸ م) در زمان ریاست شوقی افندی اتفاق افتاد. قبل از آن در ژوئن ۱۹۲۲ «وینستون چرچیل» ( Winston Leonard Spenser Churchill) یادداشتی مبنی بر اینکه دولت انگلستان در صدد است یک کانون ملی یهود در فلسطین بنا کند، منتشر کرد.

در پی انتشار این مطلب، مسلمانان به آن معترض شدند و پای سازمان ملل به میان آمد و قضیه به آنجا ارجاع گردید. دوم آوریل ۱۹۴۷ م این مطلب در جلسه ی عمومی سازمان ملل به بحث گذاشته شد. سرانجام کمیته ای با عنوان «کمیته ی مخصوص رسیدگی به مسئله ی فلسطین» تشکیل شد. در آن مقطع ارزیابی ها مورد سنجش قرار می گرفت و ماهیت افراد ، گروه ها و دول مختلف در این راستا در نشان دادن هویت شان در ارزش گذاری های بعدی ملاک بود. در این موضوع حساس، نامه ی شوقی افندی در چهاردهم جولای ۱۹۴۷ م به رئیس کمیسیون مخصوص سازمان ملل، ماهیت سران فرقه را برای جهانیان روشن می کند:

«...موقعیت بهائیان در این کشور تا حدی منحصر به فرد است، زیرا در حالی که اورشلیم مرکز روحانی عالم مسیحیت است ولی مرکز اداری کلیسای روم با هیچ یک از مذاهب دیگر دیانت عیسوی نمی باشد و نیز هر چند اورشلیم در نظر مسلمانان نقطه ای است که یکی از مقدس ترین مقامات اسلامی در آن قرار دارد، مع ذلک اعتاب متبرکه ی دیانت محمدی و مرکزی که برای ادای فرضیه ی حج بدانجا می روند در سرزمین عربستان است نه در فلسطین.

تنها یهودیان هستند که علاقه ی آنها نسبت به فلسطین تا اندازه ای قابل قیاس با علاقه ی بهائیان به این کشور است، زیرا که در اورشلیم بقایای معبد مقدس شان قرار داشته و در تاریخ قدیم آن شهر، مرکز مؤسسات مذهبی و سیاسی آنان بوده است... مقصد و مرام ما استقرار صلح عمومی در



عالم و میل و مراد ما مشاهده ی بسط عدالت در جمیع شئون جامعه ی انسانی واز جمله در امور سیاسی است...» ( رک: بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، صص ۵۶۷-۵۷۱؛ سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۶۶۰-۶۶۴ )

توجه و تأمل در محتویات نامه ی مذکور به خوبی مبین علایق بهائیان به روی کار آمدن یک حکومت صهیونیستی است.

چهاردهم می ۱۹۴۸ م ، انگلستان به قیومت فلسطین پایان داد و همان روز شورای ملی یهود در تل آویو (Telaviv) تشکیل شد و تأسیس دولت اسرائیل را اعلام نمود. (بهرام افراسیابی، پیشین، ص ۵۷۲)

پس از تشکیل دولت اسرائیل، «لروی آیواس» ( Leroy loas )-منشی کل هیئت بین المللی بهائی -در نامه ای به تاریخ سوم می ۱۹۵۴، خطاب به محفل ملی بهائیان ایران ضمن شرحی از ملاقات «شوقی افندی» با رئیس جمهور اسرائیل در ۲۶ آوریل ۱۹۵۴ م می نویسد:

«در این روز تاریخی رئیس جمهور و خانم شان منشی کل هیئت بین المللی بهائی را در هتل ماگیدو در تالار مخصوص به حضور پذیرفتند. پس از چند دقیقه ملاقات، رئیس جمهور و همراهان به وسیله ی اتومبیل به بیت مبارک حرکت کردند. حضرت ولی امر الله و حرم مبارک از رئیس جمهوری و خانم با لطف و محبت مخصوص پذیرائی فرمودند. در جریان مذاکرات دوستانه و غیر رسمی حضرت ولی امرالله مقصد و مرام امر بهائی را تشریح و مراتب دوستی و محبت بهائیان را نسبت به کشور اسرائیل بیان و امال و ادعیه ی آنان را برای ترقی و سعادت اسرائیل اظهار فرمودند. رئیس جمهور در ضمن مذاکرات خود متذکر گردیدند که در چندین سال قبل موقعی که به اتفاق خانم خود به اطراف کشور مسافرت می نمودند، در بهجی به حضور عبدالبهاء مشرف گردیده اند... هنگام تودیع از مهمان نوازی و محبتی که از طرف حضرت ولی امر الله ابراز نموده در ضمن تقدیر از اقدامات و مجهودات بهائیان در کشور اسرائیل، ادعیه ی قلبیه ی خود را برای موفقیت جامعه ی بهائی در اسرائیل و سراسر جهان ابراز داشتند.»

این امر به خوبی می رساند که بهائیان قبل از تشکیل دولت اسرائیل ،هواخواه صهیونیسم و روی کار آمدن آنان در سرزمین فلسطین بودند، و الا چگونه ممکن است رهبر بهائیان، مراتب دوستی و محبت بهائیان را نسبت به کشور اسرائیل بیان و امال و ادعیه ی آنان را برای ترقی و سعادت اسرائیل اظهار ... فرمایند. (سید محمد باقر نجفی، بهائیان، صص ۶۶۷ و ۶۶۸، بهرام افراسیابی، پیشین، صص ۵۷۲ و ۵۷۳ به نقل از مجله اخبار امری، ارگان محفل ملی بهائیان ایران، ش ۲، تیرماه ۱۳۳۳ ش)

شوقی افندی، این افتخار عظیم را در تلگراف چهارم می ۱۹۵۴ به محفل بهائیان ایران، این گونه اطلاع می دهد:

«رئیس جمهور اسرائیل، به اتفاق قرینه ی محترمه «مستر بن زوی» برحسب قرار قبلی، پس از پذیرایی که به افتخار ایشان در بیت مبارک حضرت عبدالبهاء به عمل آمد، اعتاب مقدسه را در جبل کرمل زیارت نمودند. این زیارت نخستین تشریف رسمی یکی از رؤسای دولت های مستقل از مقامات مقدسه ی حضرت اعلی و مرکز میثاق حضرت بهاء الله است.» (ثریا شهبواری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمد رضا شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۰؛ علیرضا روزبهانی بروجردی، در جستجوی حقیقت، ص ۲۶۶، به نقل از مجله اخبار امری، ش ۱۲، ۱۳۳۲ ش)

همچنین شوقی افندی در پیام نوروز سال ۱۰۸ بدیع (۱۳۳۰ ش) نظر مثبت خود و بهائیان را پیرامون تأسیس اسرائیل این چنین بیان می کند: «... مصداق وعده ی الهی به ابناء خلیل و وراث کلیم، ظاهر و باهر و دولت اسرائیل در ارض اقدس، مستقر و ... به استقلال واصلت آیین بهائی مقرر و معترف و...» (سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۶۶۸؛ بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۵۷۳، محمد رضا نصوری، پیوند وهمکاری متقابل بهائیت و صهیونیسم، فصلنامه علمی تخصصی ویژه امام مهدی «انتظار موعود» ش ۱۸، سال ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ص ۲۳۷، به نقل از شوقی افندی، توقیعات مبارکه، تهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۵ بدیع (۱۳۴۷ ش) ص ۲۹۰)

روحیه ی ماکسول، بیوه ی شوقی افندی واز رهبران بهائیت، نیز رابطه ی بهائیت و صهیونیسم را این گونه وصف می کند: «... ما به اینجا (اسرائیل) تعلق داریم. اگر قرار باشد قائل به تمیز و امتیاز هم شد، من ترجیح می دهم که جوان ترین ادیان در یکی از تازه ترین کشورهای جهان رشد و نمو نماید و در حقیقت باید گفت: آینده ی ما چون حلقات زنجیر به هم پیوسته است.» (دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، سایه روشن بهائیت در ایران، ص ۱۲۷، محسن فیض، پیر استعمار (بهائی پژوهی) تهران، گوی، ۱۳۸۷، ص ۵۲، به نقل از مجله اخبار امری، ش ۱۰، دی ماه ۱۳۴۰، صفحات مسلسل ۶۰۱۹)

اسمائیل رائین می گوید:

«دردوران رهبری شوقی افندی که مصادف با تشکیل حکومت اسرائیل بود، برای اولین بار نام «ارض اقدس» و «مشرق الاذکار» [منظور اسرائیل است] را از زبان او می شنویم... ما همین قدر می دانیم که بابیان و بهائیان به خاطر شدت عملی که در ایران با آن روبه رو شده بودند و برخورد های خونینی [که] با مسلمانان داشتند... به همین جهت می توان نتیجه گرفت که پس از تشکیل حکومت اسرائیل، چهارمین پیشوای بهائیت در صدد برآمد تا با استفاده از اختلافات دیرین مسلمانان و یهودیان، سرزمین اسرائیل را به عنوان مرکز اصلی و کعبه ی آمال بهائیان بپذیرد و دولت یهود را به صورت پناهگاه بلکه تکیه گاه جهانی این فرقه درآورد.» (اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، صص ۱۶۷ و ۱۶۸)

شوقی افندی خوب می دانست که اگر مسلمانان عرب روی کار آیند و حکومت فلسطین را از دست انگلیسی ها خارج سازند، وجود آنان را به دلیل هتک حرکت اسلام، نسخ اسلام، دعوی پیغمبری و کتاب جدید، جاسوسی و اظهار خدایی

رهبران بایبه و بهائیه به هیچ وجه تحمل نخواهند کرد؛ پس منابع بهائیت تنها در صورتی می توانست محفوظ بماند که یا انگلستان به استعمار خود در فلسطین ادامه دهد و یا صهیونیسم به عنوان حافظ منابع امپریالیسم انگلستان و میراث خوار استعمار روی کار آید. (رک: سید محمد باقر نجفی، پیشین، ص ۶۶۹ و ۶۷۰)

از این روی، بهائیان وزعمایشان در فلسطین به هیچ وجه برخلاف مصالح صهیونیسم سخنی نگفتند و نسبت به صدها هزار آواره ی فلسطینی و غصب حقوق ساکنان این آب و خاک، نه تنها هیچ گونه هم دردی از خود نشان ندادند، بلکه به تحکیم روابط خود با صهیونیسم پرداختند. (علیرضا روزبهانی بروجردی، در جستجوی حقیقت، ص ۲۲۵)

شوقی ربانی در تلگراف نهم ژانویه ی ۱۹۵۱ م، پس از اینکه تأسیس دولت اسرائیل را صحیح و پیش بینی شده می داند، به شورای بین المللی بهائیان (جنین بیت العدل) که خود به وجود آورده بود، سه وظیفه ی مهم را توصیه می کند که اولین وظیفه پس از تأسیس دولت اسرائیل، ایجاد حُسن رابطه با آن دولت است. «...اول آنکه با اولیاء حکومت اسرائیل ایجاد روابط نماید...»

شوقی ایجاد رابطه بادولت اسرائیل را با ایجاد تشکیلات آتیه ی بهائیت مرتبط دانسته و می نویسد: «ثالثا با اولیای کشوری در باب مسائل مربوط به احوال شخصیه ی داخل مذاکر شود و چون این شورا که نخستین مؤسسه ی بین المللی و اکنون در حال جنین است، توسعه یابد، عهده دار وظایف دیگری خواهد شد...»

وی همچنین طی نقشه ی ده ساله ی خود، ضمن هدف بیست و چهارم، حمایت از دولت اسرائیل را بر همه ی دولت های جهانی ترجیح داده و به بهائیان توصیه می کند که در تأسیس شعب محافل روحانی و ملی بهائیان فقط «... در ارض اقدس بر حسب قوانین و مقررات حکومت جدید التأسیس اسرائیل... این گونه محافل را به وجود آورید.» (اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، صص ۱۶۹، ۱۷۰)

حقیقتا چه رابطه ای بین مؤسسه ای که قرار است به عنوان بیت العدل، رهبری بهائیان را برعهده گیرد با تأسیس یک رژیم نامشروع وجعلی وجود دارد؟

بدین ترتیب شوقی افندی به عنوان «مبتکر ارتباط صمیمانه با اسرائیل» پس از تأسیس این رژیم، روابطی را با آن بنا نهاد که فصل مشترک آن، حمایت واعتماد دو جانبه می باشد؛ زیرا او تأسیس اسرائیل را «مصدق وعده ی الهی به ابناء خلیل و ... می دانست. (پویا شکیب، بهائیت واسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۵۳۹)

در نشریه ی رسمی محفل ملی ایران آمده است که با نهایت افتخار و مسرت، بسط وگسترش روابط بهائیان با اولیای امور دولت اسرائیل را به اطلاع بهائیان می رسانیم، در ملاقات با «بن گورین» (David Ben Gurion) نخست وزیر اسرائیل، احساسات صمیمانه ی بهائیان را برای پیشرفت دولت مزبور به او ابراز نمودند و او در جواب گفته است: «از ابتدای تأسیس حکومت اسرائیل، بهائیان همواره روابط صمیمانه با دولت اسرائیل داشته اند.» (جواد منصوری، تاریخ قیام پانزده خرداد

به روایت اسناد، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۲، به نقل از مجله اخبار امری، ش ۵، ۱۳۳۰، صص ۱۴ و ۸

دولت اسرائیل مورد تأیید کامل بهائیان می باشد و سران بهائیت روابط تنگاتنگ با سران رژیم صهیونیستی داشته اند و همواره در خدمت آنها بوده اند. هر چند بهائیان این روابط صمیمی بین رهبران خویش و سران صهیونیسم را توجیه کرده و کوشش می کنند آن را تنها یک تصادف تاریخی معرفی کنند ولی اسناد تاریخی، اهداف مشترک و روابط صمیمانه ی رهبران دو فرقه را به خوبی آشکار می کند.

#### د) وضع قوانین خاص برای حفظ منافع اسرائیل

با توجه به پیوند جدانشدنی بهائیت و اسرائیل، این سؤال مطرح می شود که چرا بهائیان نمی توانند در اسرائیل، تعالیم خود را تبلیغ کنند؟! یا چرا مسافرت به آنجا با شرایط خاص و اجازه ی رسمی باید صورت گیرد و گرنه طرد در پی دارد؟! روحیه ماکسول، آینده ی بهائیت و اسرائیل را همچون حلقه های زنجیر و بهائیان را متعلق به اسرائیل می داند، اما می بینیم که حتی سفر بهائیان به اسرائیل برای زیارت اماکن مقدسه ی بهائیان، باید دقیقاً توسط تشکیلات برنامه ریزی شود و یک بهائی حق ندارد، بدون اجازه ی آنها به اسرائیل سفر کند.

جالب آنکه اگر یک بهائی بخواهد در یک هواپیما از روی فضای اسرائیل رد شود و برای این مسیر اجازه ی عبور از بیت العدل نداشته باشد طرد خواهد شد! داستان از این قرار است که فردی بهائی به نام «صادق آشچی» تصمیم می گیرد، بدون اجازه ی شوقی به فلسطین سفر کند و این کار را انجام می دهد. خبر به شوقی می رسد و او از این عمل خشمگین شده و طی نامه ای شدیدترین مجازات «طرد روحانی» ( هر گاه یکی از افراد مسجل جامعه ی بهائی از اوامر و نواهی مرکز سرپیچی کند، یا با ناقضین و معاندین هم داستان شود و یا برخلاف عهد و میثاق الهی اظهاراتی کند... و در آن مورد به نصایح محفل اعتنایی ننماید، مشمول مجازات طرد روحانی می گردد، که پس از طرد روحانی جامعه بهائی فردی را که مشمول این مجازات شده به هیچ وجه بهائی نمی شناسند... و سلام و کلام و معاشرت با وی را از طرف خویشان و حتی پدر و مادر وی جایز نمی دانند. رک: علی نصری، نقد اصول دوازده گانه بهائیت، بی جا، گویات، بی تا، صص ۱۹ و ۲۰) را برای او در نظر می گیرد. (رک: انور ودود، ساخته های بهائیت در صحنه ی دین و سیاست، صص ۱۲۰-۱۲۴؛ عواقب وخیم سفر بی اجازه به اسرائیل، سایت بهائی پژوهی، خرداد ۱۳۸۹، [www.Bahairesearch.org](http://www.Bahairesearch.org))

پیام شوقی در خصوص طرد آقای صادق آشچی فرزند آقا محمد جواد به دلیل سفر بدون اجازه به فلسطین بدین شرح است:

«در موضوع صادق فرزند آقا محمد جواد آشچی فرمودند: بنویس این شخص بد اخلاق و پست فطرت اخیراً مخالف دستور این عبد، مسافرت به فلسطین نموده و وارد ارض اقدس گشته، تلغرافی راجع به طرد و اخراج او از جامعه به آن محفل مخابره گردید به والدش صریحاً اظهار و انذار نمایند. مخابره

با او به هیچوجه من الوجوه جایز نه، تمرد و مخالفت، نتایجش وخیم است.» ( حقوق شهروندی از نگاه بهاء، عبدالبهاء وشوقی، نشریه الکتریکی افشاء، آبان ۱۳۸۹، bahaim, blogfa, com به نقل از شوقی افندی، توقیعات مبارکه، سال ۱۰۲ تا ۱۰۹، ص ۴۱ و توقیعات مبارکه، ج ۳، ص ۲۹۵، همچنین رک: انور ودود، ساخته های بهائیت در صحنه دین و سیاست، صص ۱۲۰-۱۲۴)

همین رویه را بیت العدل پس از شوقی معمول داشت و سفر بهائیت به اسرائیل را کاملا تحت کنترل گرفت، اقامت بیش از نه روز را مجاز نشمرده و سکونت در آنجا را ممنوع دانسته... تا هیچ بهائی در آنجا خبر از رازهای پنهان چگونگی ارتباط بهائیان و اسرائیل به دست نیآورد.

تبلیغ در بهائیت از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است به گونه ای که می توان مدعی شد از واجب واجبات به شمار می آید، اما با این حال تبلیغ در کشور اسرائیل و برای افراد اسرائیلی خارج از این کشور ممنوع است. (محسن فیض، پیر استعمار، ص ۵۳، همچنین رک: احمد ولید سراج الدین، البهائیه والنظام العامی الجدید، ج ۱، ص ۴۴)

حقیقت این است که بیت العدل به اسرائیلی ها اجازه ی بهائی شدن را نمی دهد و حتی در پیامی که در تاریخ بیستم اکتبر ۱۹۹۴ م برای برخی از محافل ملی ارسال شده، آمده است که اگر یک اسرائیلی بخواهد بهائی شود و تمایل داشته باشد برای زندگی به اسرائیل برگردد، او به عنوان بهائی پذیرفته نمی شود. (تبلیغ آیین بهائی در اسرائیل و تبلیغ افراد اسرائیلی به آئین بهائی، سایت بهائی پژوهشی، خرداد ۱۳۸۹، [www.bahairesearch.org](http://www.bahairesearch.org) همچنین مستند بهائیان در حیاط خلوت من، Bahais in my backyard تهیه کننده، آصف سفیر ونعیما پیریتز، برگرفته از لوح فشرده بها بی بها، نوا و نما، مؤسسه نرم افزاری احراز اندیشه)

با توجه به گفته های رهبران بهائیت و عملکرد آنها، حمایت کامل و سرسپردگی آنها به صهیونیسم واضح و روشن است و موضوع چنین قوانینی برای مردم اسرائیل قابل توجه است که این نیز در راستای همان حمایت ها و سرسپردگی محض به صهیونیسم است.

## فصل دوم:

### بهائیان؛ جاسوسان صهیونیسم

پیشینه ی جاسوسی بهائیان، از بدو پیدایش این فرقه و حتی قبل از آن بر می گردد. بهائیت که هر روز در دامن یک استعمار مأوی می گرفت در بدو پیدایش و حتی قبل از آن سرانش ارتباط گسترده ای با دولت روس داشت.

«کینیاز دالگورکی» جاسوس زیرک روس در خاطرات خود می نویسد: «... من چند نفر از یاران همراز خود را به عنوان جاسوس تربیت می کردم، ولی هیچ کدام از آنها مانند «میرزا حسینعلی بهاء» و برادرش «میرزا یحیی صبح ازل» استعداد

ولیاقت این کار را نداشتند» ( [کینیاژ دالگورکی]، تاریخ کینیاژ دالگورکی، ص ۱۸) و این جناب بهاء در زمانی که بابتی بود، اخبار و اطلاعات را به جاسوس روس می رساند و در قبال آن پاداش دریافت می کرد.» ( [کینیاژ دالگورکی] تاریخ کینیاژ دالگورکی، صص ۱۲ و ۱۳)

عبدالبهاء جانشین بهاء الله رویه ی پدر را ادامه داد و برای روس ها جاسوسی می کرد، تا اینکه وضع تغییر کرد و انقلاب کمونیستی روسیه (۱۹۱۷ م) به وقوع پیوست و پس از آن بهائی ها به طور کامل به دامن انگلستان افتادند؛ (سایه روشن های بهائیت در ایران، پیشین، ص ۳۶) چرا که دولت روسیه سرگرم کارهای داخلی و تسلط بر اوضاع خود بود و از طرف دیگر مرام کمونیسم هم با این گونه کارها سازش نداشت. (سید ضیاء الدین روحانی، مزدوران استعمار در لباس مذهب، ص ۱۶۴)

کشف اسناد دال بر جاسوسی بهائیان برای انگلیس، باعث شد حکومت روسیه با بهائیان روس برخورد کند. «بعد از جنگ بین المللی اول که حکومت شوروی در روسیه برقرار شد، در عشق آباد که مرکز اجتماع و عملیات بهائی ها بود، بلشویک ها درون مشرق الاذکار، شبکه های جاسوسی به نفع انگلیس ها کشف کرده و قریب یکصد نفر از وجود بهائی های آنجا را معدوم ساختند» (محمد رضا اشراقی، «عشق آباد، روسیه، بهائیان و دولت تزاری، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۴۹، سال ۱۳، بهار ۱۳۸۸، ص ۳۳۴، به نقل از خان ملک ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، ص ۱۰۲) در منابع بهائی نیز آمده است که بهائیان از دیدگاه دولت شوروی، به جاسوسی برای انگلیس متهم بوده اند. (محمد رضا اشراقی، «عشق آباد، روسیه، بهائیان و دولت تزاری» فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۴۹، سال ۱۳، بهار ۱۳۸۸، صص ۳۳۴ و ۳۳۵)

حمایت عبدالبهاء از انگلیسی ها در جریان جنگ جهانی اول و همچنین سابقه ی سوء او مبنی بر جاسوسی برای روسیه و انگلستان باعث شد حساسیت و مخالفت دولت عثمانی با او شدید تر شود؛ تا جایی که جمال پاشا، فرمانده کل قوای عثمانی تصمیم به قتل عباس افندی گرفت و تهدید کرد؛ «اگر به زودی مصر را فتح کند، در مراجعتش عباس افندی را به صلابه خواهد کشید.» (موسی نجفی، «بهائیت پیوند عمیق و همه جانبه با استعمار انگلیس» فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۴۹، سال ۱۳، بهار ۱۳۸۸، ص ۳۹۷، به نقل از خاطرات حبیب، ج ۱، ص ۴۴۶ و روحیه ماکسول، گوهر یکتا، ترجمه ی ابوالقاسم فیضی، صص ۴۳ و ۴۴، شوقی افندی نیز از سوء ظن شدید جمال پاشا نسبت به عبدالبهاء سخن گفته است. رک: پیشین، صص ۳۹۷، ۳۹۸؛ محسن فیض، پیر استعمار، صص ۲۶، ۲۵ به نقل از شوقی افندی، قرن بدیع، ج ۳، ص ۲۹۱، و آهنگ بدیع، سال ۱۳۵۲، ش ۴ و ۳، صص ۱۴ و ۱۳)

با توجه به نیاز مأموران دولت انگلستان به افرادی فعال و جاسوس در خاک عثمانی (سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۶۲۱، سید ملک محمد مرعشی، فتنه گران سیاست سیاه، ص ۴۲۶) می توان علت این خشم را جاسوسی عبدالبهاء برای انگلیس دانست. (رک: محمد باقر نجفی، پیشین، ص ۶۴۰، محسن فیضی، پیشین، ص ۲۶، سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۲۲۴)

برخی پژوهشگران و نویسندگان با توجه به شواهدی، عباس افندی را جاسوس دوجانبه (رک: انوردود، ساخته های بهائیت در صحنه دین و سیاست، صص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ سید محمد باقر نجفی، پیشین، ص ۶۴۱، سید ضیاءالدین روحانی، مزدوران استعمار در لباس مذهب، صص ۱۸۶ و ۱۸۷) می دانند که با توجه به شرایط، هم برای دولت عثمانی و هم انگلیس جاسوسی می کرد، اما در حقیقت او در حالی که وانمود می کرد به عثمانی ها خدمت می کند، مشغول جاسوسی برای انگلیسی ها بوده است. (برای اطلاع بیشتر رک: موسی نجفی، پیشین، صص ۴۰۰-۴۰۳)

سازمان اطلاعات انگلستان از تصمیم جمال پاشا مبنی بر قتل عبدالبهاء آگاه گشت و در صدد حفظ جان او برآمد، (رک: موسی نجفی، پیشین، صص ۴۰۳ و ۴۰۴، سید محمد باقر نجفی، پیشین، صص ۶۴۱ و ۶۴۲ به نقل از قرن بدیع، ج ۳، صص ۲۹۶-۲۹۸ و هم چنین رک: دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، سایه روشن های بهائیت در ایران، ص ۸۴، اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، صص ۱۲۱ و ۱۲۲، محسن فیض، پیشین، صص ۳۱ و ۳۲ جواد منصوری، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۱۷) که اعطای لقب سِر به او، پاداش خدمات وی برای جاسوسی بهائیان (به دستور عباس افندی) بود. (رک: حسن نیکو، فلسفه نیکو، ج ۳، صص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ انور ودود، پیشین، صص ۱۱۲ و ۱۱۳)

نکته ی قابل تأمل این که افرادی هم ردیف عبدالبهاء، مفتخر به دریافت لقب سِر شده اند که شخصیت هایی سؤال برانگیز و بد سابقه دارند. اشخاصی همچون «سلیمان رشدی» (نویسنده ی کتاب آیات شیطانی)، «اوالگ گوردیوسکی» (Sir Oleg Gordievsky) (جاسوس دو جانبه ی روسیه و انگلیس) و ... (رک: سیما مبلغی، «عبدالبهاء و سلمان رشدی» ضمیمه مجله شبستان اندیشه، «ویژه نامه بهائیت»، ش ۷ و ۸، سال ۱۳۸۷ و فروردین ۱۳۸۸، صص ۲۸-۳۵) به هر روی:

تا تریا می رود دیوار کج

خشت اول چون نهد معمار کج

بهائیان نیز طبق رویه ی سلف و رهبران خویش در پناه دولت های استعمارگر، جاسوسی و خدمت به استعمارگران را سرلوحه ی زندگی خود قرار داده اند و در عصر حاضر که سران بهائیت و صهیونیسم روابط خوبی دارند و در حقیقت گردانندگان بهائیت زیر لوای صهیونیسم و در خدمت آنها هستند، بهائیان نیز طبق وظیفه ی شرعی و مسلکی خود تمام اطلاعات و اخبار پیرامون خود را به آنها گزارش می دهند.

امام خمینی (ره) صراحتاً می فرماید: «... دستگاه بهائیت... دستگاه جاسوسی یهود فلسطین [رژیم غاصب صهیونیسم] است.» (سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه ی امام، ج ۱، ص ۱۲۳)

رائین در این باره می گوید:

«نه تنها سران بهائیت در گذشته و هیئت های محافل بهائی کنونی، متفقاً دولت اسرائیل و صهیونیسم جهانی را تأیید و همراهی کرده و می کنند، بلکه در بسیاری از نقاط جهان به خصوص کشورهای اسلامی و عرب، بیشتر بهائیان متمایل به جهودان و دولت اسرائیل بوده و هستند. در

بسیاری از کشورها به خصوص کشورهای عربی، شنیده و دیده شده که بهائیان داخل در تشکیلات جاسوسی «موساد» ( Mossad سازمان اطلاعات و مأموریت های ویژه رژیم صهیونیستی) شده و همه جا به نفع اسرائیلیان به خبر چینی و جاسوسی و نوکری مشغول اند.» (اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، ص ۱۷۱)

در گزارش ساواک از جلسه ی بهائیان شیراز مورخ ۱۳۴۶/۱۱/۲۰، در منزل «امیر متحد» در خیابان مشیر فاطمی آمده:

«بیت العدل اعظم، چهارده نفر از سران شما را برای مأموریتی ۲۵ روزه به کامبالای آفریقا و لندن و هندوستان و پاکستان فرستاد. مرکز عهد میثاق برای زحماتی که شما در ایران می کشید، شب و روز تلاش برای کسب مدال افتخار می کند. اداره ی محفل روحانی در مدت گذشته، اخبار روزمره ی نیروهای عربی و جاسوسان لندن را در اختیار دولت اسرائیل گذاشته، چون یاران ما با نام های گرامی به هر کشوری رفته اند و گزارش های هر کشور تحت نظر نفوذ بهائی است...» (سایت خبری تحلیل فرهنگ انقلاب اسلامی، آبان ۱۳۸۹، [www.farhangnews.ir](http://www.farhangnews.ir))

طبق یکی دیگر از اسناد ساواک: «اسرائیل در سال ۱۹۷۲ م فرقه ی بهائی را به عنوان یک مذهب به رسمیت شناخته است. به نظر می رسد با اجرای برنامه ی تحبیب، این فرقه می کوشد از اقلیت فوق در سایر کشورهای جهان به ویژه ایران بهره برداری سیاسی، اطلاعاتی و اقتصادی بنماید.» (بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۷۶۷؛ روح الله حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۳ (سند ش ۱۸)؛ علی جدید بناب، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، ص ۲۶۸)

هر بهائی در هر جای جهان باید به عنوان یک نقطه ی بهائی عمل کند و به عنوان یک جاسوس، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی محل سکونت خود را به «بیت العدل» در فلسطین اشغالی، که مرکز جهانی بهائیان است، ارسال نماید. (محسن فرسایی، براندازی صهیونیستی در امپراطوری عثمانی، صص ۲۱۲ و ۲۱۳)

احسان طبری می گوید: «... در وجود رابطه ما بین مراکز عمده ی بهائی مانند مراکز دانشناک و صهیونیست با محافل امپریالیستی تردیدی نیست و می توان حدس زد که سازمان های جاسوسی امپریالیستی از قبیل سیا (C.I.A نام اختصاری سازمان مرکزی اطلاعات و جاسوسی ایالت متحده آمریکا است که در سال ۱۹۵۷ به وجود آمد. شبکه وسیع و گسترده این سازمان به خاطر عملیات های جاسوسی، براندازی، توطئه گری و تروریستی در جهان و به ویژه جهان سوم شهرت دارد. رک: علی آقا بخشی و مینو افشاری، راد، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۹۶) و اینتلجنس سرویس (Intelligence Service سازمان اطلاعات و جاسوسی انگلستان که در قرن ۱۶ م تأسیس شده و شامل چندین اداره می باشد. رک: علی آقا بخشی و مینو افشاری راد، پیشین، ص ۳۲۲) از سازمان بهائی برای مقاصد خود استفاده می کنند...» (احسان طبری، جامعه ایران در دوران رضا شاه، بی جا، بی نا، ۱۳۵۶، ص ۱۱۸)



فردوست در کتاب خاطراتش می گوید: «... بهائی هایی که من دیده ام واقعا احساس ایرانییت نداشته و این کاملا محسوس بود و طبعاً این افراد جاسوس های بالفطره بودند. ( حسین فردوست ، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ، ج ۱، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۰، ص ۳۷۵)

این حس در بین تمام بهائیان مشترک است؛ همان طور که بهائیان در کشورهای عرب در جنگ اعراب و اسرائیل علاوه بر حمایت مالی و تبلیغی، اطلاعات کشورهای اسلامی را به صهیونیست ها ارسال می کردند، به طوری که بعدها جامعه ی اسلامی به این امر پی برد و «دفتر تحریم اعراب علیه اسرائیل» بهائیان را جنبش طرفدار اسرائیل و صهیونیسم خوانده و مبارزه با گروه بهائی را در دستور کار خود قرار داد. (رک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۷۱۱-۷۱۷)

شایان ذکر است، برخی از حامیان صهیونیست و جاسوسان بزرگ از این فرقه حمایت کرده و با آنها روابط صمیمانه دارند. به عنوان مثال «دیوید کلی» (David Kelly) ناظر تسلیحات کشتار جمعی سازمان ملل که عضو سازمان مخفی «۶- MI» (Military Intelligence 6) تشکیلات اطلاعات و جاسوسی (نظامی) انگلستان در خارج از کشور که ارتباط نزدیکی با سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا دارد. رک: علی آقا بخشی و مینو افشاری راد، پیشین، ص ۳۲۲) انگلیس بوده، توسط خانم «تد پترسون» (Ted Peterson) که بهائی و وابسته به سازمان سیا می باشد، بهائی می شود. (رک: مستند بهائیان در حیات خلوت من.)

یا «رامین جهاننگلو» جاسوس سازمان سیا) برای دیدن شرح زندگی و حمایت جهاننگلو از بهائیت رک: پیام فضلی نژاد، شوالیه های ناتوی فرهنگی (نیمه پنهان سی) تهران، کیهان، ۱۳۸۶) و «شیرین عبادی» همکار صمیمی صهیونیست ها و برنده ی جایزه ی صلح نوبل، (یکی از دلایل برنده شدن عبادی در مؤسسه صلح نوبل، حمایت آشکار و خاص وی از بهائیان است. بیت العدل اعظم نیز بیانیه ای در دفاع از خانم عبادی صادر کرده و در آن شجاعت خانم عبادی در دفاع از بهائیت را ستوده است. لازم به ذکر است جایزه ی صلح نوبل به افرادی اعطا می شود که در راستای منافع آمریکایی- صهیونیستی گام بردارند. رک: حسین شریعتمداریف حسین شریعتمداری فاش کرد: اسناد تکان دهنده وابستگی شیرین عبادی در دادگاه کیهان، روزنامه کیهان، ش ۳۰، ۱۳۸۹/۱/۱۹۶۲۳، ص ۲ (اخبار کشور) همچنین رک: مرکز جهانی بهائیت: همچنان قدردان شیرین عبادی هستیم (۱۳۸۷/۵/۳۱) سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، شهریور ۱۳۸۹، [www.irdc.ir](http://www.irdc.ir)) مکرراً به حمایت از فرقه ی ضاله ی بهائیت پرداخته اند.

روابط تنگاتنگ و صمیمی بین بهائیان و رژیم صهیونیستی باعث شده بهائیان در هر کشوری به عنوان حامیان صهیونیسم و به جاسوسانی زبردست برای آنها تبدیل شوند، هر چند جاسوس پروری مرام صهیونیست ها و ابزاری برای رسیدن به اهداف آنها می باشد. در برنامه ی عملی صهیونیست ها، در پروتکل هفدهم آمده:

«... برنامه های ما حکم می کند که یک سوم مردم، جاسوسی دو سوم دیگر را بکنند. این جاسوسی برخاسته از احساس وظیفه و براساس خدمت داوطلبانه در راه حکومت می باشد. بنابراین جاسوسی و خبر کِشی نه یک کار شرم آور که فضیلت و امتیاز خواهد بود. این افراد حق هیچ گونه اقدامی در

رابطه با موضوعات گزارش های خود ندارند و در این زمینه مطلقا فاقد صلاحیت می باشند. آنها فقط موظف اند ببینند و بشنوند و دیده ها و شنیده های خود را گزارش دهند.» (عجاج نویهض، پروتکل های دانشوران صهیون، ص ۳۴۵)

همان طور که در این پروتکل آمده، جاسوسی هر گاه برخاسته از احساس وظیفه و حکم شرعی باشد، یک فضیلت و امتیاز محسوب می شود. ما این مسئله را در تشکیلات بهائیان می بینیم، چرا که اطلاع رسانی کامل از محیط زندگی بر بهائیان واجب است. در حقیقت یکی از وظایف تشکیلات بهائیت، جمع آوری اخبار و اطلاعات جامعه ی بهائی از مسائل مربوط به محیط اطراف آنهاست که به صورت سازمان یافته از پایین ترین سطوح تشکیلات محلی فرقه تا محافل منطقه ای و سپس محفلی ملی بهائیان در هر کشور صورت می گیرد و باز طبق وظیفه ی شرعی و تشکیلاتی باید این اطلاعات به بیت العدل اعظم (مرکز جهانی بهائیت در سرزمین اشغالی) ارسال شود. (رک: تحرکات شوم بهائیت، چهار مقاله در زمینه بهائیت، بی جا، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا، ص ۸۱؛ محمود قوچانی، خورده قوانین بهائیت، سایت محاکمه، خرداد ۱۳۸۹، [www.mohakeme.com](http://www.mohakeme.com))

سید کاظم موسوی از پژوهشگران تاریخ معاصر ایران در این باره معتقد است که اعضای تشکیلات بهائیت، عمدتا جاسوسان و عوامل اطلاعات آمریکا و اسرائیل هستند. به گفته ی ایشان اعضای این تشکیلات موظف هستند در ضیافت های نوزده روزه ی خود، هر نوع خبری از درون خانواده تا تعاملات اجتماعی ارائه دهند.

خبرها حتی اخبار سری براساس مراتب و پس از پالایش به رأس هرم می رسد و از طریق سران تشکیلات به خارج از کشور انتشار یافته و در وهله ی اول به دست دشمنان نظام و انقلاب می افتد. ایشان تأکید کرد این تشکیلات، اطلاعات جمع آوری شده از ایران را به کانادا و سپس به اسرائیل، فرماندهی این تشکیلات ارسال می کند. (تغییر و تحولات تشکیلات بهائیت در دوره اخیر) گزارش مرداد (۱۳۸۷) سایت موعود، فروردین ۱۳۹۰، [www.mouood.ir](http://www.mouood.ir)

هر چند در عرف جامعه این عمل یک نوع خیانت و جاسوسی است. اما بهائیان با خرسندی وظایف خود را انجام داده و از آن طرف هم صهیونیسم بدون پرداخت هزینه از اسرار و اتفاقات داخلی کشورها مطلع می شود. (محمود قوچانی، پیشین) قطعا طراحی و سازماندهی و هدایت این شبکه به دست صهیونیسم ها می باشد.

در این باره یکی از بهائیان جداشده از این فرقه با تأکید بر اینکه هر فرد بهائی خود را موظف می داند، اطلاعات مورد نیاز را در اختیار اسرائیل قرار دهد، خاطرنشان می کند: «بهائیان تعلقی به هیچ کشور ندارند. چون تعلق خاطر به وطن در اینها کشته شده، چون یکی از اهداف و کارهای استعمار همین است که برای جاسوس پروری در هر کشوری باید حس وطن دوستی را از اینها بگیرد تا آمادگی پیدا کنند برای در اختیار استعمار قرار گرفتن.» و در پایان تصریح می کند: «الان عملا جاسوس های بزرگ اسرائیل، بهائی ها هستند.» (منیره فتاحی اردکانی، «پرورش یافته در دامان صهیونیسم، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پویا، ش ۷، ص ۸۲، به نقل از [www.kayhannews.ir](http://www.kayhannews.ir))

بهائیان نه تنها موظف به گزارش اخبار پیرامون خود به تشکیلات هستند، بلکه حتی اخبار و اطلاعات افراد بهایی دیگر را نیز باید به اطلاع تشکیلات برسانند. در حقیقت هر بهائی جاسوس بهائی دیگر نیز هست. به طوری که اگر یک نفر کاری برخلاف قوانین تشکیلات انجام دهد، حتی پدر و مادر و خانواده به او رحم نکرده و مراتب را به تشکیلات گزارش می دهند. (رک: سعید سجادی، پشت پرده تشکیلات، خاطرات عضو سابق فرقه بهائیت به روایت بهزاد جهانگیری، تهران، کیهان، ۱۳۸۷، صص ۱۵۴-۱۶۲)

جالب اینجاست که ساختمان بیت العدل در حیفاى فلسطین اشغالی نیز یک ساختمان معمولی نیست بلکه دارای چندین طبقه ی زیرزمین و ساختمانی ضد حملات اتمی و محافظ و سری (مستند بهائیان در حیاط خلوت من) می باشد که نشان دهنده ی این است که بهائیت یک تشکیلات سری و مخفی جاسوسی ولی با پوشش مذهب و دیانت است.

جاسوسی بهائیان در کشورهای مختلف برای صهیونیسم امری قطعی است هر چند با توجه به سانسور خبری و نفوذ صهیونیسم در دیگر کشورها این اطلاعات کمتر به بیرون درز می کند و امکان فاش شدن اخبار مربوط به این جاسوسی ها و تخلفات بسیار کم است. حال، فقط به ذکر یک کشور به عنوان مثال بسنده می کنیم.

#### ارتباط محافل ملی بهائیان هند با اسرائیل

«هندوستان تایمز» یکی از روزنامه های هندوستان، در مقاله ای در جولای ۲۰۰۶ به نقل از دایره ی مبارزه با جرایم اقتصادی پلیس دهلی نو (دهلی نو یا نیودهلی: پایتخت هند و در جنوب دهلی کهنه است. رک: علی اکبر دهنخدا، لغتنامه دهنخدا، ج ۲۴، ص ۴۷۰) فاش نمود که تعدادی از متولیان جامعه ی بهائی به دلیل طرح شکایتی در خصوص جرایم مالی و جاسوسی دستگیر شده اند. براساس مدارک موجود در این پرونده فردی به نام «ان. کا. بادهی راجا» مدیر مالی محافل ملی بهائیان هندوستان، به تهیه ی کارت شناسایی جعلی به منظور ورود به تأسیسات دفاعی هندوستان، تهیه ی اطلاعات محرمانه و طبقه بندی شده، فروش آنها به سرزمین های جاسوسی اسرائیل، دریافت مبلغ زیادی ارز خارجی و خروج غیر قانونی آن از هندوستان متهم شده است.

از زمانی که این قضیه در هندوستان فاش گردید تاکنون، موارد دیگری از این گونه اتهامات نیز در وسایل ارتباط جمعی هند برملا گردیده است. به عنوان نمونه، روزنامه ی «هندو» در تاریخ (۲۰۰۶/۸/۱۹) اعلام نمود که خانم «زونا سورابجی» همسر «سولی سورابجی» دادستان کل پیشین هندوستان یکی از متولیان جامعه ی بهائی بوده که در یاری رساندن به متهمین پرونده جاسوسی نقش فعالی داشته است. (ارتباط محفل ملی بهائیان هند با اسرائیل، سایت بهائی پژوهی، خرداد ۱۳۸۹، [www.bahairesearch.ir](http://www.bahairesearch.ir): ارتباط محفل ملی بهائیان هند با اسرائیل، بخش خبر و نظر، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر «زمانه» ص ۱۰۳)

جاسوسی بهائیان برای صهیونیسم به صورت یک وظیفه ی تشکیلاتی است و بهائیان در هر نقطه از جهان در پوشش تشکیلات و یا حمایت صهیونیسم به عنوان عمال صهیونیستی اخبار پیرامون خود را به اطلاع تشکیلات می رسانند و آنها

نیز پس از پیرایش و سنجش، اخبار را به رؤسای صهیونی خود تحویل می دهند. در این خصوص لازم است مسئولان کشورها به ویژه کشورهای اسلامی دقت لازم را به عمل آورند تا عناصر جاسوس این فرقه نتوانند به ادارات و مقامات کشورهایشان نفوذ کنند.

## فصل سوم:

### حمایت مالی بهائیان از رژیم صهیونیستی

یکی دیگر از جلوه های پیوند بهائیت و صهیونیسم، حمایت مالی بهائیان از صهیونیسم و رژیم اشغالگر قدس می باشد. وجود اماکن مقدس بهائیان در فلسطین اشغالی، همچنین وضع قوانین خاص برای زیارت این اماکن، وجود بیت العدل در آن سرزمین با توجه به پیوند تنگاتنگ آن با رژیم صهیونیستی، سرازیر شدن کمک های مالی بهائیان به بیت العدل و پرداخت نذورات، کفارات، جریمه ها و موقوفات (در بهائیت، کلیه وجوه شرعی، نذورات، هدایا، کفارات، ارث بدون صاحب و .... به بیت العدل پرداخت می شود و بیت العدل هر طور که بخواهد هزینه می کند. برای اطلاع رک: بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، قسمت احکام بهائیان) حتی خرید کالاهای صهیونیستی، همه و همه در جهت خدمت به صهیونیسم و کمکی برای رونق اقتصاد این رژیم اشغالگر است.

اسماعیل رائین میگوید:

« بی هیچ تردیدی جلب سرمایه داران بزرگ که بهائیان و مخصوصا رهبران این فرقه در رأس آنها قرار داشتند و طبعاً سرمایه های خود را در این سرزمین نو بنیاد به کار می انداختند، به سود حکومت جدید التأسیس اسرائیل بود و چنین بود که این دولت جدید به بهائیان روی خوش نشان داد و آنان را به سوی خود و سرمایه گذاری در سرزمین خود جلب کرد.»

وی در ادامه می افزاید:

«اگر مجموعه ی این عوامل را به تدفین رهبران بهائی در این سرزمین بیفزاییم - که خود مرکز مقدسی برای بهائیان می شود و هر سال گروه های کثیر بهائی را با سرمایه های کلان و مخارج گزاف به سوی این سرزمین سرازیر می کند - به انگیزه ی تفاهم فوق العاده ی بهائیان و اسرائیلیان بیشتر و بهتر واقف می شویم.» (اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، ص ۱۶۹)

الف) تروریسم بهائی

«بندر حیفا» مهم ترین شاه‌رگ اقتصادی اسرائیل و کوتاه ترین مسیر به سوی خزانه های این رژیم است. این بندر که علاوه بر موقعیت جغرافیایی از لحاظ نظامی و اقتصادی نیز چهره ای جهانی یافته، وجود مکان های گردشگری به خصوص معبد بهائیان در آن اهمیت خاصی دارد. (رک: معصومه زارعی، «تجارت اسرائیلی از گورستان بها» فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پویا، ش ۷، اسفند ۱۳۸۶، ص ۱۲۱)

ساحل هلالی شکل حیفا به طول شانزده کیلومتر از طریق کوه کرمل به بندر عکا متصل می شود. «مشرق الاذکار» بهائیان در نقطه ی مرکزی شهر و باغ های ایرانی در بالاترین نقطه ی تپه، از آن سوی ساحل هلالی شکل نمایان است. بنای نه ضلعی مرقد باب و گنبد طلایی و باغ ها را با پله های سنگی، مجسمه ها و فواره ها، کلکسیون فرش های ایرانی و ... گردشگران بسیاری را به سوی خود می کشاند. (رک: معصومه زارعی، «تجارت اسرائیلی از گورستان بها» فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پویا، ش ۷، اسفند ۱۳۸۶، صص ۱۲۱-۱۲۳)

تشکیلات مرکزی بهائیان می کوشد تا با بیش از پیش از پیش زیبا جلوه دادن اماکن مقدسه ی بهائیان و تبلیغات فراوان، علاوه بر بهائیان، افراد غیر بهائی را نیز به این مناطق جذب کند. رسانه های صهیونیستی نیز با تبلیغات بسیار گسترده ی این اماکن و نمایش آنها، سعی در ایجاد جاذبه های توریستی برای رژیم اشغالگر دارند. از جمله در نشریه ی رسمی محفل بهائیان ایران می خوانیم که یک کمپانی معروف فیلم سازی در آمریکا فیلمی به نام «اسرائیل از دریا، ساخته که در آن مناظر مربوط به قبر باب و مرکز بهائیت را به نمایش گذارده است. این گزارش می افزاید که فیلم مزبور چندی قبل در تلویزیون آمریکا در ایران - که پیش از انقلاب در کانال هشت فعال بود - نیز به نمایش درآمده است.

همچنین دفتر نمایندگی توریسم اسرائیل در نیویورک که یکی از سازمان های مهم صهیونیستی به شمار می آید، متن فصل تبلیغی در خصوص بهائیت و مراکز مهم آنها در فلسطینه اشغالی به زبان انگلیسی منتشر نموده و تاریخچه ی بهائیت و مراکز مقدس بهائیان را معرفی می کند. (رک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، صص ۷۰۷-۷۰۹، بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۶۱۷ و ۶۱۸ به نقل از مجله اخبار امری، ارگان رسمی محفل بهائیان ایران، ش ۳، تیر ۱۳۳۳)

مجلات و نشریات مختلف نیز در مقالات، خبرها و گزارش های خود به تبلیغ بهائیت و مراکز بهائی در سرزمین اشغالی می پردازند، از جمله «ماهنامه ی دفتر ملی اسرائیل» در شماره ی جولای ۱۹۶۳ (تیر ۱۳۴۲) مقاله ای با عنوان «مسافرت از طریق مدیترانه به سوی اسرائیل» به قلم فردی به نام «تروود داب» درج کرد. نویسنده در این مقاله اولین منظره ای را که در سفر دریایی به حیفا به چشم می خورد چنین توصیف مینماید: «به زودی کوه کرمل با تمام وقار و عظمتش با قبه ذهبی مقام اعلی که در پرتو آفتاب صبح گاهی می درخشد، نمودار می گردد.» (پویا شکیبا، پیشین، صص ۶۱۴ و ۶۱۵ به نقل از مجله اخبار امری، ش ۱۲، اسفند ۱۳۴۲، ص ۶۹۵)

حضور گسترده بهائیان سراسر جهان در اسرائیل نیز منبع درآمد خوبی برای رژیم صهیونیستی است. تشکیلات بهائیت به اشکال مختلف سعی در تشویق بهائیان برای سفر به سرزمین های اشغالی و دیدار اماکن متعلق به خود را دارد و با ایجاد بهانه هایی همچون صدمین سال ورود بهاء به عکا، بهائیان را به آنجا فرا می خواند. یا افرادی را که برای تبلیغ

بهائیت در خارج وطن، مهاجرت می کنند، به صورت تشویقی ، یک سفر چند روزه به فلسطین اشغالی می برند. چون معمولاً افرادی که به این مسافرت ها میروند، دارای تمکن مالی واز گروه های مرفه هستند، سفر آنها برای اسرائیل از نظر اقتصادی و توریستی سودمند می باشد. ( رک: پویا شکيبا، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۶۱۵)

در این زمینه روزنامه ی جرورالم پست (Jerusalem Post) در شماره ی ۲۸ اوت ۱۹۸۶ خبر می دهد که دسته های مختلف بهائیان از کنفرانس پالرموی ایتالیا به اسرائیل آمده اند و متذکر شده که « این عده بزرگ ترین اجتماع زائرین بهائی را که تاکنون به اراضی مقدسه مسافرت نموده اند، تشکیل می دهد.» ( پویا شکيبا، پیشین، ص ۶۱۵، به نقل از مجله اخبار امری، ش ۹ و ۸، (آبان و آذر )، ۱۳۴۷، ص ۵۹۲)

هیئت بین المللی حیفا در نامه ای خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان ایران، مورخ اول ژوئیه ی ۱۹۵۲ م بعد از اینکه توضیحاتی راجع به ساختمان مقام اعلی و کوه کرمل می دهد، در قسمتی می گوید: « چنان که در موقع عید فصیح ( یکی از اعیاد مهم یهود است) متجاوز از ۱۵۰۰ نفر من جمله پانصد نفر در یک روز از بهجی ( عکا) دیدن کردند...» ( رک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، صص ۶۸۰-۶۹۰، به نقل از مجله اخبار امری، ارگان محفل بهائیان ایران، ش ۵، شهریور ۱۳۳۱)

تبلیغات بهائیان برای دیدار از اماکن مقدسه شان بیشتر و بیشتر می شود و در نتیجه سفر بهائیان به اراضی اشغالی نیز رو به فزونی می گذارد تا آنجا که شوقی در تلگراف مورخ هفتم اکتبر ۱۹۵۳ (۱۳۳۲/۷/۱۶) در پیامی به کنفرانس دهلی می گوید: «تعداد نفوسی که از دور و نزدیک برای زیارت مقام اعلی می آیند، روز به روز در تزايد است و در چندین روز، عده ی آنها از هزار نفر تجاوز می نمود.» ( پویا شکيبا، پیشین، ص ۶۱۵، به نقل از آهنگ بدیع، ش ۱۲ و ۱۳، ۱۳۳۲، ص ۲۴۱)

با همکاری صهیونیست ها، به تدریج بر تعداد زائرین و سیاحان افزوده می شود، به طوری که شش سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۸ ش به گفته ی سران بهائیت « در ظرف یک سال، عدد زائرین و سیاحین «بازدید کننده از اماکن بهائی» به بیش از یکصد هزار، بالغ گردیده است.» ( رک: پیشین، ص ۶۱۵)

این روند همچنان ادامه می یابد تا اینکه در فروردین ۱۳۸۸ (مارس ۲۰۰۹) آلبرت لینکن (Albert Lincoln) دبیر کل مرکز جهانی بهائی در ضیافتی که این فرقه در بیت المقدس برپا کرده بود، اذعان داشت در طی سال گذشته، بیش از ۶۵۰ هزار نفر توریست از «باغ های ایرانی» در حیفا دیدن کرده اند. او پیوستن اماکن مقدس بهائیان در اسرائیل، به فهرست میراث فرهنگی جهانی را یک دستاورد بزرگ نامید که موجب اعتلای مقام بهائیان و نام کشور اسرائیل خواهد شد. ( رک: گزارش دالیا کهن امین - اورشلیم، سایت بهائیت، اسرائیل ( خرداد ۱۳۸۹ ) ، - Israel.Blogfa.com

[www.bahai](http://www.bahai)) در این مراسم مئیر شیتريت (Meir Sheetrit) وزیر کشور رژیم صهیونیستی - در خلال سخنانش به تمجید از بهائیت پرداخت و گفت: شما حیفا را به یک مرکز مهم جهانگردی، مبدل کرده اید.» ( پویا شکيبا، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده ، ص ۶۱۶، به نقل از [www.Hamdami.com](http://www.Hamdami.com))

به این ترتیب بهائیت در عرصه ی جذب توریست و کمک به اقتصاد اسرائیل، نقش قابل توجهی دارد.

ب) کمک های مالی بهائیان از طریق محافل شان

بهائیان در هر کجا که باشند با همه ی توان در خدمت صهیونیسم جهانی می باشند. کمک های مالی بهائیان به صهیونیست ها علاوه بر جمع آوری و ارسال کمک مالی که به طور مستقیم می باشد، به صورت غیر مستقیم و آن هم از طریق کمک به بیت العدل صورت می گیرد.

از آنجایی که محافل بهائیان، مراکز جاسوسی و در خدمت صهیونیسم است، کمک های بهائیان در ضیافت هایشان به این محافل وحتى پرداخت وجوه شرعی مثل کفاره، جریمه و ... نیز یک نوع کمک غیر مستقیم به صهیونیست ها می باشد.

سابقه ی کمک های بهائیان به صهیونیست ها، به رهبرشان عباس افندی در جریان جنگ جهانی اول بر می گردد؛ همان زمان که مخازن گندم خویش را به ارتش انگلیس تقدیم کرد. (رک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، صص ۶۴۲ و ۶۴۳) بعد از آن، پیوند بهائیت و صهیونیسم قوی تر شد و بهائیان از هیچ خدمتی در حق آنها فروگذار نمی کردند.

حمایت های مالی بهائیان از صهیونیست ها فقط منحصر به ایران نیست، اما از آنجایی که اسناد و مدارک ساواک و خاطرات مستبصرین بهائی به این نوع حمایت ها اشاره دارند و همچنین فعالیت بهائیان در ایران بیشتر است، لذا در اینجا فقط به ذکر گوشه ای از این حمایت ها در ایران، طبق اسناد و مدارک بسنده می کنیم.

یکی از نویسندگان معاصر می نویسد: «تلاش برای ایجاد دولت غاصب اسرائیل یکی از اهداف عالی حزب بهائیت بود و ارسال ثروت های دزدی شده از کشورهای مسلمان به آن دیار از فعالیت های اصلی آنان به شمار می رفت.»

ایشان به یک نمونه از این موارد که توسط فرخ رو پا رسا [بهائی] در مدت اشتغالش در وزارت آموزش و پرورش صورت گرفته، اشاره می کند. (همایون کشتگر، «ماه غسل رژیم پهلوی و بهائیان» فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۵۰، سال ۱۳، تابستان ۱۳۸۸، ص ۴۶۰، به نقل از ذوالفقاری، زنان دربار به روایت اسناد ساواک، فرخ رو پارسا، تهران مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲)

پس از جنگ شش روزه ی اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶ بهائیان، علاوه بر تبلیغ به نفع اسرائیل، فعالیت زیادی برای جمع آوری پول و خرید مایحتاج و کمک به ارتش آن کشور کردند.

طبق سند ساواک:

«...مبلغی در حدود ۱۲۰ میلیون تومان به وسیله ی بهائیان ایران جمع آوری گردید و تصمیم دارند این مبلغ را در ظاهر به بیت العدل در حیفا ارسال نمایند. ولی منظور اصلی آنها از ارسال این مبلغ، کمک به ارتش اسرائیل می باشد. مقدار قابل ملاحظه ای از این پول به وسیله ی حبیب ثابت اکلان سرمایه دار مشهور بهائی یهودی [تعهد و پرداخت شده است...» (جواد منصوری، تاریخ قیام پانزده

خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۳۲ و ۳۳۳ (سند ۲/۹۶)؛ روح الله حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، ص ۱۷۳، (سندش ۱۹)

در سند دیگری از ساواک به تاریخ ۱۳۴۹/۹/۹ آمده است:

«شنیده شده است که چندی قبل بهائیان ایران نیز مبلغ هنگفتی که چندین میلیون تومان شده به اسرائیل کمک کرده اند. البته تصور می رود کمک بهائی ها از طریق آقای غفوری نماینده ی سیاسی اسرائیل در ایران و [به] وسیله ی حبیب القانین که تماس مستقیم با حبیب ثابت که قبلا یهودی و اهل کاشان بوده است، انجام گردیده، زیرا از قرار معلوم سرمایه ی محفل و وجوه جمع آوری شده ی بهائیان، ماهیانه به نام خیر الله در صندوقی نزد حبیب ثابت می باشد و ...» (تربیا شهسواری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره ی محمد رضا شاه، ص ۱۵۲)

در گزارش های شهربانی آذربایجان شرقی به ساواک در تاریخ ۱۳۴۸/۱۰/۲۸ چنین آمده است: «... چند تن از فرقه ی بهائی در کشور اسرائیل سکونت داشته و چند نفر نیز از جمله شخصی به نام روح الله مشتاق، اهل قریه ی «سیسان» در اطراف تبریز به آن کشور تردد داشته و کمک هایی که از طرف فرقه ی مذکور به کشور اسرائیل می گردد توسط آنها انجام می گیرد...» (پیشین، ص ۴۹، (سند ش ۹۱) بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، صص ۷۶۵ و ۷۶۶)

بسیاری از افراد صاحب نفوذ و سرمایه دار بهائی در عصر پهلوی، کمک های کلانی به محافل ملی یا بیت العدل اعظم نموده اند. کمک های «هویدا» (رک: منوچهر صادقی، هویدا بی نقاب بی روتوش، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۵۰، سال ۱۳، تابستان ۱۳۸۸، ص ۶۶۲) «هژبر یزدانی» در دفعات متعدد( محسن نیک پیمان، «سرمایه داران بهائی در ایران عصر پهلوی، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۵۰، سال ۱۳، تابستان ۱۳۸۸، صص ۵۶۹-۵۷۶) با مبالغ کلان چند صد میلیونی و بسیاری دیگر در اسناد ومدارک تاریخ ثبت شده است.

صبحی-منشی و کاتب وحی عبدالبهاء که بعدها به دین اسلام ایمان آورد- به یک مورد از نحوه ی جمع آوری پول و فرستادن برای شوقی اشاره می کند:

«دیگر از کارهای اینها این بود که چند سال پیش به هر نیرنگی بود یک جهود هبایی (پیروان شوقی که بی چون وچرا سخنان او را پذیرفتند واز مهر، دوستی، دانش وخرد دور هستند، هبایی نام دارند). را به نام «عزیز نویدی» در دادگاه ارتش آوردند، آنگاه برای زمین های قلعه مرغی که در دست هواپیمایی بود، دادمند تراشیدند و نیرنگ ها به کار بردند تا بیست میلیون از کیسه ی ارتش بیرون کشیدند و به دست چند تن بهائی دادند که برای شوقی بفرستد.» (فضل الله مهتدی صبحی، خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی گری و بهائی گری، به کوشش و مقدمه هادی خسرو شاهی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۴۳۱)



ما فقط به چند نمونه طبق اسناد اشاره کردیم و مطمئناً کمک هایی که توسط سرمایه داران بهائی صورت گرفته بسیار بسیار بیشتر از آن چیزی است که در مدرک و اسناد ذکر شده است.

اکنون نیز کمک های مالی به محافل بهائیان در ضیافت های مختلف بهائیان، به صورت جمع آوری اعانه صورت می گیرد. این مطلب در خاطرات یکی از مستبصرین به این صورت آمده: «... قبل از پایان جلسه هم طبق معمول سنواتی، گلدان گدایی را به میان آوردند... [که] پس از جمع آوری و یک جا شدن این پول با پول های جمع آوری شده از شهرهای دیگر، به دلار تبدیل شود و یک راست به عکا در اسرائیل فرستاده شود...» ( سعید سجادی، پشت پرده تشکیلات، ص ۳۲۴) و این ارسال کمک های مالی هنوز هم ادامه دارد.

### ج) حمایت بهائیان از اقتصاد رژیم صهیونیستی

انواع دیگر حمایت های مالی بهائیان از صهیونیست ها، خرید کالاهای صهیونیستی، قاچاق کالاهای اسرائیلی به داخل کشورها، رونق دادن اقتصاد رژیم صهیونیستی و همکاری با یهودیان در چپاول کشورها می باشد که نمونه بارز آن را در ایران (عصر پهلوی) شاهد هستیم.

امام خمینی (ره) نیز که حقایق این گروه، از دید ایشان مخفی نبود، چهره ی آنها را این گونه افشا می نماید: «تأسف بالاتر، تسلط اسرائیل و عمال اسرائیل [بهائیت] است بر بسیاری از شئون حساس مملکت و قبضه نمودن اقتصادیان آن، به کمک دولت و عمل دستگاه جبار...» (سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۶۱) (۱۳۴۳/۱/۱۸)

طبق گزارش ساواک در ۱۳۴۸/۱۰/۲۸ بهائیان به نفع دول استعماری فعالیت می کنند: «... ضمناً بهائی هایی که در آذربایجان و در سایر شهرستان ها دارای تأسیسات و کارخانه هایی هستند، از وسایل و آلات ساخت اسرائیل استفاده و با خرید آن به اقتصاد کشور مورد بحث، به طور غیر مستقیم، کمک می نمایند.» (بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، صص ۷۶۵ و ۷۶۶)

در یکی از اسناد ساواک مورخ ۱۳۵۰/۲/۱۸ آمده که در یکی از جلسات بهائیان شیراز آقای لقمانی بعد از ایراد سخنانی گفت:

«آقایان بهائیان بهتر است بیشتر مطالعه نمایند و از روی حقیقت قضاوت کنند که امروز آزادی بیشتری دارند، یعنی چه؟ در زمان قدیم احباً [پیروان فرقه ی ضاله ی بهائیت] نمی توانستند بگویند ما بهائی هستیم، اکنون از آمریکا و لندن صریحاً دستور داریم در این مملکت مُد لباس و بی حجابی را رونق دهیم...»

در ایران و کشورهای مسلمان دیگر هر چه می توانید با پیروی از مُد و تبلیغات، ملت اسلام را رنج دهید، تا آنها نگویند امام حسین (ع) فاتح دنیا بوده و علی (ع) غالب دنیا، البته بهائیان هم تصدیق دارند، ولی نه برای قرن اتم، اتمی که به

دست بهائیان درست می شود اسلحه و مهمات به دست نوجوانان ما در اسرائیل ساخته می شود. این مسلمانان آخر به دست بهائیان از بین می روند و دنیای حضرت بهاء الله رونق می گیرد! (جواد منصوری ، تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۱، سند ۷۸/۲؛ روح الله حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، ص ۱۸۳ (سند ش ۱۳)

همچنین در گزارش ساواک از جلسه ی بهائیان شیراز به تاریخ ۱۳۵۰/۵/۱۹ آمده است که جلسه ای با حضور دوازده نفر از بهائیان شیراز در منزل آقای هوشمند تشکیل شد و درباره ی وضع اقتصادی بهائیان در ایران صحبت کردند. فرهنگی (یکی از افراد حاضر) اظهار داشت:

« بهائیان در کشورهای اسلامی پیروز هستند و می توانند امتیاز هر چیزی را که می خواهند بگیرند. تمام سرمایه های بانکی و ادارات و رواج پول در اجتماع ایران مربوط به بهائیان و کلیمیان می باشد. تمام آسمان خراش های تهران، شیراز و اصفهان مال بهائیان است. چرخ اقتصاد این مملکت به دست بهائیان و کلیمیان می چرخد...» ( ظهور و سقوط سلطنت پهلوی خاطرات فردوست، تهران، اطلاعات ، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۸۵)

بدین سان اتحاد بین بهائیان و صهیونیسم در زمینه ی اقتصادی و چپاول ملت ایران صورت گرفت . هر یک از افراد بهائی که به مقامی می رسید، زمینه ی نفوذ افراد دیگر را در مقامات مهم فراهم می کرد و بعد با نفوذ در کلیه ی ارکان دولت و همکاری سرمایه گذاران صهیونیستی ، ایران را به یک بازار مصرف کالای اسرائیلی تبدیل می کردند و اقتصاد کشور را بیش از پیش وابسته به صهیونیسم می نمودند.

برای مثال حبیب ثابت ، بیش از ۹۹ درصد از اجناسی که شرکت های متعلق به او به ایران وارد می کردند (از پیسی کولا تا تلویزیون (R.C.A) و کارخانجات لاستیک «جنرال» و انواع گوناگون لوازم آرایشی) همگی ساخت آمریکا و متعلق به کارتل ها ( Cartel قرار داد نشامی شکلی از اتحادیه سرمایه داری انحصاری برای محدود کردن یا امحای رقابت در یک رشته ی تولیدی که به وسیله آن، کمپانی های عضو کارتل، مقدار تولید و کنترل قیمت ها و شرایط فروش را در انحصار خود می گیرند، و پس از در انحصار گرفتن بازار فروش، آن را بین خود قسمت می کنند و سیاست های اقتصادی خود را پیش می برند. علی آقا بخشی ومینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی ، ص ۸۴) و تراست هایی ( Trust انحصار بزرگی که از ادغام شرکت های مختلف (کالای مشابه) به وجود می آید که مؤسسات عضو استقلال خود را از دست داده و تحت نظارت تراست قرار می گیرند، که نهایتا به ضرر مصرف کنندگان است. رک: علی آقا بخشی ومینو افشاری راد، پیشین، ص ۶۹۴) بودند که سهام آنها متعلق به یهودیان صهیونیست بود. (معماران تباهی، سیمای کارگزاران کلوب های روتاری در ایران، تهران، کیهان، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۸)

بازار آزاد پول و ارز کشور را صهیونیست ها و بهائیان در کنترل خود داشتند و نظام بانکی کشور نیز در بست در اختیار آنها بود. (رک: شمس الدین رحمانی، جنایت جهانی، ص ۶۱) کارشناسان یهودی در رأس دستگاه پهلوی و مراکز حساس

تصمیم گیری و ادارات و سازمان های مهم مستقر شدند. (رک: زین العابدین صدیق (ابومحی الدین) حماسه خمینی، پژوهش صهیونیت، مجموعه مقالات، تهران، ضیاء اندیشه، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۳۹۱ و ۳۹۲)

امام خمینی (ره) شجاعانه در مقابل اعمال صهیونیست ها در ایران می ایستادند و با هوشیاری دست آنها را رو می کنند. ایشان در نامه ای که به نخست وزیر وقت (هویدا) می نویسند، نفوذ اقتصادی اسرائیل را هشدار می دهند:

«...با اسرائیل دشمن اسلام و آواره کننده ی بیش از یک میلیون مسلمان بی پناه پیمان برادری نبندید و عواطف مسلمین را جریحه دار نسازید. دست اسرائیل و عمال خائن [بهائیت] آن را به بازار مسلمین بیش از پیش باز نکنید، اقتصاد کشور را به خاطر اسرائیل و عمال آن به خطر نیندازید و فرهنگ را فدای هوس آنها نکنید.» (سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲، صص ۱۲۶ و ۱۲۷) (۱۳۴۶/۱/۲۶)

هم اکنون نیز بهائیان در سراسر جهان با تمام توان در خدمت صهیونیسم هستند و علاوه بر جمع آوری و ارسال کمک مالی به حمایت از اقتصاد رژیم اشغالگر قدس می پردازند.

## فصل چهارم:

### ارتباط بهائیت و فراماسونری

یکی دیگر از وجود پیوند بهائیت با صهیونیسم و زرسالاران یهود، سازمان مخفی فراماسونری (Free Masonry) است. تشکیلات بهائیت همچون فراماسونری در خدمت صهیونیسم است و این دو در ویژگی ها و اهداف شباهت های فراوانی با هم دارند. همچنین در میان نخبگان فرماسون، به ویژه در ایران نسبت بالایی از بهائیان وجود دارد که این بهائیان همواره در خدمت صهیونیسم جهانی بوده اند.

#### الف) فراماسونری و صهیونیسم

تاریخ نگاران، درباره ی بنیاد فراماسونری و آغاز پیدایش آن با یکدیگر اختلاف دارند. (رک: نجده فتحی، صفوت، فراماسونری در جهان عرب، ترجمه ی یوسف عزیزی بنی طرف، تهران، البرز، انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۱۶؛ نیره قوی، تشکیلات عنکبوتی، تهران، ساحل اندیشه، ۱۳۸۸، صص ۱۷ و ۱۸، برای اطلاع درباره ی منشأ فراماسونری رک: عبدالله شهبازی، زرسالاران یهود و پارسی «نخستین تکاپوهای فراماسونری»، ج ۴، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۷۹) بعضی از این اقوال، حضرت آدم (ع) را اولین ماسون می داند (رک: اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، تهران، ج ۲، امیر کبیر، ۱۳۵۷، صص ۴۵۶، نیره قوی، پیشین، صص ۱۷) و گروهی آن را به دوران سلیمان (ع) و افسانه ی «حیرام» (رک: اسماعیل رائین، پیشین، ج ۱، صص ۲۰۶ و ۲۰۷، نجده فتحی صفوت، پیشین، صص ۲۵، (در نشریه ماسونی، استاد حیرام سازنده معبد مقدس یهودیان، به عنوان پدر ماسونی ها معرفی می شود و منظور

از «فرزندن زن بیوه» ماسون ها هستند) رک: گروه تحقیقات علمی (صحیح: هارون یحیی) مبانی فراماسونری، ترجمه جعفر سعیدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، (صص ۱۲۵-۱۲۷) می رسانند. در هر صورت «فن بنائین و معماری» بستر پیدایش فراماسونری بوده است. (محمد حسن طباطبائی، پیشین، ص ۱۶)

فراماسونری در اصل، کلمه ای فرانسوی و به معنای «بنای آزاد» می باشد. (رک: عبدالهادی حائری، تاریخ جنبش ها و تکاپو های فراماسونگری در کشورهای اسلامی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۱۳؛ نیره قوی، پیشین، ص ۱۷؛ شهریار زرشناس، واژه نامه فرهنگی سیاسی، ص ۱۸۸)

در قرون وسطی که در اروپا ساختن کلیسا معمول بود، بنایان کلیسا از حکام و شهرداران درخواست کردند تا زورگویان جامعه ی فئودالی، آنان را به بیگاری نگیرند و برای آنکه بتوانند پیشنهاد خود را به تصویب برسانند، اتحادیه ای به نام «فرماسون» به وجود آورند و کلاس هایی به نام «لژ» (Loge) برای تعلیم بنایی و معماری به کارگران مستعد آغاز کردند. رازداری حرفه ای موجب شده بود که این کلاس ها، اسرار صنفی خود را شدیداً مخفی کنند. با آغاز دوره ی رنسانس در اروپا، دوران ساختن کلیسا به تدریج به پایان رسید و فراماسونری حرفه ای نیز از رونق افتاد. (علی اکبر آقا بخشی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۵۷) تا اینکه در قرن هجدهم م، این سازمان به عنوان تشکیلاتی منسجم، پیچیده، مرموز و درهم پیوسته با مراکز استعماری با شالوده ی جدیدش توسط صهیونیست ها بنا نهاده شد. (محمد خاتمی، فراماسونری، تهران، کتاب صبح، ۱۳۸۰، ص ۴۸)

و بنا به اعتراف خود صهیونیست ها، فراماسونری در لوای شعار آزادی، برابری و برادری (رک: عجاج نویهض، پروتکل های دانشوران صهیون، ص ۲۹۰) برای تضعیف ملت ها و تفوق بر آنها و زدودن دین از جامعه، (محمد خاتمی، پیشین، ص ۵۱) جهت ایجاد حکومت واحد جهانی (رک: عجاج نویهض، پیشین، صص ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۳۲۵) تشکیل شده است.

بسیاری از صاحب نظران معتقدند که همبستگی و پیوند دیرینه ی بین فراماسونری و صهیونیسم وجود دارد، (رک: عبدالهادی حائری، تاریخ جنبش ها و تکاپو های فراماسونگری در کشورهای اسلامی، صص ۳۸ و ۳۹ و ۷۶ و ۱۰۴ و ۱۲۷-۱۳۴؛ اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۱، صص ۴۷۶ و ۴۷۷؛ نجده فتحی صفوت، فراماسونری در جهان عرب، صص ۶۸ و ۶۹ و ۹۳ و ۹۴؛ شمس الدین رحمانی، جنایت جهانی، صص ۱۱۳-۱۳۰؛ گروه تحقیقات علمی، مبانی فراماسونری، فصل اول و دوم، محمد خاتمی، پیشین، صص ۴۸-۵۴؛ عبدالله شهبازی، زرسالاران یهودی و پارسی، ج ۲، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۷۷، صص ۳۵۷ و ۳۵۸، نیره قوی، تشکیلات عنکبوتی، صص ۸۷-۱۱۳) و حتی در میان مردم کشورهایمانند عراق، فراماسونری با واژه هایی چون «یهودی گری»، «نوکر بیگانه» و «الحاد» شناخته می شده است. (رک: عبدالهادی حائری، پیشین، ص ۱۱۷)

در پروتکل های دانشوران صهیون که همان برنامه ی عملی صهیونیسم جهانی می باشد، در باره ی این نهاد سری و ارتش پنهان، توضیحات زیادی داده شده است. به عنوان مثال در پروتکل چهارم آمده:

«...چه کسی می تواند این قدرت مخفی را نابود کند؟ ما. فراماسونری گوییم | غیر یهود| ناخودآگاه به ما خدمت می کند. به این ترتیب که پوششی برای ماست و ما خودمان واهداف و برنامه هایمان را پشت سر آن پنهان می کنیم. اما برنامه ای که ما برای عمل واجرا آماده کرده ایم و مکانی که این برنامه در آنجا پیاده خواهد شد، به صورت یک راز عمیق و سربه مهر باقی خواهد ماند و احدی از آن مطلع نخواهد شد.» (عجاج نویهض، پیشین، ص ۲۷۲)

در پروتکل پانزدهم نیز آمده:

«در خلال مدتی که از حالا تا زمان برپایی حکومت خود، سپری می کنیم، سعی خواهیم کرد محافل فراماسونری را در سراسر جهان ایجاد و تکثیر کنیم، تا تمام کسانی که ممکن است در آینده جزء افراد خیر سرشناس شوند ویا همین حالا این طور هستند، جذب آنها شوند.

این محافل، مراکز اصلی جاسوسی ما و بهترین کانون های تبلیغاتی خواهند بود. ما این محافل را زیر نظر یک اداره ی مرکزی که فقط برای ما شناخته شده است و دیگران کمترین اطلاعی از آن ندارند، درخواست خواهیم آورد.

این اداره ی مرکزی از دانشوران و دانشمندان ما تشکیل خواهد شد و نمایندگانی خواهد داشت که به نام آن حرف بزنند. نمایندگان آن به منزله ی پوششی برای اداره ی مرکزی فراماسونری هستند که فرامین، نشان و کلمه ی رمز را صادر می کنند. در این محافل ما گره طنابی را که به گردن همه ی عناصر انقلابی و لیبرالیست ها افتاده است، محکم خواهیم کرد. این عناصر از طبقات مختلف جامعه خواهند بود. بدین ترتیب، از مخفی ترین توطئه های سیاسی که با حرکت دست های خود ما از پشت پرده به حرکت درمی آیند، آگاه خواهیم شد.

...طبیعی است ما فعالیت های فراماسونری را جهت بدهیم، زیرا می دانیم که این جهت دهی به سمت چه هدفی باشد وهدف نهایی هر فعالیتی را نیز می شناسیم، حال آنکه: «گوییم» در این باره هیچ نمی دانند و کمترین تصویری از نتایج آن ندارند.» (عجاج نویهض، پروتکل های دانشوران صهیون، صص ۳۲۶ - ۳۲۸)

مفتی بزرگ اردن در پاسخ به استفتائی، فراماسونری را محکوم کرده که در قسمتی از آن آمده:

«فراماسونری از بدعت های یهودیان بوده و بنیاد آن براساس برتر شمردن برادری فراماسونری بر برادری دینی یا برادری ملی است. این امر دربرگیرنده ی پیروی از «برادران یهودی» است که خدای تعالی پیروی از دشمنان و دوستی با یهودیان را نهی کرده است.» (عبدالهادی حائری، تاریخ جنبش

ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی، ص ۱۲۷؛ نجده فتحی صفوت، فراماسونری در جهان عرب، ص ۹۴)

علاوه بر منابع غیر یهودی، برخی فراماسون ها و یهودیان نیز به ماهیت صهیونیستی فراماسونری اذعان دارند. به عنوان مثال بعد از تصمیم حکومت مصر مبنی بر بستن لژهای فراماسونری (۱۹۶۴ م) که بازتاب گسترده ای در کشورهای عربی داشت؛ فراماسون های اردن بیانیه ای در روزنامه ها منتشر کردند که مهم ترین مطلب آن اعتراف به «بهره برداری صهیونیسم از فراماسونری جهانی به گونه ای جنایتکارانه و به زشت ترین شکلی که انسانیت تاکنون شناخته است» بود. (نجده فتحی صفوت، پیشین، ص ۹۳)

خاخام اسحاق وایز (Issac Viez) (۱۸۱۹-۱۹۰۰م) در سوم آگوست ۱۸۶۶ در مجله ی اسرائیلی «آمریکا» نوشت:

«فراماسونری از حیث درجات، تعالیم، پیوندهای محرمانه و روشنگری های تاریخی اش، تشکیلاتی یهودی و اصلا آغاز و انجام آن یهودی بوده است.» ( محسن فرسایی، براندازی صهیونیستی در امپراطوری عثمانی، ص ۳۵۱ به نقل از حسن حلاق، نقش یهود و قدرت های بین المللی در خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت، ص ۵)

### آداب و رسوم ماسونی - یهودی

بسیاری از آداب، تشریفات، آئین ها، سمبل ها، علایم و اعتقادات ماسون ها ریشه در آیین های مذهبی یهود و تورات دارد؛ در حقیقت فراماسونری بر مبنای اصول یهودی - صهیونیستی شکل گرفته است. ( برای اطلاع بیشتر رک: گروه تحقیقات علمی، مبانی فراماسونری، فصل اول و دوم، حسین ملکی، نقش فراماسون ها در تاریخ معاصر ایران، بخش اول؛ شمس الدین رحمانی، جنایت جهانی، صص ۱۱۳-۱۳۰؛ اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۳، صص ۲۱۴-۲۱۶، محسن فرسایی، براندازی صهیونیستی در امپراطوری عثمانی، صص ۳۵۰ و ۳۵۱، شهریار زرشناس، واژه نامه فرهنگی سیاسی، صص ۱۸۹ و ۱۹۰) از جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

سروده های رسمی فراماسونری که در مراسم افتتاح لژها و سایر تشریفات مخصوص همراه با موزیک خوانده می شود، عینا از تورات اقتباس شده است (رک: بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، صص ۷۰۳-۷۱۳) که طی آن بارها «یهوه» -خدای اختصاصی بنی اسرائیل- را خدای آدمیان شناخته و همه ی مردم را بندگان و «گوسفندان مرتع او» لقب داده است. (رک: اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۳، صص ۲۱۴-۲۱۶) این واژه «یهوه» روزی دیپلم های فراماسونری نیز به زبان عبری درج شده است. (رک: حسین ملکی، پیشین، ص ۱۳۳؛ شهریار زرشناس، پیشین، ص ۱۸۹)

در بررسی رمزهای ماسونی (از نظر شکل، شماره یا رنگ) به الگوهای زیادی که از تورات گرفته شده بر می خوریم. مانند: ستون های B و J، گونیا و پرگار، ستاره، شیر، کبوتر، مار، شمعدان و ... (رک: گروه تحقیقات علمی، پیشین، صص ۱۳۳-۱۵۴)

استفاده از تمام مظاهر معبد سلیمان در میان فراماسون ها، همانند ساخت لژها طبق معبد و نقش سه ستون و استفاده از دو شمعدان پنج شاخه و ... (رک: حسین ملکی، پیشین، صص ۱۳۴ و ۱۳۵)

در دایره المعارف فراماسونی که در سال ۱۹۰۶ در فیلادلفیا انتشار یافته چنین آمده: «لازم است هر محفلی، رمزی از یکی از معابد یهود باشد و نماینده ی پادشاهی از پادشاهان یهود است و باز هر فرد ماسونی باید مثل اعلا ی یک کارگزار یهودی باشد.» (شمس الدین رحمانی، جنایت جهانی، ص ۱۲۵؛ نیره قوی، تشکیلات عنکبوتی، ص ۱۱۲ به نقل از توطئه ی جهانی، ص ۱۴۸)

در حقیقت خطرناک ترین جمعیت های زیرزمینی که به منظور درهم ریختن ارکان اسلام و خدمت به اهداف یهود تشکیل شده، همین تشکیلات ماسونی است.

صهیونیست ها برای پیشبرد اهداف خویش، تنها به جمعیت های ماسونی اکتفا نکرده بلکه مؤسسات دیگری را هم به خدمت انجام هدف های خود گرفتند که یکی از آنها باشگاه «روتاری» (Rotary) می باشد. این تشکیلات از اولین روز تأسیس، تحت نفوذ و سلطه ی همه جانبه ی «صهیونیسم بین الملل» قرار داشته و به طریق گوناگون با صهیونیسم پیوند خورده است. (برای اطلاع بیشتر رک: شمس الدین رحمانی، جنایت جهانی، ص ۱۲۴؛ دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، معماران تباهی، ج ۱، صص ۲۰-۲۳؛ عبدالهادی حائری، تاریخ جنبش ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی، صص ۳۸ و ۳۹)

### ب) برخی آموزه ها و ویژگی های مشترک بهائیت و فراماسونری

فرقه ی بهائیت دارای اصول، تعالیم و مقرراتی است که بسیار شبیه اصول و تعالیم فراماسونری است. این ویژگی ها و اهداف مشترک، این نظریه را تقویت می کند که بهائیت و ماسونی هر دو ساخته ی دست استعمار و ابزاری جهت اهداف صهیونیسم بین الملل می باشند.

برخی وجوه مشترک آنها عبارت اند از: اعتقاد به خدای ترکیبی، آزادی رعیت از قید احکام و اخلاق، جهان وطنی، تقدیس اراضی، اعداد و علایم یهودی، ضدیت با اسلام و مسیحیت، (رک: محمد حسن طباطبایی، نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی ایران، صص ۱۱۲ و ۱۱۳) ادعای عدم مداخله در امور سیاسی، تساوی حقوق زن و مرد، وحدت زبان، ادیان و اوطان و ... (رک: عبدالقادر السباعی، کشف البلیه فی فضح البهائیه، بی جا، مکتبه وهبه، ۱۴۲۷ ق) ۲۰۰۶ (م صص ۵۷-۶۵)

به جهت همین وجوه مشترک است که بسیاری از بهائیان در لژهای ماسونی فعال بوده و در قالب سازمان فراماسونری به اجرای طرح های مخفی یهود مشغول اند. (محمد حسن طباطبائی، پیشین، ص ۱۱۳)

در اینجا در صدد بیان ردّ و نقد این اصول نیستیم، بلکه فقط به ذکر چند نمونه به طور مختصر اکتفا می کنیم.

### - تشکیلات بیت العدل

بیت العدل اعظم سازمان اداری تشکیلات اداره کننده ی بهائیت است که حق تشریح احکام و اداره ی امور بهائیان در سراسر دنیا را برعهده دارد و در شهر حیفا ی اسرائیل مستقر می باشد. این سازمان اداری و تشکیلات آن شباهت زیادی با سازمان و تشکیلات آیین مسیحیت و درجات روحانی آن هم شباهت بسیار نزدیکی به درجات «فراماسونری» و اسماعیلیه» دارد. (بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۶۵۷)

«فن هامر» (Von Hammer) نویسنده ی کتاب «تاریخ اسماعیلیه» می نویسد: «مراتب دعا، رفقا و فدائیان در جمعیت اسماعیلیه عینا مراتب سه گانه در سازمان بنایان آزاد و مشتمل است براساتید، بنایان و شاگردان این حرفه وجوانان مبتدی» (اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۱، ص ۲۴۱)

یوسف فضایی می گوید: «سازمان اداری و تشکیلاتی مذهبی آیین بهاء، ماندگی سختی به سازمان و تشکیلات دین مسیح، و درجات روحانی آن نیز شباهت بسیار نزدیکی به درجات روحانی مذهب اسماعیلیه دارد. همچنان که پاپ در رأس قرار دارد و درجات کشیشان پایین تر از پاپ و تشکیلات و کلیساهای شهرستان به ترتیب اهمیت از بالا به پایین قرار دارند، تشکیلات داعیان و مبلغان و محافل آیین بهاء نیز دارای چنان نظامی می باشند. درجات داعیان و وظایف هر کدام آنها در بهائیت نیز ماندگی به درجات پایین تر از درجات بالاتر از خود، فرمان برند... آرزوی بهائیان این است که روزی برسد که بیت العدل اعظم آنها بر همه ی ملل و دول حکومت کند و ضامن اجرای زندگی مسالمت آمیز باشد و وحدت فرهنگ، سیاست، مذهب و زبان را جامه ی عمل پوشاند...» (یوسف فضایی، تحقیق در تاریخ و فلسفه ی بابی گری، بهائی گری و کسروی گرایی، صص ۲۷۳-۲۷۶)

با مقایسه ی این دو مطلب پی می بریم که تشکیلات بهائیت به عنوان یک تشکیلات سیاسی همانند تشکیلات فراماسونری می باشد و اسلوب و روشی های اداره ی آن مثل جمعیت های صهیونی می باشد که اسرار آن حتی برای پیروانشان مخفی است. (رک: عبدالقادر السباعی، کشف البلیه، فی فصح البهائیه، ص ۵۶)

در حقیقت سازمان جهانی بهائیت همچون سازمان جهانی فراماسونری بر پایه ی تعالیم و سنت ها و سمبل های قوم یهود پایه گذاری شده و در سازماندهی و تشکیلات محلی، کشوری، منطقه ای و جهانی از تشکیلات ماسونی تبعیت کرده است. (علی عسکری یزدی، بهائیت چگونگی پیدایش و فعالیت های آنان در کشورهای اسلامی، عنوان فراماسونری و بهائیت، برگرفته از نرم افزار به سوی حقیقت)



-آرم

علامت ستاره که از سمبل های یهود و فراماسون ها می باشد، (رک: گروه تحقیقات علمی، مبانی فراماسونری، صص ۱۳۹ و ۱۴۰) در نزد بهائیان و بابیان مقدس است. بهائیان، ستاره ی داوود را اسم اعظم می دانند (کریم حق پرست، بهائیت، پیوند با بیگانه، خصومت با ملت، ص ۲۱) و برای تبرک به گردن و بازو می بندند. (بهرام افراسیابی، تایخ جامع بهائیت، ص ۷۲۴)

همچنین علامت خاص بهائیان یک ستاره ی نه پر می باشد که از ترکیب سه مثلث تشکیل یافته، و شباهت عجیبی به ستاره ی نه پر (Ars Brevis) موجود در نقاشی های یک سبک کابالیستی به نام لولیسیم (Lullism) یکی از سبک های نقاشی دوران رنسانس که تحت فوذ تعلیمات کابالا بوده و توسط هنری لولیستی (Lullia Art) به وجود آمده که تعالیمش را به صورت طلسم و اشکال هندسی ارائه کرده است). دارد. همچنین علامت مخصوص درجه ی ۳۳ در فراماسونری (که بالاترین درجه ی لژ می باشد) حاوی نماد ستاره ی نه پر است. (رک: ستاره ی نه پر بهائیت و کابالا، پایگاه خبری وعده صادق، دی ۱۳۸۹، [www.alvadossadegh.com](http://www.alvadossadegh.com))

-ترک هر نوع تعصب

یکی از اصول دوازده گانه ی بهائیت، ترک انواع تعصبات می باشد که منظور از آن ترک تعصبات اعم از نژادی، مذهبی، ملی، سیاسی و... است. (علی نصری، نقد اصول دوازده گانه بهائیت، ص ۶۳)

عباس افندی کرارا در سخنرانی هایش در سفر آمریکا، اعلام می کند که هر نوع تعصب دینی، سیاسی و حتی «تعصب وطنی» هادم بنیان انسانی است. (علی نصری، نقد اصول دوازده گانه بهائیت، ص ۶۳) و با وجود آن ممکن نیست عالم انسانی ترقی نماید ولذا باید این تعصبات را ترک نمود. (مازیار مؤمنی، آموزه های «استعمار پسند» بهائیت و استقبال مراکز و کانون های استکباری» از آن، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۵۰، سال ۱۳، ۱۳۸۸، ص ۱۶۶)

این رهبر بهائی، در وصف (به اصطلاح) کمالات پیروان بهاء می گوید: آنها «تعصباتی ندارند، تعصب مذهبی ندارند، تعصب جنسی ندارند، تعصب وطنی ندارند، تعصب سیاسی ندارند، تعصب لسانی ندارند، از جمیع این تعصبات آزادند. روی زمین را یک وطن می دانند و جمیع بشر را یک ملت می دانند... لهذا آنان با جمیع بشر مهربان اند...» (پیشین، ص ۱۶۷ به نقل از خطابات عبدالبهاء، ج ۲، صص ۲۲۴، ۲۱۸، ۱۹۵، ۲۲۷-۲۵۳، ۲۲۹)

عبدالبهاء در جای دیگر در پاسخ به یکی از افراد می گوید: «ملکوت، مخصوص جمعیت خاصی نیست. ممکن است که تو یک بهائی مسیحی باشی یا بهائی ماسونی یا بهائی یهودی یا بهائی مسلمان» (رک: احمد ولید سراج الدین، البهائیه والنظام العالمی الجديد، ج ۱، ص ۱۶۸، ضاری محمد الحیانی، البهائیه حقیقتها واهدافها، تقدیم و مراجعه رشدی محمد

علیان، بغداد، طبع الدار العربیه، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۲۰، به نقل از خطابات عبدالبهاء، ص ۹۹) و با این پاسخ بر ترک تعصب دینی تأکید می کند.

ماسون ها نیز به نوعی تسامح و تساهل نسبت به ادیان داشته و فقط اعتقاد به خداوند در نظر آنها مهم است و پایبند هیچ مذهب خاصی نمی باشند. (رک: حمید رضا شاه آبادی، تاریخ آغازین فراماسونری در ایران، ج ۱، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۸، صص ۵۹-۶۱، گروه تحقیقات علمی، مبانی فراماسونری، صص ۱۷۹ و ۲۶۶؛ محمد خاتمی، فراماسونری، صص ۴۷ و ۴۸؛ شهریار زرشناس، واژه نامه فرهنگی سیاسی، ص ۱۹۱) همچنین بنابر عقیده ی آنها اشخاص در سیاست آزاد هستند (گروه تحقیقات علمی، پیشین، ص ۲۲۹) و برای پذیرش اعضا در لژهای ماسونی، اعتقاد آنها به سیاست آزاد را مورد توجه قرار می دهد و قید می کنند که تعصب جاهلانه ندارند. (حمید رضا شاه آبادی، پیشین، ص ۶۹)

نه تنها در مورد مذهب و سیاست، بلکه در تمام امور تساهل و تسامح در فراماسونری وجود دارد و طبق این تفکر، انسان باید در اعتقاداتش آسان گیر و اهل مسامحه باشد و از تعصب دوری گزیند. (محمد حسن طباطبایی، نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی ایران، صص ۴۸ و ۴۹)

#### -وحدت ادیان

یکی دیگر از اصول بهائیت، وحدت ادیان است، اما این شعار طبق قراین و گفتارهای بهائیان معنی اش جمع شدن ادیان و وحدت بین آنها نیست، بلکه هدف آنها کنار گذاشتن و محو همه ی ادیان و اقامه ی یک دین جدید، (جایگزین ادیان سابق) می باشد که آن دین واحد هم «بهائیت» است. (رک: احمد ولید سراج الدین، البهائیه والنظام العالمی الجدید، ج ۱، ص ۴۰)

عبدالبهاء می گوید: «همه ی ادیان اساسش آسمانی است حتی مجوسی! و به همین دلیل مسلمانان به مسیح و موسی اعتراف می کنند و نصاری هم به موسی اقرار می کنند.

پس اتحاد و اتفاق بین آنها امری آسان است، و می توان با حفظ دین اصلی به بهائیت روی آورد.» (ضاری محمد الحیانی، البهائیه حقیقتها واهدافها، ص ۱۲۰، به نقل از عنایت، العقائد، صص ۱۵۸ و ۱۵۹)

ماسون های یهودی نیز شعار وحدت ادیان سر می دهند (رک: احمد ولید سراج الدین، پیشین، ص ۱۶۵ به نقل از عمر حماده، الماسونیه و الماسونیون فی الوطن العربی، صص ۲۲ و ۷۶) و آنچه برای آنها مهم است، همان «ایمان به وجود خداوند و مهندس اعظم جهان» است نه شکل و نوع دین یا مکتب (حمید رضا شاه آبادی، تاریخ آغازین فراماسونری در ایران، ج ۱، ص ۵۹)

#### -وحدت زبان

یکی از اصول بهائیت، انتخاب خط و زبان بین المللی است. (علی نصری، نقد اصول دوازده گانه بهائیت، ص ۴۳؛ ضاری محمد الحیانی، پیشین، ص ۱۲۱؛ عبدالله شهبازی، نظریه توطئه، صعود سلطنت پهلوی و تاریخ نگاری جدید در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۷۷، ص ۷۴)

عبدالبهاء می گوید: «تنوع زبان ها از مهم ترین اسباب اختلاف در بین ملت های اروپاست و با اینکه همگی به ملت واحدی نسبت داده می شود ولی اختلاف زبان ها از بزرگ ترین موانع اتحاد بین آنهاست... و اگر یک زبان واحد داشته باشند، متحد می گردند.» (ضاری محمد الحیانی، پیشین، ص ۱۲۱، عبدالقادر السباعی، کشف البلیه فی فضح البهائیه، ص ۶۰ به نقل از خطابات عبدالبهاء عن بهاء الله والعصر الجدید، ص ۱۶۴)

و این زبان عمومی در نظر بهائیان زبان «انگلیسی» می باشد.

ماسون ها هم قائل به یک زبان عمومی در بین زبان های مختلف هستند (رک: احمد ولید سراج الدین، پیشین، ج ۱، ص ۱۲۸ به نقل از دائره المعارف الماسونیه، ج ۱، ص ۸۰) و نکته ی جالب اینجاست که «انگلیسی» زبان رسمی ماسون هاست. (رک: عبدالقادر السباعی، پیشین، ص ۶۱)

#### -عدم مداخله در امور سیاسی

یکی دیگر از اصول مورد قبول بهائیت «عدم دخالت در سیاست» و «اطاعت از حکومت» می باشد که در کتب بهائیان، بسیار زیاد به آن اشاره شده است. (رک: مازیار مؤمنی، آموزه های «استعمار پسند» بهائیت و استقبال «مراکز و کانون های استکباری» از آن. صص ۲۰۶-۲۱۲)

میرزا حسینعلی بهاء در کتاب «اقدس» می نویسد: «کسی حق اعتراض بر کسانی که بر مردم حکومت می کنند ندارد. آنان را با آنچه نزدشان است، رها کنید و به قلب ها توجه کنید.» (مازیار مؤمنی، آموزه های «استعمار پسند» بهائیت و استقبال «مراکز و کانون های استکباری» از آن. ص ۲۰۹، علیرضا روز بهانی بروجردی، در جستجوی حقیقت، ص ۱۶۲، حسن مصطفوی، محاکمه و بررسی در تاریخ، عقاید و احکام باب و بهاء، ج ۱، ص ۲۱۵ به نقل از اقدس، بند ۹۵)

«میزان بهائی بودن و نبودن این است که هر کس در امور سیاسی مداخله کند و خارج از وظیفه ی خویش حرفی زند و یا حرکتی نماید، همین برهان کافی است که بهائی نیست و دلیل دیگر نمی خواهد.» (علیرضا روز بهانی بروجردی، پیشین، ص ۱۶۳ به نقل از مجله اخبار امری، ارگان رسمی بهائیان ایران، ش ۵، دی ۱۳۲۵)

عبدالبهاء می گوید: «امر روحانی را مناسبتی با امور سیاسی نه و یاران باید در هر مملکتی که ساکن اند مطیع قوانین آن مملکت باشند و به قدر شقّ شقه ای دخالت در امور سیاسی نمایند.» (محمد محمدی اشتهاردی، بابتی گری و بهائی گری، ص ۱۱۳، به نقل از کواکب الدریه، ص ۹۲)

فراماسون ها در صحنه ی اجتماع، به شدت برسکولاریسم تأکید دارند و هر نوع دخالت دین در سیاست را مردود می شمارند. (حمید رضا شاه آبادی، تاریخ آغازین فراماسونری در ایران، ص ۶۱) آنها حتی خود را از هر نوع جهت گیری سیاسی و یا فعالیت در این زمینه یکسره مبرا می دانند و مرام فراماسونری را مرامی کاملاً غیر سیاسی اعلام می کنند. پیشین، ص ۶۶، گروه تحقیقات علمی، مبانی فراماسونری، ص ۲۲۹)

در ماده ی چهارم قانون فراماسونری آمده: «طریقه ی فراماسونری ایدئالی، همه ی قانون ها و آیین ها و مقامات حاکمه ی موجوده را محترم می شمارد و از آلوده شدن به کشاکش های سیاسی و حزبی اجتناب می ورزد و همیشه به نفع کشورهای که در آن اقامت دارد، می کوشد.» (رک: حمید رضا شاه آبادی، پیشین، صص ۶۶-۷۱)

علی رغم این ادعا، بررسی مختصر در تاریخ این دو فرقه نشان می دهد هر دو گروه اهداف و عملکردهای کاملاً سیاسی دارند و هر دو فعالیت هایشان در جهت حمایت از استعمار و صهیونیسم می باشد.

### ج) ارتباط رهبران بهائیت و ماسون ها

تعدادی از بابیان با فراماسونرهای هم عصر خود در ارتباط بوده و یا حتی در لژهای ماسونی و انجمن های مخفی شبه ماسونی حضور داشته اند که این مطلب حکایت از هم نوایی این دو جریان دارد. (رک: علی رجبی، «بهائیان در انجمن های ماسونی و شبه ماسونی، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۵۰، سال ۱۳، تابستان ۱۳۸۸، صص ۲۲۸-۲۳۰)

در سال ۱۲۷۰ ق «مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا» (Mankji Limji Hushang Hatria) -نیروی اطلاعاتی انگلیس در ایران و چهره ی شاخص فراماسونری- به ایران آمد. از جمله فعالیت های او در ایران تقویت فرقه های ضاله مانند بابیت و ارتباط با فراماسون ها و سازمان های فراماسونری در ایران بود. (برای اطلاعات بیشتر رک: موسی فقه حقانی، بهائیت و سرویس اطلاعاتی انگلستان) مناسبات مانکجی هاتریا با بهائیان) بهائیت آن گونه که هست جمعی از نویسندگان، تهران، مؤسسه جام جم، ۱۳۸۷، صص ۱۲۶-۱۳۷) او در سفر به عراق با بابیان و بهائیان ارتباط برقرار کرد و با میرزا حسینعلی بهاء مکاتبه داشت. (بهائیت آن گونه که هست، جمعی از نویسندگان، تهران، مؤسسه جام جم، ۱۳۸۷، صص ۱۳۲ و ۱۳۳ به نقل از آرشیو سازمان اسناد ملی ایران)

وی برای تبلیغ بهائیت تلاش فراوانی انجام می داد و با بهائیان ارتباط ویژه داشت. مانکجی به واسطه ی میرزا ابوالفضل گلپایگانی - نویسنده و مبلغ مشهور بهائی- با بهاء ارتباط داشت و لوحی در حدود پنجاه صفحه برای او نوشته شد. بهائیت آن گونه که هست، جمعی از نویسندگان، تهران، مؤسسه جام جم، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳)

منابع بهائی با افتخار از دوستی و روابط وی با حسینعلی یاد می کنند. «مانکجی صاحب، در هنگام اقامت حضرت بهاء الله در بغداد، به دیدار ایشان فائز شد و پس از چندین سال نامه ای به عکا برای ایشان نگاشت و در آن، خواستار پاسخ به پرسش هایی چند گردید. از این حضرت بهاء الله در پاسخ، لوحی نازل و به سوی فرستادند...» (رضا قریبی

وهوشنگ عالی نسب، پیوند دیرین و دیرپای حسینعلی بهاء با استعمار تزاری، ص ۳۷۸ به نقل از علاء الدین قدس جورابچی، بهاء الله موعود کتاب های آسمانی، صص ۲۳۹ و ۲۴۰، به نقل از مجموعه بزرگ الواح، لوح مانکجی)

ارتباط بهاء با مانکجی که یکی از مهم ترین پل های ارتباطی بین بهائیان با فراماسون ها و دولت بریتانیا بود، بسیار مهم است. جایگاه سیاسی اطلاعاتی مانکجی در تحولات ایران، عضویتش در لژهای ماسونی هندوستان، راه اندازی فراموشخانه توسط وی در ایران، همچنین نقش وی در تدوین تاریخ باب و بهاء واشتغال بهائیان در تجارتخانه ی او، ارتباط عمیق سران بهائیت را با مانکجی ثابت می کند. (رک: علی رجبی، بهائیان در انجمن های ماسونی و شبه ماسونی، صص ۲۲۹، و ۲۳۰، رضا قریبی وهوشنگ عالی نسب، پیشین، صص ۳۷۷-۳۷۹)

ملکم خان، مؤسس فراموشخانه در ایران، با حسینعلی بهاء ارتباطاتی داشت. برطبق گزارش رکن الدوله به امین السلطان در ۱۳۰۸ ق ملکم در عکا با بهاء دیدار و مذاکره داشته است. (ابراهیم صفایی، پنجاه نامه تاریخی، تهران، سخن، بی تا، ص ۱۲) (سند ش ۳۴) عباس افندی نیز بعدها طی نوشته ای تلویحا از زحمات ملکم تقدیر و از اینکه دوستانش حق او را پاس نداشتند، اظهار تأسف می کند. (علی رجبی، پیشین، ص ۲۲۹ به نقل از مائده های آسمانی، عبدالحمید اشراق خاوری، ۹/۱۴۴)

بهاء الله در عکا تحت حمایت افرادی ماسونی - صهیونی قرار می گیرد و آنها علاوه بر حمایت مالی از او، وسایل خروجش از زندان و آمادگی برای دعوت به دین جدید را برایش مهیا می کنند. (رک: طلعت زهران السکندری، البهائیه، بی جا، بی ناصص ۱۱۰ و ۱۱۱ برگرفته از نرم افزار بها بی بها)

زمانی که «کیخسرو خان» و «مانکجی لیهجی هاتریا» انجمن ناصری را تشکیل دادند، تنی چند از پارسیان بهائی شده را به عضویت آن در آوردند. از آن میان پروفیسور جوانمرد، منشی انجمن شده و نظامنامه ی انجمن را تنظیم و «به محضر حضرت عبدالبهاء در حیف فرستاد و بیانات مسرت بخش در جوابش رسید.» (حسین آبادیان، بحران مشروطیت در ایران، تهران، مؤسسه مطالعاتی و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۲؛ ثریا شهبواری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره ی محمد رضا شاه، ص ۴۸، به نقل از فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۸، ق ۲، صص ۹۳۴ و ۹۳۵)

عباس افندی در سال های ۱۹۱۰-۱۹۱۳ م به اروپا و آمریکا سفر کرد. وی در این سفر تعلیمی را به عنوان تعلیم اصلی بهائیت مطرح و معرفی کرد. (علیرضا روزبهائی بروجردی، در جستجوی حقیقت، ص ۱۲۴ به نقل از مؤژان مؤمن، جامعه بهائی عشق آباد، ص ۱۸۵۹) در حقیقت وی تعلیم باب و بهاء را با آنچه در قرن نوزدهم در غرب خصوصا تحت عناوین روشنگری، مدرنیسم و اومانیزم متداول بود، آشتی داد. (محمد صدری، دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ص ۷۴۱)

عبدالحسین آیتی - مستبصر بهائی - می نویسد: «عبدالبهاء، در فرانسه شخصی مانند «مسیو دیرفوس» یهودی و زنش، مسس بارنی» دارد و قسمت عمده از مبادی صلح طلبی و زبان عمومی و امثال او داخل در شریعت بهاء کرده، یعنی در مشورت و القائنات شریک و دخیل و بالاخره مَشْرَع این قسمت از شریعت بهائی بوده اند.» (عبدالحسین آیتی، کشف

الحیل، ج ۲، ص ۱۲۵) این تعالیم دوازده گانه مشترکات فراوانی با اصول فراماسونری دارد. (در قسمت قبل به برخی از آنها اشاره شد.)

در این سفر شاهد گشوده شدن مراکز و محافل ماسونی و شبه ماسونی (نظیر انجمن های تئوسوفی) (Theosophie از محافل عالی ماسونی غرب) آمریکا و اروپا به روی عبدالبهاء و سخنرانی های متعدد وی در آن محافل هستیم. نشریه ی اخبار امری (ارگان رسمی محفل بهائیان ایران) رسماً می نویسد که عباس افندی در گشت و گذار هشت ماهه ی خود در شهرهای مختلف آمریکای شمالی «در هر شهر در کلیساهای پروتستان، معابد یهود و معاهد ماسونیک) (Maconnoque) و غیره به موعظه پرداخت.» (مازیار مؤمنی، آموزه های «استعمار پسند» بهائیت و استقبال «مراکز و کانون های استکباری» از آن، ص ۱۶۳، به نقل از اخبار امری، ش ۱۰۹، آذر و دی ۱۳۳۹، ص ۶۳۳)

در این سفر تبلیغات وسیعی درباره ی عباس افندی، به عنوان یکی از رهبران تئوسوفیسم، صورت گرفت، در حدی که ملکه رومانی و دخترش ژولیا وی را به عنوان «رهبر تئوسوفیسم» می شناختند و به این عنوان با او مکاتبه داشتند. عبدالله شهبازی، نظریه توطئه، ص ۷۰، به نقل از نورالدین چهاردهی، بهائیت چگونه پدید آمد، تهران، آفرینش، ۱۳۶۹، صص ۲۰۰ و ۲۰۱)

عبدالبهاء در آغاز این سفر، در ۲۱ رمضان ۱۳۲۹ (۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱) با رئیس انجمن تئوسوفی و فراماسون لندن دیدار کرد و گفت: «تحیت محترمانه ی مرا به جمعیت تیاسفی برسان و بگو شما فی الحقیقه خدمت به وحدت عالم انسانی نموده اید، زیرا تعصب جاهلانه ندارید، آرزوی وحدت بشر دارید.» (پیشین، ص ۷۱ به نقل از خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء در اروپا و آمریکا، چاپ جدید، بی جا، بی تا، صص ۱۴۳-۱۴۸)

عباس افندی، سپس در ۱۵ ذی الحجه ۱۳۲۹ (۸ دسامبر ۱۹۱۱) در انجمن تئوسوفی پاریس حاضر شد و خطابه ای ایراد کرد. (عبدالله شهبازی، نظریه توطئه، ص ۷۱، به نقل از خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء در اروپا و آمریکا، صص ۱۲۶-۱۲۸؛ ثریا شهبازی، اسناد فعالیت بهائیان در دوره ی محمد رضا شاه، ص ۵۰)

او همچنین در مجامع متعدد ماسونی آمریکا حضور یافت و سخنانی باب طبع ماسون ها و نیز پارسیان بیان داشت. او در ۲۹ مه ۱۹۱۲ (۱۲ جمادی الثانی ۱۳۳۰) در انجمن تئوسوفی نیویورک سخنرانی کرد و مقاصد بهائیان و تئوسوفیست ها را یکی دانست. (مازیار مؤمنی، آموزه های «استعمار پسند» بهائیت و استقبال «مراکز و کانونهای استکباری» از آن، ص ۱۶۵، عبدالله شهبازی، پیشین، ص ۷۳ به نقل از خطابات عبدالبهاء، ص ۹۸)

در ۲۴ ژوئیه ی ۱۹۱۲ (۱۰ شعبان ۱۳۳۰) در انجمن تئوسوفی پوستن نیز سخنرانی کرد. (عبدالله شهبازی، پیشین، ص ۷۳ به نقل از خطابات عبدالبهاء، صص ۱۸۵-۲۲۳)

عباس افندی، در مسیر بازگشت در چهارم دسامبر ۱۹۱۲ (۲۵ ذیحجه ۱۳۳۰) مجدداً در انجمن تئوسوفی نیویورک سخن گفت. (پیشین، ص ۷۴ به نقل از خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء در سفر آمریکا، ج ۲، صص ۳۳۳-۳۴۲) و در نهم ژانویه

ی ۱۹۱۳ در شهر لندن در جلسه ی انجمن تئوسوفی اسکاتلند حضور یافت و سخنرانی کرد. او همچنین در چهاردهم فوریه ی ۱۹۱۳ در انجمن تئوسوفی پاریس درباره ی « وحدت عالم انسانی » سخن گفت. ( پیشین، به نقل از خطابات مبارکه عبدالبهاء در اروپا و آمریکا، صص ۱۳۵-۱۴۲)

نکته ی تأمل برانگیز آن است که پیشوای بهائیت در این محافل و معاهد، نه تنها مورد مخالفت قرار نمی گیرد، بلکه از وی استقبال هم می شود و حتی از او می خواهند که در غیاب خود، برای آنها سخنران بهائی بفرستند و او نیز چنین می کند. (مازیار مؤمنی، پیشین، ص ۱۶۳)

تا آنجا که می دانیم، ورود به محافل ماسونی، آن هم برای سخنرانی و تبلیغ مرام خویش، برای غیر ماسون ها ممنوع است. وحتى پادشاهان و رؤسای جمهور نوعا زمانی به درون لژها پا می گذارند که قرار است تشریفات عضویت آنها در فراماسونری انجام گیرد، چرا که برای گردانندگان لژها، افکار و دیدگاه های کسانی که گام به این لژها می گذارند بسیار مهم است.

حال با توجه به « ممنوعیت » یا دست کم « محدودیت شدیدی » که برای ورود « اغیار » به محافل مخفی ماسونی ( ( آن هم سخنرانی و تبلیغ در آن) وجود دارد، جای این سؤال وجود دارد که چگونه به عباس افندی اجازه ی حضور و سخنرانی در لژهای مختلف داده شده است؟!

در اینجا چند گزینه ی قابل تأمل وجود دارد:

گزینه اول: پیشوای بهائیان در آمریکا، قبل از آن به عضویت لژ ماسونی درآمده و از این طریق جواز ورود و سخنرانی در محفل به او داده شده است. مؤید این مطلب، علاوه بر رسم رایج ماسون ها مبنی بر ممنوعیت حضور و سخنرانی افراد غیر ماسون در این محافل، گرفتن نشان و لقب « سر » از دربار لندن و عضویت برخی از بهائیان برجسته مثل « نبیل الدوله » در فراماسونری می باشد.

گزینه ی دوم: چنان که حضور و سخنرانی عباس افندی در لژ را قرینه ای بر عضویت وی و مبلغان فرقه در محافل مزبور نشماریم، دست کم باید بپذیریم که گردانندگان محفل ماسونی، نکات و نقاط اساسی مشترک، میان اصول مورد قبول خود با آموزه ها و اظهارات رهبر بهائیان می دیده اند که آن گونه حاضر بودند درهای لژ را به روی عباس افندی و مبلغان وی بگشایند.

خود عباس افندی نیز در نطق های خود بر وحدت هدف و آرزو بین خود و مجامع ماسونی تأکید می کند. چه بسا اگر وی در سخنرانی های خویش رفتار غیر انسانی دول استعمار گر و غربی را بر ضد ملت های ضعیف مورد انتقاد قرار می داد و آنها را از خشم و غضب الهی بیم می داد، آیا باز هم کلیساها و کنیسه ها و مجامع ماسونیک، حاضر بودند برای موعظه ای او و مبلغانش هورا بکشند و او فرش قرمز بگسترانند!

حقیقت آن است که بین آموزه ها و اظهارات بهائیت و اصول فراماسونری، مشترکات فراوانی وجود دارد که مورد پسند آن محافل غربی قرار گرفته است. (رک: مازیار مؤمنی، آموزه های «استعمار پسند» بهائیت و استقبال «مراکز وکانون های استکباری» از آن، صص ۱۶۳-۱۶۶)

همچنین میرزا «محمد رضا شیرازی» معروف به پروفیسور شیرازی - عضو انجمن تئوسوفی هندوستان - در ۱۹۱۴ م با عباس افندی در فلسطین ملاقات کرد و شرح ملاقات و گفتگوهایش را در بازگشت برای اعضای انجمن تشریح کرد. علی رجبی، بهائیان در انجمن های ماسونی و شبه ماسونی، ص ۲۳۱ به نقل از آهنگ بدیع، ش ۸ و ۷، سال ۲۱: ص ۲۰۸)

روحیه ماکسول (بیوه ی شوقی افندی) نیز در سفر به برزیل (کشوری در آمریکای جنوبی و در کنار اقیانوس اطلس می باشد که با تمام کشورهای مرکزی به غر از شیلی مرز مشترک دارد. رک: محمود محبوب و فرامرز یآوری، کتابشناسی کشورها، ص ۳۴) از سوی جمعیت های وابسته به فراماسونری لاینز، روتاری و تسلیح اخلاقی مورد استقبال واقع شد. علی رجبی، پیشین، ص ۲۳۱ به نقل از اخبار امری، ارگان محفل بهائیان ایران، سال ۱۳۴۷، ش ۳، صص ۱۸۶ و ۱۸۷) و با اعضای روتاری و لاینز ملاقات نمود. (پیشین جا به نقل از اخبار امری، سال ۱۳۴۷، ش ۷ و ۶، ص ۴۴۷)

مجله ی روتاری اسرائیل به مناسبت صدمین سال تاسیس خود، پشت جلد مجله، عکس حسینعلی نوری را چاپ کرد و قسمتی از آثار او را نیز در مجله درج نمود. (پیشین جا، به نقل از اخبار امری، ش ۱، ص ۱۳۵۱)

#### د) مراودات بهائیان و فراماسونرها

علاوه بر ارتباطات خاص رهبران بهائیت با فراماسون ها و محافل ماسونی، عملکرد بهائیان و ارتباط با محافل فراماسونی، مؤید دیگری بر اشتراک و قرابت این دو فرقه می باشد که در اینجا به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم:

ابوالفضل گلپایگانی - از یاران عباس افندی و از نویسندگان بهائی - در سفر به آمریکا در مجامع فراماسونری حاضر شد و به ایراد سخنرانی پرداخت. (پیشین، صص ۲۳۰ و ۲۳۱ به نقل از آهنگ بدیع، ارگان جوانان بهائی ایران، ش ۱۶ و ۱۵، سال سوم، ص ۱۶)

ماستر خدابخش از مهم ترین اعضای انجمن ناصری و از مهم ترین افراد تأثیر گذار در جامعه ی زرتشتی ایران، «مستشار در آیین بهی بود و با اهل بهاء همراهی داشت.» ( حسین آبادیان، بحران مشروطیت در ایران، ص ۲۱۲، ثریا شهبواری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره ی محمد رضا شاه، ص ۴۸ به نقل از فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۸، ص ۹۳۵)

علی اکبر فروتن - از سران شاخص و فعال بهائیت - به عنوان نماینده ی بیت العدل در سفر به هنگ کنگ (Hong Kong) کشوری در جنوب شرقی قاره آسیا در کنار دریای چین جنوبی و در جنوب چین واقع شده است. رک: محمود محبوب و فرامرز یآوری، کتابشناسی کشورها، ص ۳۷۷) در کلوب روتاری حاضر شد و سخنرانی کرد. (علی رجبی، بهائیان در انجمن های ماسونی و شبه ماسونی، ص ۲۳۱، به نقل از اخبار امری، ش ۲، ص ۱۳۵۶، ص ۷۷)



اولینگا (Enoch Olinga) از دیگر سران بهائیت در سفر به جامائیکا (کشوری در آمریکای مرکزی و در شمال دریای کارائیب، رک: محمود محبوب و فرامرز یآوری، پیشین، ص ۱۲۴) در باشگاه لاینز سخن گفت. (علی رجبی، پیشین، به نقل از اخبار امری، ش ۱۲، ۱۳۴۹، صص ۳۳۲ و ۳۳۳)

بهائیان می کوشیدند اعضای فراماسونری و تئوسوفی را به بهائیت جذب کنند. از جمله «هارلان اوبر» (Harlan Ober) موفق شد دکتر «هرمان گروسمن» (Hermann Grossman) عضو مجمع تئوسوفی را به عضویت بهائیت درآورد. پیشین جا به نقل از آهنگ بدیع، ش ۱، سال ۱۸، ۱۳۴۲، ص ۲۷)

بهائیان شهر ساورک برزیل نیز آثار بهائی را در کلوب های روتاری و لاینز (Lions) پخش می کردند. (پیشین جا به نقل از اخبار امری، ش ۷ و ۶، ۱۳۴۷، ص ۴۵۷)

در سفر جمعی از بهائیان به آفریقا، آنان در کلوب روتاری شهر آروشا (Arusha) حضور یافته و با اعضاء (درباره ی بهائیت) صحبت کردند. (پیشین جا به نقل از اخبار امری، سال ۱۳۵۳، ش ۶، صص ۱۷۶ و ۱۷۷) «در سال ۱۳۳۲ ش بهائیان جشن صد سالگی فرقه ی خود را در اقدامی معنادار در سالن بزرگ لژ فراماسونری آمریکا به نام «معبد مدینه» (Medibna Temple) برگزار کردند.» (پیشین جا به نقل از آهنگ بدیع، ش ۷ و ۶، سال ۸ (۱۳۳۲)، ص ۱۱۴)

کلوب روتاری لنچوپارک لس آنجلس مراسم بزرگداشتی برای لیلی کسری -، شاعر و روزنامه نگار بهائی - در محل مجموعه ی «المپیک کلگشن» (Olympic Collection) لس آنجلس برگزار نمود. (احمد اللهیاری، نیمه پنهان ۳۱ (بهائیان در عصر پهلوی ها)، تهران، کیهان، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷)

ه) بهائی فراماسونری

در طول تاریخ بهائیت، علاوه بر مراودات و روابط صمیمانه ی بهائیان و فراماسونها، برخی از بهائیان به عضویت محافل ماسونی درآمدند یا حتی به تأسیس این محافل پرداخته و تا مقامات بالای فراماسونری ترقی نموده و بیش از پیش به صهیونیسم جهانی خدمت کرده اند.

در اوایل قرن بیستم بهائیان به مصر گام نهادند و به ترویج عقاید خود پرداختند. بهائیان اکنون نیز در مصر فعال هستند و حتی خواستار رسمی شدنشان هستند، اما علما و دانشمندان مصری بهائیت را گمراه و فرقه ای صهیونیستی می دانند. به عنوان مثال «مجمع پژوهش های اسلامی وابسته به دانشگاه الازهر مصر» با صدور بیانیه ای ضمن اعلام صهیونیستی بودن جنبش بهائیت، گفت: «بهائیت فقط به پیشرفت و قدرت گرفتن صهیونیسم جهانی کمک می کند و برای نشر و گسترش فساد و فحشا در نقاط مختلف جهان و به ویژه در جوامع اسلامی و عربی تلاش می کند، رک: الازهر: بهائیت یک جنبش صهیونیستی است. (۱۳۸۸/۳/۱۰) سایت حوزه، فروردین ۱۳۹۰، [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

در دوران مشروطیت، بهائیان در انحراف جریان مشروطه نقش داشتند و برخی از بهائیان مانند اسدالله خان ابوالفتح زاده سرتیپ فوج قزاق، ابراهیم خان منشی زاده سرتیپ فوج قزاق و محمد نظر خان مشکات الممالک عضو انجمن های «بین الطلوعین» و «لژ بیداری ایران» بودند. (رک: عبدالله شهبازی، جستارهای از تاریخ بهائی گری در ایران، صص ۳۸-۴۰)

در میان سران بهائیت در ایران پهلوی نیز چهره های ماسونی زیادی دیده می شود: افرادی همچون علیقلی خان نبیل الدوله، (رک: سید رضا هاشمی، نبیل الدوله کاردار «بهائی - ماسون» سفارت ایران در آمریکا، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۵۰، سال ۱۳، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۱۵-۱۶۱؛ اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۳، صص ۴۵۹-۴۶۵) ذبیح قربان، (رک: دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، معماران تباھی، ج ۳، صص ۷۱-۸۵) امیر عباس هویدا، (رک: [عبدالله شهبازی] ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، صص ۳۹۲-۳۹۵ دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، امیر عباس هویدا) نیمه پنهان (۱۴) تهران، کیهان ۱۳۸۱، ص ۲۴۶) منوچهر تسلیمی، (رک: اسناد فراماسونری در ایران، ج ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی ۱۳۸۰، صص ۳۵۶-۳۶۴ و ۴۰۴ و ۴۰۵) هوشنگ سیحون، (رک: معماران تباھی، پیشین، ج ۴، صص ۷۳-۹۱) منوچهر فرهنگ مهر (رک: معماران تباھی، پیشین، ج ۱، ص ۴۵) پری اباصلتی، (رک: معماران تباھی، پیشین، ج ۱، صص ۱۱۳-۱۲۳) علی محمد خادمی (رک: معماران تباھی، پیشین، ج ۱، صص ۹۹-۱۱۵) و بسیاری دیگر، که از میان افراد فوق فقط به ذکر پرونده ی چند نفر، به طور اجمال، می پردازیم.

یکی از بهائی فراماسونرهای معروف ایران که دارای شهرت جهانی بوده و در سازمان فراماسونری آمریکا، مقام «ژنرال ماسونی» و «درجه ی ۳۳ فراماسونری» را داشت و همچنین عالی ترین نشان ماسونی را که فقط به رؤسای جمهور آمریکا اعطا می شود، دریافت کرده بود، علیقلی خان نبیل الدوله است. (اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۳، ص ۴۵۹)

وی از خاندان سپهر کاشی و در جوانی منشی و مترجم عباس افندی در حیفا بود.

سپس به دستور امر به عنوان دستیار و مترجم ابوالفضل گلپایگانی به آمریکا رفت. (برای اطلاع بیشتر رک: سید رضا هاشمی، نبیل الدوله کاردار «بهائی - ماسون» سفارت ایران در آمریکا، ص ۱۱۵) وی که از رؤسای فرقه ی بهائیان ایران و آمریکا بود، عکس او در کنار عبدالبهاء، نشان از ارادت فوق العاده او به پیشوای بهائیان می باشد. (اسماعیل رائین، پیشین، ص ۴۵۹)

وی در خانه ی خود محفل ماسونی کوچکی داشت و در محراب محفل ماسونی او سه جلد کتاب قرار داشت که عبارت بودند از: ۱- قانون اساسی فراماسونری ۲- الواح بهاء الله ۳- کتاب بیان. (اسماعیل رائین، پیشین، ص ۴۶۲)

دکتر «ذبیح الله قربان» یکی دیگر از بهائی فراماسونرهای معروف است. وی علاوه بر ریاست دانشگاه شیراز، پنجاه شغل و پست کلیدی نیز در اختیار داشت. او که هنگام تحصیل در بیروت به عضویت لژهای فراماسونری درآمده بود، (رک:

معماران تباهی، ج ۳، صص ۷۱ و ۷۳) از مؤسسين لژ حافظ شیراز بود. (اسماعیل رائین، پیشین، ج ۳، ص ۳۸۰؛ معماران تباهی، ج ۲، صص ۸۵ و ۸۶ و ۱۶۱ و ۱۷۱)

اکثر ماسون های استان فارس توسط او جذب و به تشکیلات ماسونی ملحق شده بودند. (معماران تباهی، ج ۳، ص ۷۶) وی در سال ۱۳۴۱ ش به ریاست باشگاه لاینز استان فارس رسید (حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۴۲۴) و از اعضای مؤسس کلوب روتاری شیراز، ششمین کلوب روتاری در ایران بود که به مدت ده سال نیز ریاست این کلوب را برعهده داشت. (معماران تباهی، ج ۳، صص ۷۶ و ۷۷) همچنین کلیه ی اعضای خانواده ی وی (پدر و فرزندان و برادر خانم) فراماسون و بهائی می باشند. (رک: معماران تباهی، ج ۳، صص ۷۱-۸۴)

وی که نمونه ی کاملی از استادان خود فروخته و بی هویت بود، به عنوان یک «بهائی» و عضو فعال فراماسونری و روتاری، نظرات عناصر بیگانه و محافل استعماری، خاصه صهیونیست ها را در حوزه ی تعلیم و تربیت جوانان ایرانی اجرا می کرد. معماران تباهی، ج ۳، صص ۷۷ و ۷۸) وابستگی ذبیح الله قربان به حدی است که نام او در لیست اعضای تمام انجمن ها و محافل وابسته به استعمار همچون باشگاه لاینز، (رک: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۴۲۴) جمعیت تسلیح اخلاقی، معماران تباهی، ج ۳، ص ۷۸) بنیاد کارنگی، انجمن دوستداران آمریکا، (معماران تباهی، ج ۳، ص ۷۸) لژ پاسارگاد، (رک: اسناد فراماسونری در ایران، ج ۲، ص ۲۶۹) پرسپولیس، (رک: اسناد فراماسونری در ایران، ج ۲، ص ۱۰۵؛ معماران تباهی، ج ۳، ص ۷۶) لژ گراند ناسیونال، (رک: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، پیشین، ص ۹۴) و نظایر آن دیده می شود.

وی در دوران اقتدار خود در دانشگاه شیراز، بیشترین توجه را به کلیمیان و بهائیان مبذول می داشت. براساس بررسی هایی که پس از انقلاب به عمل آمد، مشخص شد که بیش از چهار صد نفر بهائی و کلیمی به دستور او به استخدام دانشگاه شیراز درآمده بودند. (معماران تباهی، ج ۳، ص ۷۵)

از افتضاحات دیگر وی با همدستی کشیش انگلیسی، انتخاب آرم دانشگاه شیراز که تقلید کاملی از نقش سپر عیسویان در جنگ های صلیبی بود که مرحوم «محیط طباطبایی» از پژوهشگران توانای تاریخ و ادبیات) در مجله های تهران از آن پرده برداشت. (رک: اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۳، ص ۳۸۵)

تشکیلات روتاری نیز بیشتری توجه را به عناصر «لائیک» و «سکولار» و مخالفان اسلام، به خصوص بیروان فرقه ی ضاله ی بهائیت معطوف داشت. (دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، معماران تباهی، ج ۱، ص ۴۳) افرادی همچون سپهبد علی محمد خادمی - آجودان محمد رضا پهلوی و رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل هواپیمایی ملی ایران «هما» - که نام وی در تاریخ فعالیت های روتاری به عنوان ریاست مرکز مشاوره ی بین المللی روتاری در ایران (دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، معماران تباهی، ج ۱، ص ۳۳) و مؤسس شعبات کلوب روتاری در برخی شهرهای ایران وجود دارد. (دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، معماران تباهی، ج ۳، ص ۱۰۸)

وی با استفاده از موقعیت خود- مدیر عامل هواپیمایی ملی ایران - بخش اعظم نیازهای مالی و تدارکاتی شبکه های روتاری در ایران را تأمین کرده واز هیچ کوششی برای تبلیغ بهائیت کوتاهی نمی کرد و حتی خانه ی خود را در خدمت این تبلیغات گذاشته بود ( دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، معماران تباهی، ج ۳، ص ۱۰۸) و در دوران طولانی مسئولیت خویش همواره در صدد تأمین منافع اسرائیل بود. ( رک: پویا شکیب، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده ، صص ۶۲۲-۶۲۴)

«منوچهر تسلیمی»، بهائی فراماسون که در کابینه ی هویدا وزیر بازرگانی و اطلاعات بود. وی دبیر لژ مولوی، لژ ابوعلی سینا که در آن لژ به مقام سرپرست اول و قائم مقام استاد اعظم رسید، عضو لژ کمال سقراط و نیز عضو مؤسس لژ بزرگ ناحیه ی ایران بود. ( رک: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، پیشین، ج ۱، صص ۳۵۶ و ۳۶۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵؛ اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۳، صص ۳۹۷ و ۳۹۹ و ۶۴۹؛ همایون کشتگر ، ماه عسل رژیم پهلوی و بهائیان، صص ۴۶۰ - ۴۶۳)

«پری اباضلی» زن بهائی فراماسونر که با مدد بهائیان و حمایت یهودیان صهیونیست پله های ترقی را طی کرد. او سال ها دبیر مجله ی اطلاعات بانوان، عضو انجمن دوشیزگان و بانوان کلوب زونتا، (یکی از انجمن های جنبی کلوب روتاری) در خدمت بهائیان و صهیونیست ها و اجرای سیاست های بیگانگان قرار داشت و تا مرحله ی ریاست این کلوب ارتقاء پیدا کرد. (معماران تباهی، ج ۱، صص ۱۱۴ و ۱۱۵)

وی اکنون نیز عضو فعال کلوب روتاری «رنچوپارک» ( Rancho Park Rotary Clup) و سردبیر مجله ی «راه زندگی» وابسته به این کلوب می باشد. این مجله از حامیان بی چون و چرای صهیونیست هاست و یهودیان صهیونیست در تمام ارکان و سرویس ها و صفحات مجله ی وی حضور و نفوذ دارند. ( رک: معماران تباهی، ج ۱، صص ۱۱۵-۱۱۷)

در دوران نخست وزیری «هویدا»- بهائی فراماسونر - ایران به عرصه ی تاخت و تاز لژهای رنگارنگ فراماسونری تبدیل شد. ( حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۹۲) خود وی نیز عضو بسیاری از لژهای فراماسونری بود، از جمله لژ مولوی، تهران، لایت، فروغی، لژ بزرگ ایران و ... ( رک: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، صص ۳۹۲-۳۹۵؛ اسناد فراماسونری در ایران، ج ۲، ص ۴۶۸)

اگر بخواهیم اسامی بهائیان فراماسونر و جنایات و اعمالی را که با همکاری این دو گروه اتفاق افتاده نام ببریم، شاید بتوان گفت از حدّ یک کتاب و مقاله خارج است که نیاز به تحقیق و تعمق بیشتری دارد.

**بخش سوم:**

**هم پیمانی صهیونیسم با بهائیان**

## فصل اول:

### یهودیان؛ مروجان بهائیت

در غرب و ایران، در صدد قابل توجهی از بهائیان، یهودیانی هستند که به این فرقه گرویده اند و به طور کلی، زرسالاران یهودی نقش مؤثری در ترویج باییت و بهائیت داشته اند. شواهد، مستندات و گفته های برخی از مورخان و مستبصران بهائی به این مطلب اذعان دارند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم.

#### الف) کانون های یهودی و پیدایش بایگری

حضور پنج ساله ی علی محمد باب در تجارتخانه ی دایی اش در بوشهر و ارتباط با کمپانی های یهودی و انگلیسی مستقر در این بندر و کارگزاران آنها، مؤید پیوند اولیه ی وی با شبکه ای از خاندان ثروتمند و قدرتمند یهودی می باشد. اندکی پس از این اقامت، باب در سال ۱۲۶۰ ق (۱۸۴۴ م) دعوی خود را اعلام کرد و با حمایت کانون های متنفذ و مرموزی به سرعت شهرت یافت. (رک: عبدالله شهبازی، جستارهایی از تاریخ بهائی گری در ایران، ص ۱۳)

در آن دوران یهودیان مهاجر در شیراز - به عنوان مرکز ایالت فارس و نزدیک ترین موقعیت تجاری، مرکز اصلی تجارت یهودیان، ارامنه و پارسیان (زرتشتیان) بود.

نکته ی قابل تأمل اینکه خاندان مادری باب از ثروتمندان و تجار بزرگ شیراز بودند که غالباً تجارت تریاک داشته و با این شبکه های یهودی در ارتباط بودند. (رک: همو، خاندان باب و تجارت جهانی تریاک، دی ۱۳۸۹، [www.shahbazi.org](http://www.shahbazi.org))

دوران اقامت باب در بوشهر، مقارن با سال های اولیه ی فعالیت خاندان ساسون (Sassoon) (سران یهودیان بغداد) در بندرهای بوشهر و بمبئی می باشد. (همو، جستارهایی از تاریخ بهائی گری در ایران، ص ۱۳) این خاندان بنیان گذاران تجارت تریاک ایران بودند که با تأسیس بانک شاهی انگلیس در ایران نقش بسیار مهمی در تحولات تاریخ معاصر ایران ایفا نمودند. (رک: همو، نظریه توطئه، صص ۹۶-۱۰۰)

به هر روی علی محمد باب، کودکی و نوجوانی خود را در چنین محیط و شرایطی گذرانده است. او که اغلب با یهودیان در تماس بوده، (رک: ضاری محمد الحیانی، البهائیه حقیقتها و اهدافها، ص ۱۴۵، به نقل از الماسونیه و البهائیه، ص ۷۲) این ارتباطات در شخصیت او تأثیر بسزایی گذاشته است؛ به طوری که اغلب اوقات کتاب تورات می خوانده و حتی هنگامی که در زندان بوده، هرگز از مطالعه ی تورات دست برنداشت. (رک: الحسینی الحسینی معدی، النصیحه الایمانیه فی کشف فضائح البایه و البهائیه، القا هره - دمشق، دارالکتاب العربی، ۲۰۰۶ م، ص ۱۱۹، ضاری محمد الحیانی، پیشین، به نقل از الماسونیه و البهائیه، ص ۹۹)

«ویرولو» (Virulo) ایران شناس معروف اروپایی در این زمینه می نویسد: «ارتباط باب با اروپاییان در بندر بوشهر، او را به تفکر درباره ی مسائل مهمی واداشت. معاشرت با بیگانگان بر عقاید اولیه ی او رخنه بزرگی وارد ساخت. (جمعی از دانشوران ایران شناس اروپا، تاریخ تمدن ایران، ترجمه جواد محیی، گوتنبرگ، ۱۳۴۷، ص ۴۴۵)

### ب) گروهش یهودیان به بهائیت

یکی از عوامل گسترش بابیه و بهائیه، گروه وسیع یهودیان به بهائی گری است که موجب افزایش کمی و کیفی این فرقه و گسترش آن در ایران شد.

اسماعیل رائین می نویسد: «بیشتر بهائیان ایران، یهودیان و زرتشتیان هستند و مسلمانانی که به این فرقه گرویده اند، در اقلیت می باشند. اکنون سالهاست که کمتر شده مسلمانانی به آنها پیوسته باشد.» (اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، ص ۳۰۲) (پاورقی)

آیتی (مستبصر بهائی) می گوید: «این بشارتی است برای مسلمی که بساط بهائیت به طوری خالی از اهل علم و قلم شده که زمام خامه را به دست مثل حکیم رحیم و اسحاق یهودی وامثال او داده اند.» (عبدالحسین آیتی، کشف الحیل، ج ۲، ص ۱۴۴)

تغییر کیش از زرتشتی و یهودی به بهائی در دوران مظفری امری رایج بوده (حسین آبادیان، بحران مشروطیت در ایران، ص ۲۱۸) و این تغییر دین در تاریخ یهود آن هم در مدت کوتاه بی سابقه بوده است. چرا که آنها اصولا خود را برگزیده ی خدا می دانند و نه کس را به دین خود دعوت می کنند و نه دین دیگری را می پذیرند. (رک: الحسینی الحسینی معدی، پیشین، ص ۱۲۰ به نقل از محمد عبدالحمید، حقیقه البابیه و البهائیه، ص ۱۲۷)

این حقیقت از منظر امام خمینی (ره) این بزرگ مرد بصیر و آگاه پنهان نمانده و ایشان در سخنانی به یهودیان بهائی اشاره می کنند. «[دولت]... ما [را] زیر یک مشت کلیمی که خود را به صورت بهائی در آورده اند، پایمال نماید...» (سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۹۴، (بیانات مورخ ۱۳۴۱/۹/۲ در جمع بازاریان تهران)

و در سخنرانی نهم آذر ۱۳۴۱ در حضور جمعی از اهالی تهران می فرمایند:

«...حالا دست راز کرده اند به قرآن و نوامیس مسلمین... اینها می خواستند... مقدرات مسلمین را به دست غیر مسلمانان مانند یهودیان بهائی بسپارند. اگر استان های این کشور به دست غیر مسلمان بیفتد، چه بسا ممکن است از حلقوم خبیث آنان صدایی غیر از اسلام شنیده شود و آن روز است که خطرهای بزرگی متوجه می شود؛ نه تنها اسلام و قرآن حفظ نخواهد شد، بلکه تمام حیثیات شما خواهد رفت. اقتصادیات، بازار، ذخایر مملکت، همه و همه خواهد رفت. ای مؤمنین بیدار باشید... مردم را متوجه کنید تا به دولت بگویند [که] ما حاضر نیستیم استان های این کشور تحت

تصرف بهائی نماهای یهود در آید. آگاه باشید خطر، بزرگ و تکلیف، مهم است.» ( سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۰۴ ) ۱۳۴۱/۹/۹ در جمع اهالی تهران در لغو تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی)

میر لوحی نیز می نویسد: «اگر جهودی تصمیم بگیرد تا دین و آیین دیگری را انتخاب کند، بهائی می شود! این مورد هم در بین جهودهای آمریکایی وهم ایرانی دیده شده است.» ( سید هاشم میر لوحی، آمریکا بدون نقاب، تهران، کیهان، ۱۳۸۰، ص ۷۵)

بهائیان و یهودیان بهائی شده دست به دست هم داده تا به اهداف خود برسند. فریدون آدمیت می نویسد: «عناصر بهائی چون عنصر جهود، به عنوان یکی از عوامل پیشرفت سیاست انگلیس در ایران در آمد، طرفه اینکه از جهودان نیز کسانی به این فرقه پیوسته اند...» ( فریدون آدمیت، امیر کبیر و ایران، ص ۴۵۷)

یهودیان بهائی شده در شهرهای ایران مثل همدان، کاشان، مشهد، شیراز، اراک، تربت حیدریه، رشت، تهران و سایر نقاط ایران (رک: عبدالله شهبازی، جستارهایی از تاریخ بهائی گری در ایران، صص ۲۱-۲۹) پراکنده بودند و حتی بسیاری از ملاها و سرشناسان یهودی بهائی شدند.

گروش یهودیان به بهائیت و تلاش برای تبدیل این فرقه به یک دین متنفذ جهانی به ایران محدود نیست و در سایر کشورها به ویژه در اروپا و ایالات متحده ی آمریکا نیز یهودیان و یهودیان مخفی (به ظاهر مسیحی) به این فرقه پیوسته اند. نامدارترین ایشان «هیپولیت دریفوس» (Hypult Dreyfus) است.

دریفوس نقش مهمی در گسترش و تقویت بهائیت ایفا نمود. او در حوالی سال ۱۳۱۷ ق بهائی شد و در سال ۱۳۲۸ ق در ۷۰ سالگی در پاریس درگذشت. دریفوس در سال ۱۳۱۸ ق به عکا رفت و مدتی با عباس افندی بود. رومر نیز معتقد است که بهائیت در فرانسه، خاستگاه یهودی دارد به طوری که دریفوس یهودی، نقش بسیار مهمی را در سفر عبدالبهاء به پاریس ایفا کرد و تشکیلات جهانی «آلیانس - اسرائیلیت» به واسطه کمک های همه جانبه خود به یهودیان در شرق، تبدیل به پلی برای نفوذ بهائیت به فرانسه شد. لطف الله لطفی، بهائیت از زبان «هرمان رومر» منتقد آلمانی، سایت شیعه نیوز، بهمن ۱۳۸۹، [www.shia-news.com](http://www.shia-news.com)

شناخت نام های به ظاهر مسیحی اروپاییان و آمریکاییان بهائی شده دشوار است؛ اما به عنوان مثال خانم «پولاکن که بهائی شد و آسیه نام گرفت، چنان که نام او نشان می دهد، به یکی از خاندان های زرسالار یهودی (خاندان پولاک) تعلق دارد.» (رک: عبدالله شهبازی، جستارهایی از تاریخ بهائی گری در ایران، ص ۲۹)

-جدید الاسلام های یهودی

پدیده ی «یهودیان مخفی» نیز عامل مهمی در پیدایش و گسترش بابی گری و بهائی گری است. در بررسی تاریخ پیدایش و گسترش بابی گری در ایران، نمونه های فراوانی از گروه یهودیان جدید الاسلام به این فرقه مشاهده می شود که به مروجین اولیه ی بابی گری و عناصر مؤثر در رشد و گسترش آن بدل شدند. گرایش این یهودیان به اسلام، واقعی نبود و ایشان به طور پنهان یهودی باقی می ماندند.

دایره المعارف یهود، پدیده ی جدید الاسلام های مشهد را در ذیل مدخل «یهودیان مخفی» مطرح کرده نه در مدخل «مرتدین» و در جای دیگر تصریح می کند که آنان به عنوان «یهودیان در لباس اسلام» به حیات خود ادامه دادند. (رک: عبدالله شهبازی، جستارهای از تاریخ بهائی گری در ایران، ص ۲۱-۲۳)

والتر فیشل - محقق یهودی - می نویسد که این جدید الاسلام ها همچنان به دین یهود پایبند بوده وهستند. (پیشین، ص ۲۳ به نقل از . Walter J. Fischel, Secret Jews of Persia, 1949, pp.28-33 commentary, NO.7)

فیشل این مطلب را در سال ۱۳۲۸ ش عنوان می کند.

به عبارت دیگر، طی دوران طولانی ۱۱۰ ساله ی (۱۸۳۹-۱۹۴۹ م) که از مسلمان شدن این یهودیان می گذشت، اینان همچنان در خفا یهودی بودند. (پیشین، ص ۳۳)

از جمله این جدید الاسلام ها «میرزا ابراهیم جدید» است که بابی گری را به سیاهکل (شهری در گیلان) وارد کرد. (پیشین، ص ۲۱ به نقل از تاریخ ظهور الحق، ج ۸، ق ۲، ص ۷۹۴) و نیز اولین کسانی که در خراسان بابی شدند، یهودیان جدید الاسلام مشهد بودند. (حبیب لوی، تاریخ یهود ایران، ج ۳، ص ۶۳۴)

معروف ترین ایشان «ملا عبدالخالق یزدی است» که ابتدا در یزد اقامت داشت. او از علمای دین یهود بود و پس از مسلمان شدن در زمره ی اصحاب مقرب شیخ احمد احسائی جای گرفت به گونه ای که احسائی هفت سال در خانه ی وی سکونت داشت. (عبدالله شهبازی، جستارهایی از تاریخ بهائی گری در ایران، ص ۲۲، هم چنین رک: مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، زوار، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۸۲، سید ملک محمد مرعشی، فتنه گران سیاست سیاه، ص ۳۷)

بعد از آن به مشهد مهاجرت کرد و در صحن حضرت ر ضا (ع) جماعت ومنبر و وعظ برقرار نمود و به نوشته ی «مهدی بامداد» او به یکی از علمای طراز اول «مشهد» بدل شد. (مهدی بامداد، پیشین، ص ۳۸۲) او به دعوت ملاحسین بشرویه به باب ایمان می آورد و بر بالای منبر دعوی باب را برای مردم تبلیغ می کند. (رک: اعتضاد السلطنه، فتنه باب، صص ۳۵ و ۳۶؛ یوسف فضائی، تحقیق در تاریخ و فلسفه ی بابی گری و بهائی گری و کسروی گرایی، ص ۱۱۰؛ حسن نیکو، فلسفه نیکو، ج ۳، صص ۱۶۸ و ۱۶۹)



ملا عبدالخالق یزدی در میان بابیه مقام بس رفیع وارجمند داشت و باب او را شاهد حقانیت خود می دانست. ( ثریا شهبوساری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره ی محمد رضا شاه، ص ۳۱ به نقل از عبدالحمید اشراق خاوری، رساله ی ایام تسعه، تهران، لجنه آثار امری، ۱۰۳، بدیع، صص ۵۱ و ۵۲) ولی پس از آنکه پسرش در راه بابیه کشته می شود، ملا شیخ علی از طریقه ی باب برمی گردد؛ چنان که سید یحیی دارابی درباره او می گوید: یهودی بود، دوباره یهودی شد. (حسن نیکو، فلسفه نیکو، ج ۳، ص ۱۶۹) (پاورقی)

یکی دیگر از جدیدالاسلام های مشهد «نورالله زبولونی» بود که به گفته ی مئیر عزری (Merir Ezri) –سفیر اسرائیل در ایران – از بازرگانان مشهد بود که نمایندگی یهودیان مشهد را در همه ی کنگره های جنبش خلوتص (خلوتص عنوان عبری سازمان پیشاهنگی یهود و یکی از تشکل های کاملا وابسته به آژانس یهود در ایران بود). به دوش داشت و وفاداری اش به اسرائیل و پایبندی اش در یاری به ویژه مهاجران (یهودیانی که به اسرائیل مهاجرت می کردند) زبازد و از حامیان و پشتیبانان شلموهیلل ( Shlomo Hillel شلمو هیلل با نام مستعار «موریس پرزن از سوی دستگاه مهاجرت اسرائیل برای یاری به مهاجرت جوانان عراقی از راه ایران، به ایران آمد و نماینده آژانس جهانی یهود بود. ) ( دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، سایه روشن بهائیت در ایران، صص ۱۲۱ و ۱۲۲)

نکته ی مهم اینکه گرایش یهودیان به اسلام و حتی بهائیت حقیقی نبوده و آنها به طور پنهانی، یهودی باقی می ماندند. حسن نیکو در این باره می گوید:

«...با این همه که رؤسای بهائی نوید و بشارت به یهودیان بهائی می داده و هم اکنون شوقی تر و خشک شان می کند... باید یقین (کرد) که یک قدم از یهودیت بیرون نگذاشته اند، صدها حکایت دارم از یهودیانی که بیست سال و سی سال بود بهائی شده بود و هنوز گوشت و ذبیح و طبخ سایرین را نمی خوردند و در حقیقت بهائی بودنشان یک خُده ی دوسره بود... (آیتی، یکصد و ده حکایت ( حکایت ۹۳) مجله آیین اسلام، ش ۱۲ (۱۳۳۸/۵/۲۱) سال، ۶، ص ۱۵)

#### –دلایل انتخاب بهائیت

مورخان و صاحب نظران علت هایی برای بهایی شدن یهودیان ذکر کرده اند که در ذیل به آنها اشاره می کنیم:

#### ۱- فرار از نام بد یهودی

فضل الله مهتدی صبحی – مستبصر – می گوید: «همدان، اکثر بهائیان یهودی اند و به نظر بنده بیشتر آنان برای فرار از یهودیت، بهائی شده اند، تا گذشته از اینکه اسم جهود از روی آنها برداشته شود، در فسق و فجور نیز فی الجمله آزادی داشته باشند و من از این قبیل یهودیان نه در همدان بلکه در تهران نیز سراغ دارم...» ( فضل الله مهتدی صبحی، خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بایی گری و بهائی گری، صص ۲۱۲ و ۲۱۳)

و در جای دیگر بعد از ذکر دغل بازی و دزدی های دونفر جهود بهائی می گوید: «...اینها پیروان شوقی هستند که همه از جهودان بهائی می باشند؛ از نام یهودی بیزاری جسته و برای گم کردن بُن و نژاد به بهائی چسبیده اند...» ( فضل الله مهتدی صبحی، خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی گری و بهائی گری، ص ۴۳۴)

## ۲- رسیدن به پول و مقام

رایین می گوید:

«...می دانیم که ذات یهودی با پول و ازدیاد سرمایه عجین شده است، یهودیان ممالک مسلمان که عده ی کثیری از آنان دشمن مسلمانان هستند و همه جادر پی آزار رسانیدن و دشمنی با مسلمانان می باشند، خیلی زودتر از مسلمانان به بهائیت گرویده اند و از امتیازهای مالی بهره فراوانی برده و می برند و مقداری نیز به مرکز بهائیت می فرستند.» ( اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، ص ۱۷۱)

صبحی می گوید:

«گرانی خانه ها و بالا بردن بهای زمین ها و ساختن داروهای دغلی و دزدی و گرانی بازار، ساره خواری [رشوه] و بردن نشانه های باستانی به بیرون کشور و تبهکاری و ناپاکی و روایی بازار زشت کاری و فریب زنان ساده به کارهای ناهنجار، همه با دست این گروه است که از نام یهودی گریزان و به بهائی گری سرافرازند.» ( فضل الله مهتدی صبحی، پیشین، صص ۴۲۵ و ۴۲۶)

آقای دعوتی می نویسد:

«از آنجا که یهودیان در هر حال مورد نفرت و کینه ی مردم بودند، بسیاری از یهودیان برای نفوذ در جامعه ی ایران، وارد فرقه ی بهائی شدند، تا با صبغه و رنگ اسلامی و ایرانی موجب پیدایش تفرقه در مردم بشوند. در این راستا، بسیاری از کارخانجات بزرگ مانند ارج و دیگر کارخانه ها به بهائیان واگذار شد و اقلیت یهود و فرقه ی بهائی به طور هماهنگ به چپاول منابع و معادن و ثروت های عمومی پرداختند...» (میرزا ابوالفتح دعوتی، نفوذ صهیونیسم در مطبوعات، قم، ایام ، ۱۳۷۶، ص ۲۰۶)

مئیر عزری - از سران یهودی ایران - در خاطرات خود می نویسد:

«...بهائیان در گوشه و کنار هنوز محافل خود را داشتند و با بخشش هایی به نیازمندان می توانستند گروهی را به سوی خود بکشانند. آنها در دهه های پیشین توانستند بسیاری از خانواده های یهودی را در همدان و کاشان به آیین خویش بخوانند. یکی از یهودیانی که با گرایش به بهائیت به آب و

نانی رسید و نامی برای خود ساخت، ثابت پاسال همدانی بود که در کشاکش جنگ جهانی دوم، راننده ی ساده ای بیش نبود و توانست در دوره ی کوتاهی یکی از توانگران کشور گردد.» (ابراهیم انصاری، بهائی ها و اسرائیل، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۱۷، سال ۴، تابستان ۱۳۸۶، ص ۲۰۷ به نقل از یادنامه مؤیر عزری، صص ۵۶ و ۵۷)

یهودیان بهائی برای به دست آوردن پول و ثروت بیشتر حتی به هم مسلکان جدید (بهائی) نیز رحم نمی کنند.

حسن نیکو از مبلغان پیشین بهائی می نویسد:

«...بهائی، یهودی را فریب می دهد که بدو شد و پول بگیرد و سیاهی لشکر درست کند، یهودی هم بهائی را فریب می دهد که به دروغ بگوید ما با شما هم عقیده ایم تا بازار فروش برای خود تهیه کند. چنان که کرارا دیده می شود، چویدارهای سنگسر و آباده بعد از فروش گوسفندانشان در تهران سراغ دکان و حجره ی یهودیان کاشانی و همدانی را می گرفتند تا از آنجا خرید کنند. گمان می کردند که بر اثر هم مسلکی اجناسی بهتر و ارزان تر به دست می آورند، حال آنکه کاملاً معکوس بود، جنس بد را به قیمت گران می خریدند و یهودیان را همین معامله دلگرم می داشت که الله ابهی (بهائیان به جای سلام کردن از «الله ابهی» استفاده می کنند. رک: فضل الله مهتدی صبحی، خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی گری و بهائی گری، ص ۱۳۱) را رساتر به بابی های سنگسر و اغنام آباده بچپانند.» (آیتی، یکصد و ده حکایت، پیشین، ص ۱۵)

### ۳- ترویج بهائیت و تفرقه بین مسلمانان

هدف دیگر ترویج و تقویت بهائیت تفرقه بین مسلمانان می باشد. در حقیقت بهائیان و یهودیان، دارای هدفی مشترک، یعنی دشمنی با اسلام بودند.

در تاریخ یهود ایران آمده: «خاندان های «حکیم رفائل» و «حکیم شموئل» واز آنها مهم تر «خاخام نهروانی» که از دوران ناصرالدین شاه، ثروت های فراوان به دست آورده بودند، به طور دسته جمعی وارد فرقه ی بهائی شدند تا به ترویج بهائیت کمک کنند.» (حبیب لوی، تاریخ یهود ایران، بی جا، کتاب فروشی بروخیم، ۱۳۳۹ش، ج ۳، ص ۷۵۵)

در داستان قره العین می خوانیم هنگامی که قره العین به کرمانشاه رسدی و به تبلیغ بابت پرداخت، در جلسه ای، «ملا الیاهو» و «ملا لاله زار» که هر دو کلیمی بودند، با توجه به کینه ای که نسبت به اسلام داشتند، چون آوای تفرقه را شنیدند، مانند پروانه به دور قره العین می چرخیدند و دربارہ ی او غلو می کردند، تا بازار این دین سازان را رواج دهند. سیدسعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۱۳۴؛ حسن نیکو، فلسفه نیکو، ج ۳، ص ۱۱۰؛ همچنین رک: الحسینی الحسینی معدی، النصیحه الایمانیه فی کشف فضائح البابیة و البهائیه، ص ۱۲۰ به نقل از لمحات الوردی، ج ۲، ص ۱۷۵)

حسن نیکو نیز در این باره می نویسد:

«... طبقه ی دیگر [بهائیان] یهودی هستند که با چه بغض و عناد به اسلام معروف اند... در چنین صورتی اگر کسی علم بلند کند که باعث تفریق و تشتت جمعیت اسلام شود و سبب تفریق مسلمین گردد، البته دشمن ضعیف و دلشاد گردیده، وی را استقبال می کند... (یهودیان) در دخول مجامع و محافل بهائیان سه فایده ی مسلم برای خود تصور داشته: اول آنکه لاقلاً سیاهی لشکر دشمن می شود که بر ضد اسلام قیام کرده و روایت تشنت و تفریق را بلند نموده است. دوم آنکه از مسئله ی اجتناب و دوری که در مسلمین شیعه نسبت به یهود بود، مستخلص می شوند و با آنها معاشرت می کنند، بلکه وصلت می نمایند. سوم آنکه اگر دولت و قدرت با بهائیان گردد، عجلتاً خودی در حزب آنان وارد کرده باشند.» (حسن نیکو، فلسفه نیکو، ج ۱، صص ۸۱ و ۸۲)

هرمان رومر (Herman Romer) (منتقد آلمانی) در کتابش تأکید دارد که یهودیان ایرانی در داخل ایران، برای به چالش کشیدن اسلام، فرقه ی بهائیت را متحد خود یافته و هم پیمان خویش تلقی می کردند. (لطف الله لطفی، بهائیت از زبان «هرمان رومر» منتقد آلمانی به نقل از فصل چهارم، صص ۱۴۹ و ۱۵۰)

### نظر حبیب لوی

حبیب لوی - (Habib Levy) مورخ یهودی و صهیونیست ایران - در کتابش به شرح احوال بابی ها و بهائی ها و یهودیانی که بهائی شده اند می پردازد و سعی می کند این تغییر دین را به هر نحو ممکن توجیه کند. وی فشار مسلمانان بر یهودیان، روی خوش نشان دادن بهائیان به یهودیان، فراموشی آموزه های یهود و متلاشی شدن تشکیلات اجتماعی و سابق یهود و ... را از دلایل تغییر دین یهودیان می شمرد. (رک: حبیب لوی، تاریخ یهود ایران، ج ۳، صص ۵۹۸-۶۳۲)

شمس الدین رحمانی به نقد دلایل لوی پرداخته و مینویسد که لوی قصد توجیه بهائی شدن یهودیان را دارد، اما خودش در صفحات بعد کتابش، بند را به آب می دهد و با شرح مفصل درباره ی صهیونیسم و هر تزل و مهاجرت یهودیان به فلسطین و اینکه این جریان باعث شد که «دوره ی قیام مردگان یهود فرا رسد» ادامه می دهد: «از این لحاظ عبدالبهاء که از جریان سیاسی روز، با اطلاع و ساکن فلسطین بود، در همان زمان و در خلال آن مدتی که یهودیان به فعالیت پرداخته بودند، الواحی صادر نموده و از اینکه به زودی یهودیان به آزادی و ترقیات شگرفی نایل خواهند شد، صحبت می کرد». و این چنین حقیقت برملا می شود که یهودی های بهائی شده، نه از فشار مسلمانان و نه به خاطر تشویق های بهائیان، بلکه برای خدمت به صهیونیست ها آن گونه عمل می کردند. (شمس الدین رحمانی، تاریخ پر دازی صهیونی، پژوهش صهیونیت، مجموعه مقالات به کوشش محمد احمدی، تهران، مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۸۷ و ۸۸)

آقای علم الهدی نیز به این مطلب اشاره می کند که حتی افراد روشنفکر یهودی و بزرگان آنها نیز بهائی شده اند:

«...فامیل بزرگ «خاخام نهورانی» که عدد مردان آنان بیش از ۶۵ نفر بودند بعضی به مسلک مسیحی و اکثر بهائی شدند، اما نویسندگان یهودی می گویند آنها به هر مسلک که درآمدند، باز هم برای یهودیان اسرائیل فعالیت می کنند. در زمان ما هم بسیاری از یهودیان جاسوس در پوشش بهائی گری فعالیت می نمودند، من جمله، شخصی از یهودیان طبیب از رجال فعال تهران واصفهان به نام «نور حکیم مُشه» به دستور انگلیسی ها در تهران مؤسسه «ماسونری» تأسیس کرد و خود را به نام یک فرد مسیحی معرفی نمود و یهودیانی که در تهران عضو این مؤسسه می شوند از طرف او حمایت می شدند. وی پس از آنکه مأموریت خود را به حدّ کمال رسانید با فرزندانش به مرام بهائیت گرویدند و با مسلک بهائی از صهیونیسم بین الملل حمایت می کردند. (سید جواد علم الهدی، شناخت صهیونیسم بین الملل، صص ۲۰۰ و ۲۰۱)

#### - جایگاه یهودیان بهائی

نکته ی قابل توجه اینکه یهودیان بهائی برای سایر بهائیان ارزشی قائل نیستند و طبق خصلت خاص یهود، خود را برتر می دانند که این مطلب در خاطرات مستبصرین بهائی، بیان شده است. حسن نیکو می گوید:

«همدان که مرکز مهم بهائیان است به استثنای سه چهار نفر همگی یهودی بهائی شده هستند و همان کلیمی ها که بهائی شده اند، زمام امور را به دست گرفتند. هر اقدامی که مخالف روح اسلامیت است می کنند... و همیشه به آن سه چهار نفری که به اصطلاح خودشان بهائی فرقانی هستند، طعن می زنند.» (حسن نیکو، فلسفه نیکو، ج ۱، ص ۸۹)

صبحی نیز در خاطرات سفر خود به همدان می نویسد: «در همدان بین بهائیان یهودی و بهائیان مسلمان که به احبای کلیمی و فرقانی معروف اند، از روزگار پیشین کدورت و نفاق بود و هر دسته برای خود مشرق الأذکاری (معبد بهائیان که محل عبادت آنها می باشد) جداگانه داشتند، ولی چون زور و زر با بهائیان یهودی بود، مسلمین از اهل بهاء میدانی برای جولان نداشتند.» (فضل الله مهتدی صبحی، خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی گری و بهائی گری، ص ۲۱۳)

آقای مراغه ای از مستبصرین بهائی نیز می گوید:

در همدان بهائی ها دو مسافرخانه دارند، در یکی بهائی های کلیمی یهودی جمع می شوند، و در دیگری بهائی های فرقانی اسلامی و ابدا ائتلاف هم ندارند. و به کرات عبدالبهاء مکاتیب نوشته که بلکه در میان دو طایفه تألیف بدهد مثمر واقع نشده و بلانفوذ مانده است. هکذا در طهران بهائیان کلیمی و فرقانی و زردشتی هر یک مجالس علی حده (جداگانه) دارند.» (صالح اقتصاد مراغه ای، ایقاظ بیدار کننده بهائیان، تهران، راه نیکان، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶)

آقای نیکو در جای دیگر به نکته ی جالبی اشاره می کند:

«یهودیان عموماً بغض و کینه‌ی اسلام را در دل دارند... میل و اقبال یهود به کیش بهاء روی اصل عناد و لجاجی است که به اسلام داشته و دارند و چون حسینعلی بهاء در کتاب اقدس خود قرآن را نسخ نموده و احکام اسلام را فسخ کرده، ترویج محارم را جایز دانسته، جمعه و جماعت را منکر شده و مخالفت با اسلام نموده برای آنکه دشمن اسلام تقویت شود. روی چنین نظر و سیاستی بغض یهودیان اظهار بهائیت می‌کنند با آنکه باز هم دیده ایم که بعضی دیگر از همان یهودیانی که در دوره‌ی حیات خود اظهار بهائی بودن نموده‌اند، چون به بستر بیماری می‌افتند، اظهار توبه و ندامت نموده و وصیت می‌کنند که آنها را به طریقه‌ی یهود و حکم تورات کفن و در گورستان اسرائیلیان دفن نمایند.» (احسن [نیکو]، «بنای بهائی روی دروغ است» مجله آیین اسلام، ش ۱۴۰ (۱۳۲۵/۸/۷) ص ۲)

یهودیان بهائی شده حتی در نزد رهبران بهائیت، جایگاه والایی دارند. صبحی می‌گوید:

«از چند سال پیش من آگهی پیدا کردم که شوقی همه‌ی خویشاوندان و پدر و مادر و برادرها و خواهرها و دائی‌ها و فرزندان‌شان را رانده و میان آنها تیرگی پدید شده و اکنون همه‌ی کارها در دست بیگانگان است و بزرگ و سر بهائیان آنجا هم، یک بیگانه است و هیچ ایرانی دست اندر کار نیست، جز لطف الله حکیم که از جهودان بهائی است. و کارش آوردن و گرداندن هبائیان است بر سر گور سروران این کیش که در ایران به این کار «زیارت نامه خوانی» می‌گویند.» (فضل الله مهتدی صبحی، خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی گری و بهائی گری، ص ۴۲۳)

به دلیل توجهات خاص رهبران بهائی به یهودیان بهائی شده، سمت‌های خاص در اختیار آنان بوده است. به عنوان مثال یهودی بودن مورخ بهائی از زبان عزیزالله عزیزی - بهائی یهودی الاصل - بیان شده است: «[عبدالبهاء به من گفت]: ایشان دکتر اسلمونت هستند. از اهل انگلستان و قبلاً یهودی بودند و حال ایمان آورده و بهائی شده‌اند و مشغول نوشتن امر مبارک هستند.» (سایه روشن‌های بهائیت، ص ۱۱۵ به نقل از ذبیح الله عزیزی، خاطرات عزیزالله عزیزی، ص ۳۱۵)

برخی مبلغان فعال بهائیت از میان یهودیان بوده‌اند. فیضی بهائی در این باره می‌نویسد:

«از حضرات بنی اسرائیل نیز جمعی در همدان، کرمانشان و کاشان به «امر مبارک» [بهائیت] اقبال نموده و در دوره‌ی میثاق، قیام بر خدمت نمودند، مانند جناب «حکیم آقاجان» و «حکیم عبدالرحیم»... در کاشان نیز نفوسی مانند «حکیم یعقوب» نوه‌ی دختری «حکیم هارون» به امر مبارک ایمان آورده و سال‌ها مورد احترام و اعتماد اهالی بوده است و نیز جناب «خواجه ربیع» فرزند ارشد «ملا اسماعیل» پیشوای کلیمیان که خود و برادرانش به امر مبارک ایمان آوردند. (محسن فرسای، براندازی صهیونیستی در امپراطوری عثمانی، ص ۲۱۱ به نقل از محمدعلی فیضی، حیات حضرت عبدالبهاء و حوادث دوره‌ی میثاق، ص ۹۹)

دکتر شلبی در کتاب، «مقارنه الادیان» می نویسد: «زیست بهائیان در شهر عکا در قلب اسرائیل، چنان صهیونیست ها و بهائیان را به هم پیوند داده، که بهائیان نسخه ی دوم یهود شده اند. و در اسرائیل برای تشکیل مجلس عالی بهائیان یک نفر یهودی آمریکایی به نام «میسون» را.... انتخاب کردند.» (محمد محمدی اشتهاردی، بابی گری و بهائی گری، ص ۱۲۲)

در اینجا یک سؤال مهم مطرح است و آن اینکه با توجه به تعصب نژادی یهودیان، آنها که دین مسیحیت و اسلام را قبول نکرده و به مخالفت با آنها پرداختند، چگونه یک باره حاضر شدند، تغییر دین دهند و بهائیت را بپذیرند؟

به هیچ عنوان نمی توان بهائی شدن یهودیان را به برتری بهائیت نسبت به ادیان الهی نسبت داد؛ بلکه تنها دلیل قابل پذیرش، خدمت کردن آنها به صهیونیسم و سرپوشی برای فعالیت های آنان و قدرت مانور بیشتر می باشد. چرا که با پذیرش این آیین، منافع استعماری و جاسوسی آنها بهتر تأمین می شد؛ لذا علل دیگر مثل فرار از نام بد و منافع اقتصادی و... همه زیر مجموعه ی یک هدف اصلی و آن هم، تلاش برای سیطره ی جهانی صهیونیسم می باشد.

## فصل دوم:

### رجال سیاسی صهیونیسم و بهائیت

تعامل و پیوند دو سوبه ی سران صهیونیسم و بهائیان نشان از اهمیت روابط آنهاست. حال اگر این دیدار توسط رجال طراز اول اسرائیلی با سران بهائیت یا مرکز بهائیان یا شرکت در مراسم تشیع سران بهائیت باشد، بیش از پیش دلیلی بروجود علایق مشترک و روابط صمیمانه بین این دو فرقه و اهمیت بهائیت برای صهیونیست ها می باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا پناهگاه رسمی و جولانگاه آشکار این فرقه شد. همچنین هر یک از رؤسای جمهور آمریکا (صهیونیستی) به فراخور خود در مناسبت های مختلف به حمایت از بهائیان پرداخته اند. (رک: احمد اللهیاری، بهائیان در عصر پهلوی، صص ۲۳۶ و ۲۳۷) به عنوان مثال «لیندن جانسون» (Lyndon Johnson) - رئیس جمهور صهیونیستی آمریکا - در پیامی به محفل ملی آمریکا به مناسبت جشن صدمین سال اعلان عمومی امر، پس از تبریک، آنها را مورد تفقد و مهربانی قرار داده و می گوید: «هدف شما با هدف آمریکا» یکی است. (رک: فرهاد فاضلی و احمد رهدار، «امپریالیسم آمریکا و بهائیت، پیوند دیرین و همه جانبه، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۵۰، سال ۱۳، تابستان ۱۳۸۸، صص ۴۶-۵۵) یا «جرج بوش» (George Bush) در سال ۱۳۷۱ به مناسبت صدمین سالگرد مرگ بهاء در پیامی مبنی بر حمایت از بهائیان به دومین کنگره ی جهانی بهائیت، نام ایران را در فهرست سیاه لطمه زدن به حقوق بهائیان قرار می دهد. (احمد اللهیاری، پیشین، ص ۲۳۶)

رؤسای جمهور اسرائیل و رجال مهم سیاسی نیز در مصاحبه ها و بازدیدهای مختلفی که از مراکز و مراسم بهائیان داشته اند بارها حمایت خود را از بهائیان اعلام کرده اند.

به گزارش جراید، رئیس مجلس اسرائیل (۱۳۷۷/۴/۱۴) از مرکز بهائیت در حیفا دیدار و ضمن حمایت از فعالیت های فرقه، خواستار آزادی عمل بیشتر آنها در ایران شد. (پویا شکیب، بهائت و اسرائیل پیوند دیرین و فزاینده، ص ۶۳۳ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۴/۱۵) شایان ذکر است در قسمتی از نامه ی هیئت بین المللی حیفا، خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان ایران در تاریخ اول ژانویه ی ۱۹۵۲ م چنین آمده:

«...این مسئله بسیار جالب توجه و مهم است که هر قدر اشخاص در دوایر دولتی مقامشان بالاتر است، حس ادب و احترام و اطاعت ایشان نسبت به امر بیشتر است. به همین طریق مقامات عالیه در انجام امور نظر مساعدتری داشته و در موارد لازم از کمک مضایقه نمی نمایند.» ( رک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۶۹۰، به نقل از مجله اخبار امری، ارگان محفل بهائیان ایران، ش ۵، شهریور ۱۳۳۱)

کمک های دولتمردان صهیونیستی برای بسط و گسترش اماکن و تشکیلات بهائیت و پذیرفتن آنها به عنوان یک دیانت آسمانی (!) نمونه ای دیگر از حمایت های مستقیم از بهائیان می باشد.

#### الف) ملاقات رجال طراز اول صهیونیسم با بهائیان

طبق اسناد خود بهائیان، سال ها قبل از تشکیل دولت اسرائیل، یکی از بزرگان صهیونی ارادت خود را در ملاقات هایی با بهاء الله و عبدالبهاء نشان داده تا آنجا که به گفته ی آن منبع به حقانیت بهائیت پی برده و بهائی می شود.

محمد علی فیضی - نویسنده ی بهائی - چنین می گوید:

از جمله نفوس مهمه ای که به شرف زیارت «هیکل مبارک» در این شهر [عکا] نایل گردید و این تشریف مبدا محبت و ارادت او نسبت به «امر مبارک» واقع شد، «پروفسور آرمینوس وامبری (Arminius Vambery) بود، که اصلا از نژاد اسرائیل و در اکثر زبان های شرقی مانند فارسی و عربی و ترکی، ماهر و استاد بود و به بسیاری از ممالک شرق در لباس جهان گردی مسافرت نمود و در ایام سجن، در «عکا» حضرت بهاء الله را از دور زیارت کرده و با همه ی طبقات و رؤسای مذاهب معاشرت داشته و بسیاری از عقاید وادیان را مورد مطالعه و دقت قرار داده بود. این شخص چون مریض بود، خود «هیکل مبارک» به دیدن مشارالیه تشریف بردند و او تا آن وقت به هیچ یک از ادیان، معتقد نشده بود و چون بیانات مبارک را درباره ی تعالیم عالیه امر و وحدت حقیقت و اصول شرایع الهیه شنید، تغییر حالت داده و با نهایت خضوع و اعتقاد به ترویج تعالیم مبارک، قیام نمود و مکرر به زیارت هیکل مبارک و استماع بیانات مبارک نایل گشت و در هر دفعه به خلوص و اعتقاد او افزوده می شد و دفعه ی دیگر حضرت «عبدالبهاء» به منزل او تشریف برد و این فیلسوف دانشمند بیش از پیش مراتب خضوع و خشوع خود را ظاهر ساخته و در اهمیت تعلیم مبارک ناطق بود. (دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، سایه روشن های بهائیت در ایران، ص ۱۱۶ به نقل از حیات حضرت عبدالبهاء و حوادث دوره میتاق، ص ۲۴۵)



پس از اشتغال نظامی فلسطین توسط ارتش انگلیس و دوران قیومت آن کشور، عناصر صهیونیستی با عباس افندی و خانواده ی وی دیدار هایی داشتند.

بن زوی - از فعالان صهیونیسم - به ملاقاتش با عباس افندی حدود ۴۰ سال قبل از تأسیس اسرائیل تصریح دارد، که نشان دهنده ی عمق روابط میان سران بهائیت و صهیونیست هاست. (پویا شکیبیا، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۵۸۷) او بعدها نیز دیداری با شوقی در مراکز بهائی داشته است. (بهران افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، صص ۵۷۲ و ۵۷۳)

شخص دیگری که ارتباطات نزدیکی با عبدالبهاء و پس از او با شوقی افندی داشته و ملاقات های زیادی بین آنها صورت گرفته «سِر هربرت ساموئل» ( Samuel Herbert ) یهودی - نخستین کمیسر عالی فلسطین واز فعالان صهیونیسم - می باشد( دورین اینگرامز، بذرهای توطئه، ترجمه ی حسین ابوترابیان، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴، صص ۱۳۲ و ۱۳۳) که میان او وعباس افندی دوستی و همکاری نزدیکی وجود داشته و در اوایل حکومت وی در فلسطین بود که دربار بریتانیا، عنوان «سر» را به عبدالبهاء اعطا کرد.

شوقی افندی نیز در جریان مخاصمه ی بین او و ناقضین، نامه ای از لندن به ساموئل می نویسد و از او کمک می خواهد ، در آخر نامه به او می گوید: «... هر وقت به بیت المقدس تشریف فرما شدید، جای بسی خوش وقتی خواهد بود اگر به دیدار شما نائل شوم» ساموئل نیز جواب نامه ی او را داده و بالاخره این غائله با وساطت و حمایت ساموئل به نفع شوقی تمام می شود. (رک: علی احمدی خواه، دوستان «انگلو- صهیون» عباس افندی، صص ۴۲۷-۴۲۹)

یکی دیگر از عناصر صهیونیستی «سِر رونالد استورز» ( Ronald Storrs ) می باشد که پیوند عمیقی با صهیونیست داشت، وی پس از اشغال قدس توسط انگلیسی ها ویهود، در اواخر جنگ جهانی اول «خود را یک صهیونیست معتقد» می شمرد. (دورین اینگرامز، پیشین، ص ۲۳)

آن گونه که خود استورز در خاطراتش شرح داده، سابقه ی آشنایی وی با عباس افندی به آغاز قرن بیستم برمی گردد. نخستین بار که با عباس افندی ملاقات کرد، سال ۱۹۰۰ بود که قصد عزیمت از سوریه به قاهره (جهت تصدی مقام دبیر شرقی سفارت انگلیس در مصر) را داشت . در این دیدار که در عکارخ داد به قول خودش «ساعت خوشی» را با عباس افندی، که آن زمان در حصر قرار داشت، گذراند و بعدا نزد «لرد کیچنر» ( Lord kithner ) از او تعریف کرد. حدود بیست سال بعد که ژنرال آلنبی برشامات دست یافت و استورز را «مأمور تأسیس حکومت حیفا و توابع آن نمود» مجددا فرصت دیدار با پیشوای بهائیان را یافت و به نوشته ی خود «همان روزی که وارد» حیفا شد، نزد عباس افندی رفت و پس از آن هم «هر موقع که به حیفا» می رفت، از رفتن نزد وی دریغ نمی کرد. عباس افندی یکی دو نمونه از خطوط خود را نیز همراه عکسی امضا شده از خویش و خطی از مشکین قلم (خطاط بهائی) به او داده بود که بعدا در حادثه ی حریق در قبرس از بین رفت. (بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، صص ۵۵۶ - ۵۵۸؛ سید محمد باقر نجفی، بهائیان، صص ۶۵۰ و ۶۵۱؛ علی احمدی خواه، پیشین، ص ۴۳۱، به نقل از اخبار امری، ش ۷ و ۸، آبان و آذر ۱۳۲۴، ص ۷)

ملاقات «بین گورین»، رئیس جمهور اسرائیل با شوقی افندی، «موششارت- نخست وزیر اسرائیل- «زلمان شازار» ( Zalman Shazar) رئیس جمهور اسرائیل و بسیاری از دولتمردان و رجال سیاسی صهیون از سران بهائیت جزء مدرک و اسناد خود بهائیان می باشد.

### ب) بازدید از مراکز و شرکت در مراسم های بهائیان

بسیاری از بزرگان صهیونیستی و دولتمردان رژیم اشغالگر قدس، در مناسبت های مختلف از مراکز بهائیان دیدار کرده و یاد مراسم آنها شرکت نموده اند که نشان از اهمیت بهائیان برای آنها و اتحاد با آنهاست.

در ژانویه ی ۱۹۵۴ م رئیس و نایب رئیس و منشی کل هیئت بین المللی بهائی، برای عرض تبریک، تقاضای «شرف یابی به حضور رئیس جمهور» را نمودند. رئیس جمهور اسرائیل نیز در اول ماه فوریه اعضای عامله ی هیئت را به حضور پذیرفت. در ضمن این ملاقات، رئیس جمهور اظهار تمایل نمود تا ضمن ملاقات با شوقی افندی از مرکز بهائیت نیز دیدار کند که شوقی، صمیمانه از او دعوت کرد. ( پویا شکیبای بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۶۰۴ به نقل از مجله اخار امری، ش ۳ (تیرماه) ۱۳۳۳، صص ۹ و ۸)

به این ترتیب زمینه ی دیدار رئیس جمهور رژیم صهیونیستی از اماکن بهائی فراهم آمد. به نوشته ی نشریه ی رسمی بهائیان ایران: «سرانجام در تحقق این وعده، روز دوشنبه ۲۶ آوریل ۱۹۵۴ (۱۳۳۳/۲/۶) بن زودی، رئیس جمهور اسرائیل و همسرش از مراکز و مراقد بهائیان در اسرائیل دیدار کردند...» ( پیشین، ص ۱۹۲، به نقل از مجله اخبار امری، ش ۱ و ۲ (اردیبهشت و خرداد)، ۱۳۳۳، صفحات اولیه)

دیدارهای سران رژیم صهیونیستی و بهائی که نقش مهمی در تسهیل و گسترش فعالیت های فرقه دارد، به همین محدود نشده، ده سال بعد در روز ۱۳۴۳/۱/۱۸ «زلمان شازار» رئیس جمهور بعدی اسرائیل نیز در رأس هیئتی از مراکز بهائیان در حیفا دیدار کرد.

مشروح این دیدار و تعبیری که بهائیان برای گزارش آن انتخاب کرده اند، میزان علایق طرفین به یکدیگر را نشان می دهد. شرح این ملاقات به نقل از نشریه ی رسمی بهائیان ایران، خواندنی است:

« حضرت ژالمان شازار رئیس جمهور اسرائیل به اتفاق خانم شان و شهردار حیفا و خانمش و جمعی دیگر از اولیای امور کشور اسرائیل در تاریخ هفتم آوریل ۱۹۶۴ از مرکز عالم بهائی به طور رسمی دیدن کردند. حضرت رئیس جمهور و همراهان از طرف اعضای بیت العدل، استقبال شده... و به این مناسبت حضرت رئیس جمهور تحیات و ادعیه ی خالصانه ی خود را برای عموم احباب بهائیان در سراسر عالم ابلاغ نمودند و چندی بعد به یادبود این دیدار یک آلبوم عکس... به مشارالیه هدیه

گردید... حضرت رئیس جمهور پس از دریافت این هدیه در ضمن نامه ای، تشکرات قلبی خود را اظهار و مجدداً پیام دوستی و حسن نیت خود را برای جامعه ی جهانی بهائی فرستادند.» ( پیشین، ص ۱۹۲ به نقل از مجله اخبار امری، ش ۲۱ (اردیبهشت و خرداد) ۱۳۳۳ صص ۶۰۷ و ۶۰۸ به نقل از مجله اخبار امری، ش ۸، آبان ۱۳۴۳، صص ۴۰۵ و ۴۰۶)

حضور رجال صهیونیستی در مراسم های مختلف بهائیان نیز چشمگیر است . برای مثال در روز سه شنبه ۱۳۸۰/۳/۱ در سالروز رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) سران رژیم صهیونیستی به مناسبت افتتاح ساختمانی عظیم ( ۲۵۰ میلیون دلاری) در ارتفاع «کرمل» به عنوان پایگاه جهانی بهائیت، جشن گرفتند.

ساخت این مجموعه ی ۲۵۰ میلیون دلاری با حمایت مستقیم «اسحاق رابین» ( Issac Rabin ) نخست وزیر وقت اسرائیل از ۱۳۷۲ آغاز شده بود.

نکته ی قابل توجه ، دعوت گسترده از خبرنگاران رادیو- تلویزیون های جهان برای پوشش خبری این مراسم بود. ارکستر سمفونیک اسرائیل در این مراسم حاضران را که در میان آنها مسئولان سیاسی، اقتصادی و امنیتی صهیونیست ها و حتی برخی چهره های شناخته شده ی بهائیت در آمریکا و اروپا نیز دیده می شدند، جهت دعا و نیایش همراهی می کرد.

از جمله محورهایی که گردانندگان مراسم، خواستار نشر آن از طریق خبرنگاران بودند این مطلب بود: «دولت اسرائیل با نهایت افتخار می تواند میزبان همه ی بهائیان جهان، علی الخصوص بهائیان ساکن در کشورهای اسلامی باشد.» ( حامد فرهادی بهائیت در دامن صهیونیسم، سایت موعود، آبان ۱۳۸۹، [www.mouood.com](http://www.mouood.com))

همچنین یک ضیافت رسمی در اورشلیم از جانب مرکز روحانی جامعه ی بهائی و با حضور بیش از دویست تن از شخصیت های اجتماعی، دینی ، علمی و سیاسی اسرائیل، بلند پایگان ادیان شناخته شده در اسرائیل و شخصیت های عربی در یکی از زیباترین هتل های پایتخت اسرائیل برگزار گردید.

«پرزیدنت پرس» ( President Press) که همیشه در طول سال های خدمات اجتماعی خود به نیازهای مرکز جهانی بهاء در حیفا و اماکن دیگر توجه ویژه نشان داده بود، در پیامی که برای جشن نوروزی بهائیان فرستاد به این درستی اشاره کرد و پیوستن اماکن مقدس بهائی به فهرست میراث فرهنگی جهانی را شادباش گفت.

«یهود اولمرت» ( Ehud Olmert ) نخست وزیر نیز پیغامی برای این همایش نوروزی فرستاد و سال نو را به جامعه ی بهائیان سراسر جهان شادباش گفت و از مناسبات همکاری بین مرکز جهانی بهائی و کشور اسرائیل که بر اصول احترام مقابل استوار است، ابراز خشنودی کرد.

«مئیر شیتريت» - وزیر کشور - که میهمان برجسته ی جشن نوروزی (۱۳۸۸/۱/۳ - ۲۳ مارس ۲۰۰۹ بود، در سخنرانی خود گفت: «اسرائیل متعهد است آزادی همه ی ادیان را حفظ کند و بهائیان از این قاعده مستثنا نیستند و آنها نیز همانند دیگر ادیان و فرقه های مسیحی و اسلامی وادیان دیگر از آزادی کامل برخوردارند و مورد حمایت قرار می گیرند. (دالیا کهن امین، گزارش دالیا کهن امین، اورشلیم، وبلاگ بهائی اسرئیل، خرداد ۱۳۸۹، [www.bahai.blogfa.com](http://www.bahai.blogfa.com))

همچنین به گزارش نشریه ی رسمی بهائیان ایران، در ماه جولای ۱۹۶۰ (تیرماه ۱۳۳۹ ش) تعداد هفده هزار نفر از ساختمان بهائیان در آمریکا بازدید کردند، در این گزارش به عنوان چهره های سرشناس بازدیدکننده، از «موشه انتریونی» ساکن اسرئیل و «نماینده دولت اسرئیل برای شرکت در یک کمیته ی اداری» نیز نامبرده می شود. (پویا شکیب، بهائیت و اسرئیل، بیوند دیرین و فزاینده، ص ۶۰۹ به نقل از اخبار امری، ش ۴ و ۳، ۱۳۴۰ ص ۱۷۸)

در شهریور ۱۳۸۲، شارون (Ariel Sharon) - نخست وزیر رژیم صهیونیستی و قصاب صبرا و شتیلا - (Sabra and Shatila) اردوگاه فلسطینی که توسط نیروهای مهاجم اسرئیلی (۱۸ سپتامبر ۱۹۸۲) به خاک و خون کشیده شد. - در سفر هند از مرکز بهائیان در دهلی (نیلوفر آبی) دیدار کرد. (احمد اللهیاری، بهائیان در عصر پهلوی، ص ۲۳۹، منیره فتاحی اردکانی، پرورش یافته در دامان صهیونیسم ص ۸۳ به نقل از مهرداد صفا، افعی در هند، روزنامه جام جم، ۱۳۸۳/۲/۱۷، ص ۸)

بهائیان آمریکا برای غرس نوعی «گل سرخ به نام» ماریان آندرسون» (Mariyan Anderson Flowers) در محوطه ی ساختمان مرکزی خود در آن کشور مراسمی برگزار کردند. در این مراسم جمعی از شخصیت ها از جمله «جاکوب بارمور» (Jacob Barmore) ژنرال کنسول اسرئیل حضور داشت و به ایراد سخن پرداخت. آقای بارمور در ضمن بیانات خود آرزو که گل سرخ ماریان اندرسون به زودی در مقامات مقدسه ی بهائی در جبل کرمل نیز که شهرت جهانی یافته اند، غرس شود. (پویا شکیب، پیشین، ص ۶۱۰، به نقل از اخبار امری، ش ۸ و ۹ (آبان و آذر) ۱۳۴۲، ص ۵۰۵)

در ابتدای سال ۱۳۹۰ ش نیز بازسازی معبد طلایی بهائی ها در شهر حیفا در شمال اسرئیل با ده ها میلیون دلار هزینه به اتمام رسید و سرانجام پس از سه سال افتتاح شد.

پایگاه خبری اسرئیل «پانت» (Panet) گزارش کرد که مراسم افتتاح ساختمان «باب» در هتل «کولونی» در حیفا در خیابات بن گوریون و با حضور مقام های رسمی، دینی و سیاسی و شماری از پیروان بهائیت که از نقاط مختلف وارد خاک فلسطین اشغالی شده بودند، برگزار گردید.

این پایگاه خبری به نام وهویت مقامات سیاسی اسرئیلی که در این مراسم حضور پیدا کردند، اشاره ای نمود. «یونا یاهفن» (Yona Yahaf) شهردار حیفا، با حضور در این مراسم، این مناسبت را به پیروان این فرقه ی ضاله تبریک گفت و افزود: «گنبد معبد، از آثار مهم شهر حیفا و نماد این شهر خواهد بود.» (افتتاح معبد بهائی ها در اسرئیل با حضور مقامات سیاسی، (۱۳۹۰/۲/۲۸) سایت خبرگزاری فارس، فروردین ۱۳۹۰، [www.farsnews.net](http://www.farsnews.net))

در بسیاری از مراسم بهائیان، مأموران عالی رتبه و دولتمردان کشورهای دیگر مثل آمریکا، انگلیس، اوگاندا (کشوری در شمال قسمت مرکزی آفریقا و جنوب سودان. رک: علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۸، ص ۵۰۱) و کشورهای دیگر شرکت می کنند. ملکه ی انگلستان نیز در بسیاری از مراسم های نماینده ی ویژه خود را می فرستد. (رک: علیرضا روز بهانی بروجردی، در جستجوی حقیقت، صص ۲۲۰-۲۲۲)

ج) همدردی، تسلیت و شرکت در مراسم تشییع رهبران بهائیت

-عباس افندی

پس از مرگ عباس افندی (۱۳۰۰ ش) مأموران سفارتخانه ها و کنسولگری های انگلستان در کشورها خاورمیانه، با بهائیان اظهار همدردی و خود را در عزای بهائیان شریک دانسته و با صدور تلگراف و ارسال نامه هایی تسلیم خویش را ابلاغ داشتند و نسبت به این مرگ، اظهار تأسف و همدردی کردند.

شوقی افندی در کتاب «قرن بدیع» می نویسد:

«وزیر مستعمرات حکومت اعلیحضرت پادشاه انگلستان «مستر وینستون چرچیل» به مجرد انتشار این خبر، پیامی تلگرافی به مندوب سامی فلسطین «سر هربرت ساموئل» صادر و از معظم له تقاضا نمود، مراتب همدردی و تسلیت حکومت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را به جامعه ی بهائی ابلاغ نماید. مندوب سامی مصر [کمیسر عالی مصر] و «یکونت آلنبی [همان کسی که از طرف دولت انگلستان مأمور اعطای لقب سِر به عبدالبهاء بود]. نیز مراتب تعزیت و تسلیت خویش را به وسیله ی مندوب سامی فلسطین، بدین مضمون اعلام نمود. به بازماندگان فقید سِر عبدالبهاء عباس افندی و جامعه ی بهائی تسلیت صمیمانه ی مرا به مناسبت فقدان قائد جلیل القدرشان ابلاغ نماید.» (بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۵۵۵، محمود صدری، دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ص ۷۴۰؛ سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۶۴۹، حسن مصطفوی، محاکمه و بررسی در تاریخ، عقاید و احکام باب و بهاء، ج ۳، ص ۳۰۹، سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۲۲۶، به نقل از شوقی افندی، قرن بدیع، ج ۳، ص ۲ صص ۳۲۱-۳۲۳)

آواره -مستبصر بهائی و آیتی بعدی- در کتاب «کواکب الدیه، فی مآثر البهائیه» به شرکت ساموئل با «اجزاء» و حواشی خود، و نیز «حاکم مقاطعة فینیقیا حضرت مستر سایمس (Mr.sayms) و قونسول های دول و رؤسای روحانی از عموم طوایف اسلام و مسیحی و اسرائیل» در تشییع جنازه ی عباس افندی تصریح دارد. (سید محمد باقر نجفی، پیشین، ص ۶۵۰، علی احمدی خواه، دوستان «انگلو- صهیون» عباس افندی، ص ۴۳۲ به نقل از کواکب الدریه، ج ۲، ص ۳۰۷)

به گزارش نشریه ی بهائیان ( اخبار امری) ساموئل، شب پیش از مراسم «با اتومبیل از اورشلیم به حیفا آمده بود تا در تشییع جنازه شرکت کند.» ( علی احمدی خواه، پیشین، ص ۴۳۲، به نقل از اخبار امری، ش ۱۴، ۱۳۵۵، ص ۴۱۸)

دکتر فلوریان کروگ- (Florian Krug) - پزشک بهائی آمریکایی - که در مراسم تشییع جنازه حضور داشته در نامه ی مورخ هشتم ژانویه ی ۱۹۲۲ می نویسد:

« مراسم تشییع جنازه روز سه شنبه برگزار شد و بیش از پنج هزار از جمله کلیه ی رجال برجسته مانند سر هربرت ساموئل - کمیسر عالی فلسطین و حاکم اورشلیم - سررونالد استورز و کارمندان ایشان که شب قبل با اتومبیل از اورشلیم به حیفا آمده بودند، حاکم حیفا و سایرین در تشییع جنازه شرکت کردند.» ( همان به نقل از اخبار امری، ش ۱۴، ۱۳۵۵، ص ۴۱۹)

اخبار امری ضمن نقل این مطلب می افزاید که پس از انتقال جنازه به آرامگاه نعش عباس افندی را بر روی میزی قرار دادند و رجال دینی حیفا ( اعم از مسیحی، یهودی و مسلمان ) به اظهار تسلیت پرداختند. سپس ساموئل «قدم پیش نهاد و با نهایت احترام و تعظیم در حالی که روبه « مرقد باب « داشت در کنار» جنازه «بایستاد و آخرین تودیع خویش را نسبت به هیکل اقدس به عمل آورد و سایر اجزاء حکومت نیز به همین قرار اظهار ادب و احترام نمودند...» ( علی احمدی خواه، دوستان «انگلو - صهیون» عباس افندی، ص ۱۱۷، به نقل از اخبار امری، ش ۱۴، ۱۳۵۵، ص ۴۲۹)

«سر رونالد استورز» نیز به همراه ساموئل در تشییع جنازه ی عباس افندی ( ۱۹۲۱ م) شرکت جست ، او در خاطره ی خود می گوید:

« آخرین مراتب خضوع و احترام خود را با قلبی محزون در پیشگاه آن حضرت در سال ۱۹۲۱ یعنی در موقعی که به اتفاق سرهربرت ساموئل در تشییع جنازه ی ایشان شرکت داشتم، تقدیم نمودم. ما در رأس مشایعین که جمعیتی مرکب از کلیه ی مذاهب و ادیان بود، سرایشی کوه کرمل را با قدم آهسته بالا رفتیم و این درجه اظهار تأسف و احترام مشترک نفوس با رعایت سادگی فوق العاده ی تشریفات در خاطر من کاملاً بی سابقه بود.» ( سید محمد باقر نجفی، بهائیان، صص ۶۵۰ و ۶۵۱؛ بهرام افراسیاتی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۵۵۸ به نقل از مجله اخبار امری، ارگان محفل ملی بهائیان ایران، ش ۷ و ۸ آبان و آذر ۱۳۲۴، ص ۷)

#### -شوقی افندی

هنگامی که شوقی افندی، آخرین رهبر بهائیان در لندن از دنیا رفت و قرار شد در همان شهر دفن شود، دولت اسرائیل به سفارت خود در انگلستان دستور داد در این مراسم حضور فعالانه داشته باشد. لذا درغیاب سفیر کبیر اسرائیل در لندن، کاردار سفارت به نام «گیرشون اونر» ( Gershon Ovner) در مراسم تشییع شرکت جست. ( پویا شکیبا، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده ، صص ۶۰۸ و ۶۰۹ به نقل از آهنگ بدیع، ش ۸-۱۰، ۱۳۳۹، ص ۲۶۳)

به نوشته ی منابع بهائی، در طول مراسم تشییع و تدفین، کاردار اسرائیل همچون یک صاحب عزا با قدم آهسته و گردنی خمیده ، پا به پای سران بهائیت حضور داشت و از چهره اش غم و تأثر می بارید. (پویا شکیبا، بهائیت و اسرائیل ، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۶۰۹ به نقل از آهنگ بدیع، ش ۸-۱۰، ۱۳۳۹، ص ۲۶۸)

-روحیه ماکسول

روحیه ماکسول- بیوه ی شوقی افندی، در ۹۰ سالگی در ۱۹ ژانویه در ۱۹ ژانویه سال ۲۰۰۰ در خانه ای در شهر حیفا ی فلسطین اشغالی درگذشت و در همان جا دفن شد. نکته ی جالب، حضور نمایندگان ارشد دولت اسرائیل و سایر دول غربی در مراسم تشییع جنازه ی وی می باشد:

افرادی همچون «آریل کنت» ( Ariel Kent ) از وزارت خارجه ی اسرائیل، «دکتر رومن برونفمان» ( Roman Bronfman ) عضو پارلمان اسرائیل، «امرام میتزنا» ( Amram Mitzna ) شهردار حیفا، « شمرا یا هوبیران» ( Chimraya Hubieran ) شهردار عکا، «نسیم دانا» نماینده ی وزارت امور مذهبی اسرائیل به نمایندگی از هیئت دولت اسرائیل «خانم مارشا وون دورکهایم» ( Marsha Von Durckheim ) کنسول جنرال سفارت آمریکا، «کریس گرین شیله» ( Chris Greene Chile ) رایزن ارشد سفارت کانادا وده ها نفر از نمایندگان سفارخانه ی دول غربی. فرهادفاضلی واحد رهدار، امپریالیسم آمریکا و بهائیت، پیوند دیرین وهمه جانبه، ص ۵۷، شرکت نمایندگان رسمی اسرائیل و آمریکا در مراسم تشییع جنازه همسر شوقی افندی ،وبلاگ بهائیت واسرائیل ، خرداد ۱۳۸۹، [blogfa.com](http://blogfa.com) ( [www.bahai-israel](http://www.bahai-israel) )

فصل سوم:

### امکانات ویژه و حمایت از بهائیان در سرزمین اشغالی

وقتی رهبران بهائیان در مواضع مختلف سرسپردگی خود را به صهیونیست ها نشان می دهند و به طور کامل از آنها حمایت کرده و هر نوع خدماتی به صهیونیست ها انجام می دهند، پس این انتظار می رود که به پاس خدماتشان، دولت اسرائیل نیز امکانات ویژه در اختیار آنها قرار داده و سرزمین های اشغالی را به مأمّن و پناهگاهی برای آنها تبدیل کند.

این نکته در سخنان رهبران بهائیت نیز مشخص است. مثلا شوقی افندی می گوید: «دولت اسرائیل، وسایل راحتی ما را فراهم کرد.» ( سایه روشن های بهائیت در ایران، ص ۱۲۵، کریم حق پرست، بهائیت، پیوند با بیگانه، خصومت با ملت، ص ۲۱، به نقل از اخبار امری، ش ۸، سال ۱۰۷، بدیع، ص ۲)

اسرائیل حمایت های خود را به صورت آشکار و به گونه های مختلف از بهائیان نشان داده؛ آزادی فعالیت بهائیان، معافیت از گمرک و مالیات، رسمیت دادن به بهائیت به عنوان دین و ... که در اینجا با توجه به اسناد بهائیان، گوشه ای از آنها را بر می شماریم.

الف) به رسمیت شناختن دیانت بهائی

هیئت بین المللی بهائی ( جنین بیت العدل ) در نامه ای که اول ژوئیه ی ۱۹۵۲ ( ۱۳۳۱/۴/۱۰ ) برای محفل بهائیان ایران ارسال کرد، این چنین گفته: « روابط حکومت ( اسرائیل ) با حضرت ولی امر ( شوقی افندی ) و هیئت بین المللی بهائی، دوستانه و صمیمانه است و فی الحقیقه جای بسی خوش وقتی است که راجع به شناسایی امر ( بهائیت ) در ارض اقدس ( فلسطین ) موفقیت هایی حاصل گردیده است » ( سید محمد باقر نجفی ، بهائیان ، ص ۶۷۱ ؛ علیرضا روزبهانی بروجردی ، در جستجوی حقیقت ، ص ۲۲۷ به نقل از مجله اخبار امری ، ارگان رسمی بهائیان ایران ، ش ۵ ، شهریور ۱۳۳۱ ش ، ص ۱۶ )

رئین در این خصوص می گوید:

« یکی دیگر از مظاهر دشمنی دیرین یهودیان نسبت به مسلمانان این بود که هر نیروی ضد اسلامی را مورد حمایت قرار می دادند ، مخصوصا که سرزمین اسرائیل در محاصره ی کشورهای اسلامی قرار داشت و شاید به همین سبب باشد که دولت اسرائیل ، یکی از اولین و مؤثرترین حکومت هایی بود که همراه با به رسمیت شناختن مذاهب و ادیان مختلف ، مسلک بهائی را نیز به رسمیت شناخت و جزء مذاهب رسمی مملکت قرار داد . » ( اسماعیل رائین ، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی ، ص ۱۶۸ )

« پروفیسور نرمان نیویچ » ( Norman Bentwich ) دادستان اسبق حکومت فلسطین از شخصیت های صهیونیستی سیاسی و حقوقی دولت اسرائیل - بهائیت را دینی در ردیف سه دین ، یهودی ، مسیحی ، و اسلام به رسمیت شناخته و می گوید:

« اکنون فلسطین را نباید فی الحقیقه منحصرآ سرزمین سه دیانت محسوب داشت ؛ بلکه باید آن را مرکز و مقرّ چهار دیانت به شمار آورد ، زیرا امر بهائی که مرکز آن حیفا و عکاست و این دو مدینه زیارتگاه پیروان آن است ، به درجه ای از پیشرفت و تقدم نایل گشته که مقام دیانت جهانی و بین المللی را احراز نموده است و همان طور که نفوذ این آیین در سرزمین مذکور روزبه روز رو به توسعه و انتشار است ، در ایجاد حسن تفاهم و اتحاد بین المللی ادیان مختلفه ی عالم نیز عامل بسیار مؤثری به شمار می آید . » ( اسماعیل رائین ، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی ، صص ۱۶۹ و ۱۷۰ به نقل از قرن بدیع ، قسمت چهارم ، ص ۱۶۲ )

رادیو بی . بی . سی ، رادیو فرانسه ، رادیو آمریکا و رادیو اسرائیل نیز با تمام امکانات سعی می کنند تا این فرقه ، مذهبی در ردیف ادیان الهی معرفی شود .

همچنین متحدان صهیونیستی نیز تلاش می کنند ، با رسمیت دادن به بهائیت به عنوان یک دیانت به مقابله با اسلام بپردازند . به عنوان نمونه برخی از کشورهای اروپایی و امریکایی ، اقدام به چاپ و انتشار یک سری تمبر با نام معرفی



ادیان الهی کرده اند که یکی از تمبرها به فرقه ی ضاله ی بهائیت اختصاص دارد. (علیرضا محمدی، جریان شناسی بهائیت [تنظیم و نظارت] نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹. هم چنین رک : بهائیت مذهب استعمار ساخته برای مقابله با اسلام، ص ۲، سایت موعود، بهمن ۱۳۸۹، [mouood.org](http://mouood.org)

[www](http://www)

### ب) حمایت از تأسیس مراکز جهانی بهائیت در سرزمین اشغالی

قبله و بیت العدل اعظم و اماکن مقدس بهائیان در سرزمین اشغالی می باشد واز آنجا که رابطه ای صمیمانه بین رهبران بهائیت و صهیونیسم وجود دارد، لذا رژیم صهیونیستی برای تداوم این روابط و تقویت بهائیان، امکانات ویژه در اختیار بهائیان قرار داده و مراکز رسمی آنها را مورد حمایت قرار می دهد.

این حمایت حتی در زمان قیمومت انگلستان نیز وجود داشته است. به نوشته ی شوقی افندی، در آن دوران «شعبه ای به نام موقوفات بهائی در فلسطین دایر گشت» و «هر چیزی که به نام مقام متبرکه ی بهائی از اطراف عالم به اراضی مقدسه می رسید، از پرداخت عوارض مالیات معاف بودند...» (پویا شکیب، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، صص ۵۸۹ و ۵۹۰ به نقل از مجله اخبار امری، ش ۱۲، فروردین ۱۳۲۹، ص ۵۴۰ و آهنگ بدیع، ش ۳، ۱۳۳۰، ص ۵۳)

با تشکیل دولت اسرائیل روند ساخت مراکز بهائی سرعت بخشیده می شود. شوقی در تلگرافی به نقش دولت اسرائیل در تسریع مراکز بهائی اشاره می کند:

«پیدایش دولت مستقل در ارض اقدس (اسرائیل) و تمرکز و تحکیم امور اداری آیین جهان آرای حضرت بهاء الله که اولین علایم و آثار آن تشکیل شورای بین المللی بهائی و ساختمان مقام اعلی و لزوم توسعه ی اراضی اطراف روضه ی مبارکه ی جمال ابهی و مقام اعلی در کوه کرمل که برای حفظ بقاع متبرکه لازم است و اکنون بر اثر تغییرات عمده در دولت جدیدالتأسیس تملک آن میسر گردیده...»

و در پایان از محافل ملی و محلی می خواهد همکاری لازم در جهت تأمین بودجه ی ساخت و تعمیر این اماکن را فراهم آورند. (رک: بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۶۰۷ به نقل از اخبار امری، ارگان رسمی بهائیان ایران، ش ۳، تیر ۱۳۳۰)

شوقی افندی چگونگی سفر نخست وزیر اسرائیل «بن گورین» را در رابطه با منافع بهائیان، ضمن ارسال تلگرافی محرمانه در تاریخ نوزدهم آوریل ۱۹۵۲ م خطاب به محفل بهائیان آمریکا چنین اعلام داشته است:

«... و برای تاسیس و استقرار مرکز جهانی امرالله (در اسرائیل) اقدامات وسیعه به کمال سرعت به عمل آمده است. هیئت های ایادی امرالله از هر یک از قطعات عالم متوالیا تعیین گشته و پنج نفر

از آنها اکنون به ایفای وظایف در ارض اقدس مشغول اند. هیئت بین المللی بهائی توسعه یافته و اعضای عامله ی آن تعیین گردیده اند.

هنگام مسافرت رئیس الوری دولت اسرائیل به آمریکا، نمایندگان محفل ملی آمریکا با او ملاقات و مصاحبه نموده و آثار امری به او تقدیم داشته اند.

هجده قطعه اراضی به مساحت ۲۲ هزار متر مربع بروسعت اوقاف بین المللی بهائی در دامنه ی جبل کرمل اضافه گردیده است. به منظور تملک متجاوز از ۱۴۰ هزار متر مربع از اراضی واقعه در حول روضه ی مبارکه ی بهجی، عملیات مساحی از طرف دولت انجام یافته است. نقشه ی مشرق الاذکار کرمل که ابتکار رئیس هیئت بین المللی بهائی است، تکمیل و اتمام پذیرفته است.

معافیت اعتبار مقدسه از رسوم دولتی و سایر مزایایی که از طرف وزارت دارایی دولت اسرائیل اعطا شده بود، اکنون شامل بیت مبارک حضرت عبدالبهاء و مسافرخانه ی شرقی و غربی نیز گردیده است.

متعاقب مخاصمات خارجی و اغتشاشات داخلی که مدت ده سال، ارض اقدس را دچار انقلاب واضطراب نموده بود، دوباره باب زیارت ارض اقدس مفتوح گردید. ساختمان های پایه های هشت گانه که باید طبقه ی فوقانی مقام اعلی به وزن هزار تن بر آن قرار گیرد، به پایان رسیده است...» (سید محمدباقر نجفی، بهائیان، صص ۶۷۳ و ۶۷۴ به نقل از مجله اخبار امری، ارگان محفل بهائیان ایران، پلی کپی، حروف تایپ، ش ۱، اردیبهشت ۱۳۳۱)

همچنین شوقی در پیام آوریل ۱۹۵۴ م (۱۳۳۳) گوشه ای از امکانات را برمی شمرد، از جمله اینکه دولت اسرائیل شعبه های محافل ملی بهائیان بعضی کشورها نظیر (انگلیس، ایران، وکانادا) در فلسطین اشغالی را به رسمیت شناخته تا امکان فعالیت مستقل داشته باشند.

«شعبات محافل روحانیه ی ملیه ی جزایر بریتانیا و ایران و کانادا و استرالیا بر طبق قوانین ومقررات جاریه در اسرائیل تأسیس و از طرف اولیای کشوری آن دولت رسماً به سمت جامعه های دیانتی شناخته شد و به آنان اجازه و اختیار داده شده است که در هر نقطه از کشور اسرائیل، اموال غیر معقول را بلامانع به نمایندگی از طرف محافل متبوعه ی خویش ثبت نمایند.»

وی سپس مطالبی بیان کرد که نشان دهنده ی آن است که شاید رژیم صهیونیستی برای هیچ گروه دیگری این قدر اهتمام نورزیده است و این از ارزش و اهمیت بهائیت برای انان حکایت دارد.

«با رئیس جمهور اسرائیل و نخست وزیر و پنج تن از وزرای کابینه و همچنین رئیس پارلمان آن کشور تماس و ارتباط حاصل گردید و در نتیجه اداره ی مخصوصی به نام اداره ی بهائی در وزارت ادیان تأسیس گردید و وزیر ادیان، بیانات رسمی در پارلمان ایراد [کرد] و جنبه ی بین المللی امر و اهمیت مرکز جهان بهائی را تصریح نمود و بر اثر این جریانات، رئیس جمهور اسرائیل مصمم گردید در اوایل عید رضوان ( بهائیان ۱۲ روز از ایام اقامت بهاء الله را در باغ نجیب پاشا (بغداد) که پیش از تبعید به اسلامبول بوده، بنام عید رضوان جشن می گیرند و آن ایام) از سی و دوم عید نوروز به بعد) را ایام بعثت بهاء الله می دانند. رک: محمد مردانی، خارج شدگان از صراط مستقیم، ج ۱، ص ۱۵۶) رسماً مقام مقدس اعلی را زیارت نماید.» ( پویا شکبیا، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، صص ۵۹۴ و ۵۹۵ به نقل از اخبار امری، ش ۵۴، سال ۱۳۳۳، صص ۲-۵)

به تدریج نتایج ملاقات های سیاسی، جنبه های ملموس و عینی خود را نشان داد. یکی از نزدیکان شوقی پس از ذکر حمایت های حاکم انگلیسی فلسطین از بهائیان در دوران قیومیت، به عنایات صهیونیست ها اشاره کرده و می گوید: «الان هم دولت اسرائیل همان روش را اتخاذ کرده و دستور رسمی داده شده است که از کلیه ی عوارض و مالیات ها معاف باشند.» ( پیشین، ص ۵۹۵ به نقل از اخبار امری، ش ۱۲، فروردین ۱۳۲۹، ص ۵۴۰)

این حمایت ها تنها به اینجا محدود نمی شود، بلکه «موقوفات بهائی در ارض اقدس از رسومات دولتی معارف و این معافیت بعداً شامل بیت مبارک حضرت عبداله‌بهاء و مسافرخانه ی شرقی و غربی نیز گردید... عقد نامه ی بهائی به رسمیت شناخته شد، وزارت ادیان، قصر مزرعه را تسلیم نمود و وزارت معارف اسرائیل، ایام متبرکه ی بهائی را به رسمیت شناخت.» ( پیشین، به نقل از سالنامه جوانان بهائی ایران، ج ۳، ۱۰۸ و ۱۰۹ بدیع (۱۳۳۱ - ۱۳۳۰) ش) ص ۱۳۰) گفتنی است که حکومت اسرائیل قصر مزرعه را برای سازمان های دیگری در نظر گرفته بود، اما با پیگیری های شوقی و مراجعه ی مستقیم اش به رؤسای حکومت اسرائیل، به این فرقه اختصاص یافت. ( پیشین، به نقل از آهنگ بدیع، سال ۱۳۳۹، ش ۸-۱۰ (ویژه نامه شوقی افندی، ص ۲۱۹)

با وجود نیاز دولت اسرائیل به کمک های مالی و در پی جمع آوری اعانات مختلف از یهودیان و دولت های اروپای آن قدر بهائیان برای صهیونیست ها ارزش داشتند که تمام مصالح ساختمانی گران قیمت بهائیان را که از ایتالیا برای ساختن مقبره ی باب و دیگر ساختمان های مقرر بهائین به حیفا و عکا وارد می شود، از تمام گمرک های سرسام آور معارف کنند. مجله ی اخبار امری می نویسد: «دولت اسرائیل برای مصالح ساختمانی مقام اعلی، گمرک نمی گیرد.» ( علیرضا روز بهائی بروجردی، در جستجوی حقیقت، صص ۲۲۹ و ۲۳۰ به نقل از مجله اخبار امری، ش ۵، ۱۳۳۰ ش، ص ۱۱) ستون دوم)

رژیم صهیونیستی علاوه بر به رسمیت شناختن بهائیت، اجازه ی ساخت مشرق الاذکار را نیز به بهائیان داده است. «موقوفات بین المللی بهائی بر صفحه ی جبل کرمل با امضای قرار دادی با مقامات اسرائیلی برای ابتیاع قطعه زمینی به

مساحت ۳۶ هزار متر مربع واقع در رأس جبل کرمل جنب غار ایلیا به مقدار زیاد افزایش یافته. همچنین با تملک نقطه ای که به قدوم مبارک حضرت بهاء الله متبرک و محل نزول لوح کرمل بود، به قیمت ۱۰۸ هزار دلار خریداری گردید و قرار شد اولین مشرق الاذکار ارضی قدس بر آن ساخته شود.» (دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، سایه روشن های بهائیت در ایران، صص ۱۳۲ و ۱۳۳ به نقل از عباس افندی، قرن بدیع، ج ۲، چاپ مصر، صص ۲۳۰ و ۲۳۱)

همچنین اخبار امری در نامه ای، مژده ای به رسمیت شناخته شدن محفل ملی بهائیان ایران در اسرائیل را می دهد:

« محفل روحانی ملی بهائیان ایران در خاک اسرائیل به رسمیت شناخته شد و شعبه ی آن نیز تأسیس و تسجیل گشته و شخصیت حقوقی یافته است. به قسمی که الان می توان به نام محفل ملی ایران رسماً و قانوناً ضیاع و عقار و املاک و مستقات ابتیاع نمود و هیکل مبارک وعده فرموده اند که قریباً اراضی محفظه ی آثار بین الملل ارض اقدس به نام شعبه ی محفل ملی ایران منتقل خواهد گردید...» (بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۶۱۹، به نقل از مجله اخبار امری، ش ۱۰ و ۱۱ و ۱۲، بهمن، اسفند و فروردین ۱۳۳۲-۱۳۳۳)

در شرایطی که اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس) سرزمین اجدادی و ملک مسلمانان را به رسمیت نمی شناسد و با زور و قوه آنها را تصاحب می کند، توافق دولت اسرائیل مبنی بر بسط موقعیت و گسترش اراضی اماکن بهائیان در اسرائیل، به دلیل سیاست صهیونیسم برای تقویت بهائیان و تأسیسات آنها جهت گسترش همکاری و اقدامات خاصه ی آنها می باشد و در مقابل، سرسپردگی و حمایت بهائیان از صهیونیسم، چنین مساعدت هایی از جانب صهیونیسم امری ضروری می باشد.

### ج) دادگاه های اسرائیل، مددکار شوقی ربانی

در طول سال های مدید پس از مرگ حسینعلی بهاء گروه های بهائی مخالف عباس افندی (که بعداً مخالفان شوقی نیز بدان اضافه شدند) در فلسطین حضور داشتند که عباس و شوقی را مستحق رهبری فرقه نمی دانستند. اینان (ناقصین) طرفداران محمد علی (برادر عباس افندی) و مدعی جانشینی بهاء) مدت ها بر اماکن بهائی در فلسطین تسلط داشته و اسباب رنج و دردسر برای شوقی بودند. (رک: پویا شکیب، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۵۹۶)

از طرفی آنها (ناقصین) غالباً مردمی بی سیاست و افرادی نافذ روابط پنهانی با انگلستان و صهیونیسم بودند که پس از تشکیل دولت اسرائیل، مأموران اسرائیلی نظر خوبی به آنها نداشتند. (سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۶۷۷) لذا دولت اسرائیل به محض تأسیس، از جناح شوقی حمایت کرد و از مخالفان وی خلع ید نمود.

شوقی در نامه ی یازدهم ژوئن ۱۹۵۲ م به محفل ملی بهائیان ایران، بشارت هایی می دهد:

«به مناسبت شصتمین سال صعود حضرت بهاء الله دو بشارت ذیل به وسیله ی محافل روحانیه ی ملیه به قطبه ی یاران در سراسر عالم بهائی ابلاغ می گردد؛ یکی پیشرفت سریع مشروع مجللی

که در قلب جبل کرمل در جریان است و دیگری سقوط واضمحلال مستمر بقیه ی ناقضین میثاق که هنوز به کمال جسارت در مقابل قوای غالبه ی جامعه ی بهائی در عالم مخالفت می ورزند.»

سپس اشاره می کند که ناقضین از حوادث ۶۰ ساله گذشته درس عبرت نگرفته و وکیل گرفته و در برابر بهائیان که « خانه ی مخروبه ای در جوار روضه ی مبارکه را منهدم کرده اند، اعتراض کرده و به دولت اسرائیل شکایت برده اند.» دولت اسرائیل صلاحیت محکمه ی کشوری را در رسیدگی به این موضوع رد کرد و آنها نیز «تهدید نمودند که از رأی دولت به محکمه ی عالی استیناف خواهند داد و در نتیجه موجبات عصبانیت اولیای امور را فراهم ساختند.» در این هنگام شوقی وارد عمل شده و به نخست وزیر و وزیر امور خارجه ی دولت اسرائیل مراجعه می کند و مأموران مزبور «اجازه ی تخریب آن بناهای ویران را صادر کردند.»

شوقی در ادامه می گوید: «این اقدام سخیف ناقضین که ناشی از عناد و خصومت شدید و جاهلانه بود سبب شد که از مزایایی که طی مدت ۶۰ سال در ایام متبرکه ی بهائی از آن استفاده می کردند، به کلی محروم گشتند.» ( رک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، صص ۶۷۷ - ۶۷۹؛ پویا شکیب، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۵۹۶ به نقل از مجله اخبار امری، ارگان محفل بهائیان ایران، ش ۳ و ۲ خرداد و تیر ۱۳۳۱ ش.)

وقتی رژیم اشغالگر فلسطین پایش را کنار کشید و به شوقی چراغ سبز نشان داد، او نیز از اقدامات خشونت بار نسبت به رقیبان دریغ نکرد. از جمله اینکه «در جنب روضه ی مبارکه در سمت مشرق نیز دکان آهنگری وجود داشت که متعلق به یکی از ناقضین و محل کار او بود، برطبق دستور هیکل مبارک، دکان مزبور نیز خراب گردید و اصطبل قدیمی آن از میان برداشته شد.» ( رک: سید محمد باقر نجفی، پیشین، صص ۶۷۹ و ۶۸۰، به نقل از مجله اخبار امری، ارگان محفل بهائیان ایران، ش ۴، مرداد ۱۳۳۱ ه ش)

دکتر لطف الله حکیم - منشی شرقی اولین شورای بین المللی بهائی - طی نامه ای در اواخر ژوئن ۱۹۵۲ به منشی محفل ملی بهائیان ایران، جریان خرابه ی ناقضین و اعتراض آنها را بیان می کند: «خلاصه الکلام دولت اسرائیل بالنتیجه امر صریح بر حقانیت اهل بهاء صادر و ناقضین پرکین را محکوم می نماید و لهذا بدون درنگ آن مخروبه به امر هیکل مبارک منهدم می شود و بعد از دور روز اثری از آن باقی نمی ماند... و سپس به باغ زیبایی تبدیل می شود...» ( سید محمد باقر نجفی، پیشین، ص ۶۸۴ پویا شکیب، پیشین، ص ۵۹۷ به نقل از مجله اخبار امری، ش ۵ (شهریور ماه) سال ۱۳۳۱)

شوقی افندی در تلگراف پانزدهم دسامبر ۱۹۵۱ م صریحا به حمایت دولت اسرائیل در خصوص منازعات وی با مخالفانش برسر اموال غیر منقول موجود در اسرائیل اشاره و برای اطلاع محفل ملی بهائیان ایران می گوید:

«به یاران بشارت دهید که پس از مدتی بیش از پنجاه سال کلیدهای قصر مزرعه توسط اولیای حکومت اسرائیل تسلیم گردید، این مکان مقدس تاریخی که حضرت بهاء الله پس از خروج از سجن عکا در آن اقامت فرمودند، اکنون مفروش می گردد تا هنگام افتتاح، باب تشرّف برای زیارت زائرین

مهیا باشد...» ( سید محمد باقر نجفی، پیشین، ص ۶۸۰، به نقل از مجله اخبار امری، ارگان محفل بهائیان ایران، ش ۹ و ۸، آذر و دی ۱۳۲۹ ش)

با حمایت کامل اسرائیل، شوقی امتیازهای گوناگونی گرفته و بر مخالفان خویش فایق می آید: «قصر مبارک حضرت بهاء الله... را از دست ناقضین عهد... میرزا محمد علی خارج و آن را تبدیل به موزه و مکانی مقدس فرمودند، جمیع املاک و متعلقات بهائی را از پرداخت مالیات بلدی و حکومتی معاف فرمودند. ازدواج بهائی را به عنوان نکاح قانونی سناساندند و حقیقت، عمومیت و جامعیت امر بهائی را نخست به تصدیق حکومت بریتانیا و سپس به نحوی محکم تر به تصویب دولت اسرائیل رسانید...» ( پویا شکیبیا، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۵۹۷ به نقل از آهنگ بدیع، ش ۱۰ و ۸ (ویژه نامه شوقی) ۱۳۳۹، ص ۲۱۹)

هیئت بین المللی بهائی حيفا در نامه ای خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان ایران در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۵۲ م شرح جامعی از دعاوی و مخالفت های مخالفان شوقی افندی و نقش و حمایت دولت اسرائیل از شوقی بیان کرده و حتی اشاره می کند که خرید زمین مقابل مسافر خانه و بیت عبدالبهاء به دلیل وساطت شهردار حيفا، کمتر از قیمت اصلی خرید شده و در ادامه نیز می گوید: که مصالح ساختمانی مقام اعلی، عوارض سنگینی به آنها تعلق می گرفته که دولت با حسن نظر و روح همکاری به بهائیان تخفیف داده است... ( رک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، صص ۶۸۱-۶۹۰ به نقل از مجله اخبار امری، ارگان محفل بهائیان ایران، ش ۵، شهریور ۱۳۳۱)

سایر موارد اختلاف بین شاخه های مختلف فرقه نیز با «توصیه ی مسئولان اسرائیلی، یک به یک به نفع جناب شوقی حل گشت و شوقی از اینکه در مسیر پیروزی بررقبا به حمایت ها و « به توصیه ی صهیونیست ها» اشاره کند، ابایی ندارد. او در نوامبر ۱۹۵۴ طی پیامی به بهائیان جهان نوشت:

«بر حسب توصیه ی شهردار حيفا، وزیر مالیه حکومت اسرائیل قرار دادی امضا نمود که به موجب آن از قطعه زمینی به مساحت ۱۳۰۰ متر مربع متعلق به خواهر فرید خصوم لدود مرکز عهد و میثاق الهی ( خواهر عباس افندی که دشمن وی بود.) خلع ید قوری به عمل آید. این اقدام تاریخی، مقدمه ی آن است که به زودی سند مالکیت زمین مزبور از طرف حکومت اسرائیل به جامعه ی بهائی که حال، مشغول تأسیس و تحکیم مرکز اداری جهانی خویش در ارض اقدس می باشد، انتقال یابد.» ( پویا شکیبیا، پیشین، ص ۵۹۸، سید محمد باقر نجفی، ص ۶۹۰ به نقل از مجله اخبار امری، ارگان محفل بهائیان ایران، ش ۹ و ۸ (آذر و دی ۱۳۳۳) ص ۵)

د) فراهم کردن تسهیلات خاص رفاهی در سرزمین اشغالی

-تأسیس اداره بهائی در وزارت ادیان

شوقی در پیام آوریل ۱۹۵۴م به این مطلب اشاره می کند: « با رئیس جمهور اسرائیل ونخست وزیر و پنج تن از وزرای کابینه وهمچنین رئیس پارلمان آن کشور تماس و ارتباط حاصل گردید و وزیر ادیان، بیانات رسمی در پارلمان ایراد کرد و جنبه ی بین المللی امر واهمیت مرکز جهانی بهائی را تصریح نمود...» ( پیشین، ص ۵۹۵ به نقل از اخبار امری، ش ۴ و ۵، ۱۳۳۳، صص ۲-۵)

-به رسمیت شناختن ایام متبرکه که بهائی

-به رسمیت شناختن عقد نامه ی بهائی

در سالنامه ی جوانان بهائی ایران آمده: «... عقد نامه ی بهائی به رسمیت شناخته شد. وزارت ادیان، قصر مزرعه را تسلیم نمود ووزارت معارف اسرائیل ایام متبرکه که ی بهائی را به رسمیت شناخت.» ( پویا شکيبا، بهائیت واسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۵۹۵)

شوقی افندی نیز می گوید:

«مصدق وعده ی الهی به ابنای خلیل و وراق کلیم، ظاهر وباهر دولت اسرائیل در ارض اقدس مستقر و به روابط متینه به مرکز بین المللی جامعه ی بهائی مرتبط و به استقلال و اصالت آئین الهی مُر و معترف و به ثبت عقد نامه بهائی و معافیت کافه ی موقوفات امریه در مرج عکا و جبل کرمل ولوازم ضروریه بنای بنیان مقام اعلی از رسوم دولت و اقرار به رسمیت ایام تسعه ی ( ایام تسعه ) روزهای نه گانه) تعطیلات رسمی بهائیان است که کسب و کار در آن روزها حرام است . آن ایام که برخی به ماه و روز قمری و برخی به ماه و روز شمسی اند عبارتند از: ۱-اول محرم، تولد باب ۲-پنجم جمادی الاولی، مبعث باب ۳-بیست وهشتم شعبان، اعدام باب ۴-دوم محرم، تولد بهاء الله ۵-روز هفتادم نوروز ( ۸ خرداد) مرگ بهاء الله ۶-اول نوروز، عید صیام ۷-اول اردیبهشت. عید رضوان ۸-دوازدهم اردیبهشت، عید رضوان ۹-نهم اردیبهشت، عید رضوان. به نقل از محسن فیضی، پیر استعمار، ص ۵۰) متبرکه که ی محرّمه مؤفق و مؤید.» ( محسن فیض، پیشین، صص ۴۹ و ۵۰، بهرام، افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۵۷۳ به نقل از شوقی افندی، توقیعات مبارکه، ص ۲۹۰، آوریل ۱۹۵۲ م، تهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۵ بدیع)

-معافیت از گمرک و مالیات

همان طور که گفته شد زمین های بهائیان که مراکز بهائیان بر روی آن ساخته شد، باغ ها و ساختمان ها ومصالح و حتی هدایایی که برای مقام اعلی آورده می شود، از عوارض و مالیات معاف هستند.

## -عدم بازرسی در فرودگاه وگمرک

حمایت واطمینان فوق العاده ی اسرائیل، تنها به شوقی و سران فرقه ی ضاله محدود نمی شود، بلکه تمامی نفوس بهائی در جهان را فرا می گرفت. «عبدالله رفیعی» از بهائیان ایران که در اسفند ۱۳۳۹ به همراه جمعی از هم مسلکان خود برای دیدار از مرکز بهائیت به اسرائیل رفته، در بخشی از گزارش سفرش می نویسد: «در گمرک تل آویو همین که خود را بهائی معرفی نمودیم، با کمال احترام، بدون تفتیش ما را فوراً مرخص نمودند، در صورتی که سایرین را به دقت رسیدگی و تفتیش می نمودند.» (پویا شکیبیا، پیشین، ص ۵۹۸ به نقل از آهنگ بدیع، ش ۱۰، ۱۳۴۰، ص ۲۵۲)

آقای منصوری نیز در کتاب خود می نویسد: «بهائیان در خدمت به اسرائیل از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. در مقابل اسرائیل با بهائیت رفتاری بویژه داشت. به طوری که رفتار مأمورین اسرائیلی نسبت به افراد سازمان بهائیت، متفاوت از رفتار آن نسبت به سایر افراد وحتى خود کلیمیان اعلام می شود.»

یکی از بهائیان به نام «فریدون رامش فر» در جلسه ی هفتگی بهائیان (۱۳۴۹/۱۱/۴) در مورد دیدارش از اسرائیل گفت:

«...دولت اسرائیل آن قدر نسبت به بهائیان خوش بین است که در فرودگاه خود، احباء (بهائیان) را بازرسی نمی کند. به طوری که وقتی رئیس کاروان به پلیس اظهار می دارد، اینها بهائی هستند، حتی یک چمدان را باز نمی کند، ولی بقیه ی مسافرین و حتی کلیمی ها را بازرسی می کنند. به طوری که یک کلیمی اعتراضی کرده بود که چرا بهائیان را بازرسی نمی کنید وما را که اینجا موطن مان است، مورد بازرسی قرار می دهید.» (جواد منصوری، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۳۰ (سند ۹۰/۲))

حمایت دولت اسرائیل از بهائیان چنان بالا گرفت که به گفته یکی از بهائیان ساکن اسرائیل به نام «حسین اقبال»: «هر دستوری که حضرت ولی امرالله (شوقی افندی) بفرماید ویا هر تقاضایی بنمایند. دولت اسرائیل فوراً برآورده می نمایند ودر نتیجه ما بهائیان ساکن فلسطین به نهایت روح و ریحان زندگی می نماییم...» (پویا شکیبیا، بهائیت واسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۵۹۸ به نقل از آهنگ بدیع، ش ۱۰، ۱۳۴۰، ص ۲۵۲)

حمایت صهیونیسم از بهائیان در سرزمین اشغالی، به مراتب بیشتر از این موارد است که در اینجا فقط گوشه ای از این حمایت ها، با توجه به اسناد ونوشتجات خود بهائیان ذکر شد. این در حالی است که مردم مسلمان فلسطین از سرزمین آباء و اجدادی خویش واز خانه ها و زمین هایشان اخراج می شوند واز قطعی ترین وکمترین حقوق انسانی وقانونی محروم و زن ومرد وموچک و بزرگ، آواره ی اردوگاه ها شده ودیگر بعد از آن حق ورود به کشورشان را ندارند. برای دیدن گوشه ای از جنایات صهیونیست هادر فلسطین اشغالی رک: مجید صفاتاج، ماجرای فلسطین واسرائیل؛ مرتضی شیرودی، فلسطین و صهیونیسم). پس به راستی راز حمایت صهیونیست ها از بهائیان در چیست؟ آیا حقوق انسانی وحس بشردوستانه، آنها را به این امور وا می دارد؟! یا منفعتی که از این رابطه وحمايت عایدشان می شود؟ مسلماً نوع خدماتی



که بهائیان به صهیونیست می دهند و روابط پیدا و پنهان سران آنها با صهیونیسم ها در حمایت شان از بهائیان مؤثر است.

## فصل چهارم:

### حمایت رسانه ای صهیونیسم از بهائیت

نقش راهبردی و تأثیر گذاری وسایل ارتباط جمعی به ویژه رسانه های جهانی و همچنین ماهیت استکباری آنها براهل نظر پوشیده نیست، چرا که با گسترش ارتباطات و تبدیل کره ی زمین به دهکده ی جهانی، وضعیت عالم به شکلی درآمده که هر کس بر شبکه های اطلاعات سیطره داشته باشد بر جهان سلطه پیدا می کند ودقیقا به همین علت است که استکبار جهانی کوشیده با ایجاد رسانه های وابسته به خود یا با نفوذ در رسانه های مستقل، به تدریج سلطه ی خبری خود را به همه ی جهان دیکته کند. (ماشاءالله حشمتی ، «امپریالیسم خبری و بهائیت»، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۴۹، سال ۱۳، بهار ۱۳۸۸، ص ۶۴۱)

یهودیان ، اهمیت رسانه و تأثیر آن بر افکار عمومی جهان وشکل گیری یک قدرت نامرئی جهانی را بسیار زود دریافتند، لذا در صدد برآمدند تا با سیطره بر رسانه های جمعی واین فناوری جدید، قدرتی افزون تر از قدرت یک دولت در جهان به دست آورند. (مجید صفاتاج، صهیونیسم و رسانه، تهران، سفیر اردهال، ۱۳۸۷، ص ۱۷)

در همین راستا خاخام «راشورن» ( Rabbi Reichorn ) در سال ۱۸۶۹ م در شهر «پراگ» ( Prague ) پایتخت جمهوری چک است) در سخنرانی خود در خصوص اهتمام یهود به تبلیغات، چنین گفت: «اگر طلا نخستین ابزار ما در سیطره و حکومت بر جهان است، بی تردید مطبوعات و روزنامه نگاری، دومین ابزار کاری ما خواهد بود.» ( میر ابوالفتح دعوتی، نفوذ صهیونیسم بر مطبوعات، ص ۲۸؛ فؤاد بن عبدالرحمن الرفاعی، نفوذ صهیونیسم بر رسانه های خبری، ترجمه حسین سروقامت، تهران، کیهان، ۱۳۸۱، ص ۸)

واین درست همان کلامی است که سی سال بعد در اولین کنفرانس جامعه ی جهانی صهیونیسم در سوئیس توسط «تئودور هر تزل» گفته شد: «ما هنگامی موفق به تشکیل دولت اسرائیل خواهیم شد که به وسایل اعلام جهانی ومطبوعات عالم تسلط داشته باشیم.» ( میر ابوالفتح دعوتی، پیشین، ص ۲۸)

شهید مطهری ( رحمه الله علیه ) می گوید:

«در قرآن کریم، کلمه ی « تحریف » مخصوصا در مورد یهودی ها [ به کار رفته است. ] اینها قهرمان تحریف در جهان اند... من شنیده ام بعضی از همین خبرگزاری های معروف دنیا که رادیوها وروزنامه ها همیشه از اینها نقل می کنند، منحصرآ مال یهودی هاست، چرا؟ برای اینکه بتوانند قضا یا را در

دنیا طوری که دل خودشان می خواهد منعکس کنند و قرآن چه عجیب درباره ی اینها حرف می زند! ( مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، تهران، صدرا، ۱۳۶۸، ص ۱۳)

رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) نیز به استفاده ی دشمن ( صهیونیسم) از رسانه اشاره کرده اند: « عمده ی تبلیغات دشمن دست صهیونیست هاست . این خبرگزاری های معروفی که در دنیا هستند، اغلب شان متعلق به صهیونیست هاست. بعضی از رادیوهای معروف دنیا هم متعلق به آنهاست...» ( سخنان رهبری در هفته فروردین ۱۳۷۰، وبلاگ سینما و صهیونیسم، فروردین ۱۳۹۰، [www.cinemazion.blogfa.com](http://www.cinemazion.blogfa.com))

و این کلام و هدف در «پروتکل های دانشوران صهیون» نیز آمده است. به عنوان مثال در پروتکل دوازدهم آمده: «تمام رسانه ها که بازگوکننده ی اندیشه هاست، باید به طور کلی در دست ما باشد» .

«هیچ خبری به هیچ کجا درز پیدا نمی کند، مگر اینکه ما اجازه داده باشیم.»

«تمام کانال هایی [ رسانه ] که بازگو کننده ی اندیشه هاست، باید به طور کلی در دست ما باشد، هرگونه چاپ و انتشارات باید از آن ما باشد.»

«ادبیات و مطبوعات، مهم ترین و قدرت مند ترین ابزار آموزشی هستند. به همین دلیل حکومت ما افسار بیشتر مطبوعات را به دست خواهد گرفت و با این تدبیر ما بالاترین نیروی جهت دهنده به افکار عمومی را در اختیار خود گرفته ایم.» ( عجاج نویهض، پروتکل های دانشوران صهیون، صص ۳۰۷-۳۱۶)

علاوه بر اینها موارد متعددی از دستور العمل کنترل مطبوعات ( توسط صهیونیسم) در پروتکل ها وجود دارد ( پیشین، پروتکل های دوم، هفتم، دوازدهم، چهاردهم و پانزدهم)

بنابراین صهیونیسم به تکاپو افتاد تا برای رسیدن به هدف خود ( حکومت جهانی ) رسانه های جهان را تحت کنترل و نفوذ خود در آورد، به گونه ای که هم اکنون از پنج خبرگزاری جهان که انحصار اخبار دنیا را در دست دارند، چهار خبرگزاری متعلق به صهیونیست هاست. ( رک: مجید صفا تاج، صهیونیسم و رسانه، ص ۲۱)

خبرگزاری مهم جهان مانند رویتر ( Reuters) در انگلستان، فرانس پرس ( France Press) در فرانسه، آسوشیتدپرس ( Associated Press) و یونایتدپرس ( United Press) در آمریکا و تاس ( Dice) در روسیه و بسیاری از خبرگزاری های کشورهای دیگر. ( رک: مجید صفا تاج، پیشین، صص ۳۳-۴۰، فوادبن عبدالرحمان الرفاعی، نفوذ صهیونیسم در رسانه های خبری، صص ۱۵-۳۵)

همچنین بسیاری از روزنامه ها و مجله های مشهور ( سید هاشم میر لوحی، آمریکا بدون نقاب، ص ۱۱۷) مانند روزنامه ی نیویورک تایمز، ( New York Times) واشینگتن پست ( Washington Post) و بسیاری از شبکه های خبری و تئاتر

و سینما نیز تحت سیطره ی صهیونیسم ها قرار گرفته اند. (رک: سید هاشم میر لوحی، پیشین، فؤاد بن عبدالرحمن الرفاعی، پیشین، مجید صفاتاج، پیشین)

باید اعتراف کرد که آنان با در اختیار داشتن قدرت رسانه ها و مطبوعات به آسانی قادر هستند، افکار و مواضع مردم جهان را بر ضد یا به نفع موضوعی تحت تأثیر قرار داده و اذهان مردم را به سمت آنچه دوست دارند، سوق دهند و این گونه می توان از موافقت یا مخالفت آنان با جریان یا جنبشی، اصالت یا وابستگی آن جریان را دریافت. حال هنگامی که رسانه های صهیونیستی و رسانه های دولت های استعمار گر حامی صهیونیسم همچون انگلیس و آمریکا و فرانسه به تعریف و تمجید از بهائیت و تبلیغ این فرقه می پردازند، ماهیت استعماری و وابستگی آنها به استعمار، بیش از پیش نشان داده می شود.

#### رسانه های صهیونی و بهائیت

رسانه های رژیم صهیونی و رسانه های وابسته به آن، در کنار مسئولان و رهبران صهیونیستی، حمایت وسیع از تشکیلات بهائیت را در دستور کار خود قرار داده و به مناسبت های مختلف به شرح و تبلیغ بهائیت و تعریف و تمجید از این فرقه به اشکال گوناگون اقدام می کنند. رسانه های آمریکا، انگلیسی، فرانسه و بسیاری از کشورهای دیگر به شرح مناسبت های ویژه بهائیت، اماکن بهائیان، مصاحبه با سران محافل ملی بهائیت، گزارش از کنفرانس ها و مراسم آنها و ... می پردازند. برای اطلاع بیشتر رک: ماشاءالله حشمتی، امپریالیسم خبری و بهائیت، صص ۶۴۱-۶۴۵ که در این مجال اندک فقط به چند نمونه از حمایت رسانه های صهیونیستی رژیم اشغالگر قدس، از بهائیت اکتفا می کنیم.

بخش انگلیسی زبان رادیو اسرائیل در روز ۲۹ دسامبر ۱۹۵۲ برنامه ای درباره ی بهائیت پخش کرد و در ابتدا مجری برنامه توضیح داد که اکنون کشور اسرائیل نه تنها مرکز دیانت کلیمی، مسیحی و اسلام است، بلکه دیانت چهارمی که دیانت بهائی است، نیز مرکزش این سرزمین است.

سپس با روحیه ماکسول (همسر شوقی افندی) مصاحبه نموده و ایشان درباره ی تاریخچه ی بهائیت و سرگذشت بهاء الله و دفن اجساد رهبران بهائیت در فلسطین اشغالی توضیحاتی داد. در این برنامه سپس با لروی آیواس (منشی کل هیئت بین المللی بهائی) راجع به حدایق بهائی گفتگو شد. (رک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، صص ۷۰۴-۷۰۷: بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، صص ۶۱۵ و ۶۱۶ به نقل از مجله اخبار امری، ارگان رسمی محفل بهائیان ایران، ش ۱۳۳۲، اردیبهشت و خرداد، ۱۳۳۲ ش)

لطف الله حکیمی - بهائی یهودی تبار و عضو هیئت بین المللی بهائیان در اسرائیل - نامه ای از فلسطین اشغالی به محفل ملی بهائیان ایران نوشته که در آن به شرح انعکاس چگونگی تأسیسات مرکز جهانی بهائیت در مطبوعات اسرائیل پرداخته است:

« این ایام در اسرائیل، جراید چه به زبان عبری و چه عربی و چه انگلیسی، مقالات مفصلی راجع به دیانت بهائی و مقام اعلی درج می نمایند. ساختمان مقام اعلی، هیجان غریبی بین مردم انداخته، به طوری که همه روزه صدها نفوس از سیاحان و از اهالی اسرائیل برای زیارت آن مقام مقدس می آیند. ای کاش ممکن بود از همه ی جراید برای شما ارسال می نمودم. امروز در روزنامه ی یومیه [Jerusalem post] شرح مفصلی با عکس مقام اعلی درج شده، عجالتا این روزنامه را برای محفل مقدس روحانی ملی و محلی می فرستیم که اگر صلاح بدانند ترجمه نموده، انتشار دهند.»

سپس محفل ملی بهائیان ایران، ترجمه ی مقاله ی مذکور را که در شماره ی شانزدهم اکتبر ۱۹۵۳ در روزنامه ی «جروزالم پست» درج شده بود، برای بهائیان در مجله ی اخبار امری چاپ می نماید.» ( رک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، صص ۷۰۳-۷۰۶؛ بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، صص ۶۱۲-۶۱۵ به نقل از مجله اخبار امری، ارگان رسمی محفل ملی بهائیان ایران، ش ۷۶، مهر و آبان، ۱۳۳۲ ش)

نشریه ی هفتگی «جروزالم پست» نیز در شماره ی ۲۶ آوریل ۱۹۶۳ خود، انتخاب اولین دوره اعضای کادر مرکزی بهائیان جهان، موسوم به «بیت العل اعظم» و اسامی منتخبین و خبر حرکت آنها برای شرکت در کنفرانس لندن را رج می کند. این نشریه همچنین سکوت یک دقیقه ای بهائیان به مناسبت مرگ رئیس جمهور اسرائیل (اسحاق بن زوی) و پیام تسلیت آنان را منتشر کرده است.» ( پویا شکیبا، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، صص ۶۰۱ و ۶۰۲ به نقل از مجله اخبار امری، ش ۹۰۸ آبان و آذر ۱۳۴۲، ص ۵۰۵)

روزنامه ی انگلیسی زبان «جروزالم پست» همچنین در دو صفحه ی کامل به شرح و تفسیر کتاب «عبدالبهاء» نوشته ی حسن (موقر) بالیوزی می پردازد که مقدمه ی این مقاله نیز توسط یک بهائی به نام «بهیه آدمس» نوشته شده است.

جالب اینکه مقاله ی دیگری که توسط یک روزنامه نگار معروف اسرائیلی، پیرامون بهائیت تهیه شده بود، به همراه «عکس های جالبی» در همین شماره درج می شود و نیز بعضی از روزنامه هایی که به زبان عبری [عبری] منتشر می شود، خلاصه ای از آن را درج می کنند. (پیشین، ص ۲۰۰ به نقل از مجله اخبار امری، ش ۱، فروردین ۱۳۵۱، ص ۱۹)

بهائیان به بهانه ی مناسبت های مختلف، مراسم گوناگونی را برگزار می کنند که همین مراسم، فرصت بسیار مناسبی را برای تبلیغ در اختیار نشریات اسرائیلی قرار می دهد. مثلا به مناسبت صدمین سال ورود حسینعلی نوری (بهاء) به فلسطین در سال ۱۳۴۷، مراسمی در اسرائیل برپا شد.

به نوشته ی یکی از بهائیان ایرانی به نام خانم «فریده سبحانی» که برای حضور در این برنامه به اسرائیل سفر کرده بود، «جراید مختلف اسرائیل هر یک به نحوی با عکس و تفصیلات درباره ی این روز تاریخی و همچنین درباره ی امر جهانی بهائی به قلم فرسایی پرداختند، از جمله روزنامه ی «جروزالم پست» (در متن اصلی، پست اورشلیم) مقاله ی مشروحی... انتشار داد و روزنامه ی «استاندار» مقاله ی مشروح خود را با عنوان «پیام امیدبخش...» شروع کرد. در این گزارش اضافه

شده که به این مناسبت سازمان توریستی اسرائیل نیز چندین بار، جشن های باشکوهی در زیباترین هتل های حیفا برپا نموده است واز جمله در میهمانی دیگری مشهورترین هنرمندان اسرائیل ، سرودها و ترانه های بسیار زیبایی به افتخار دوستان بهائی خواندند.» ( پوبا شکيبا، پیشین، ص ۶۰۲ به نقل از آهنگ بدیع، ش ۸ و ۷، ۱۳۴۷، صص ۲۳۳-۲۳۵)

همچنین در مراسم جشنی که به مناسبت افتتاح ساختمان مرکزی بهائیان در حیفا برگزار شد، از خبرنگاران رادیو تلویزیون های جهان، برای پوشش خبری مراسم دعوت شده بود، گردانندگان مراسم (رژیم صهیونیستی) از خبرنگاران ، خواستار نشر مطالب مختلفی به نفع رژیم صهیونیستی و بهائیت بودند. (حامد فرهادی، بهائیت در دامن صهیونیسم)

صهیونیست ها نه تنها در رسانه های خود به حمایت از بهائیان پرداخته اند، بلکه با توجه به روابط حسنه ی بهائیت و صهیونیسم در خبرگزاری ها و شبکه های رادیویی و تلویزیونی، بهائیان را به خدمت گرفته اند، و در برخی خبرگزاری ها حتی رئیس شبکه ها نیز بهائی می باشد.

به عنوان مثال شبکه ی رادیویی فارسی زبان بی . بی . سی ( British Broadcasting Corporation) برای مقابله با تبلیغات رادیو فارسی زبان برلین آلمان و همچنین توجیه اشغالی نظامی ایران توسط نیروهای بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی، در دوم دی ۱۳۱۹، درست هشت ماه قبل از حمله ی متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ آغاز به کار کرد. نکته ی حایز اهمیت، تصدی مسئولیت «حسن موقر بالیوزی» از رهبران سرشناس بهائیت و یکی از ایادی امرالله ( رک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۳۶۵ عبدالله شهبازی، جستارهایی از تاریخ بهائی گری در ایران، ص ۱۸) در این شبکه بود. وی از اعضای خاندان افنان واز اقوام نزدیک میرزا علی محمد باب بود. او چند ماه قبل از عضویت در بی . بی . سی به عضویت مجمع ملی بهائیان «رضوان» درآمده و همچنین از نزدیک ترین مشاوران شوقی افندی و نویسنده ی حدود ده اثر در مورد بهائیت می باشد. او در هجدهم آگوست ۱۹۸۱ با روحیه ماکسول مصاحبه ای کاملاً تبلیغاتی داشته که این نمونه ای از تأثیر گذاری او در این شبکه می باشد. ( رک: گزارش «ایران» از پشت پرده تلویزیون فارسی - انگلیسی B.B.C، خرداد ۱۳۸۹، [www.iran-newspaper.com](http://www.iran-newspaper.com))

کادرسازی این فرقه از هم کیشان خود روزبه روز به نفوذ این فرقه در بی . بی . سی فارسی افزود تا آنجا که از سی عامل آن، بیش از نیمی، اعضای فرقه ی ضاله ی بهائیت هستند و این گونه این رسانه به تربیون تبلیغاتی امن این فرقه ی گمراه تبدیل شده است. نکته ی جالب اینکه غالب گزارشگران این شبکه، تنها یک رمز موفقیت دارند و آن هم خوش خدمتی به دوستان عبدالبهاء و بهائیت می باشد.

وب گاه جهانی بی . بی . سی نیز که در سال ۱۳۷۹ ش افتتاح شد به مدیریت یک نفر بهائی به نام «بهروز آفاق» اداره می شود که بعدها مدیر شبکه ی تلویزیونی بی . بی . سی فارسی شد. (محمد رضا احمدی، گزارش بهائیت، سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه یک، بخش خبری باشگاه خبرنگاران جوان تهران، ۱۳۸۸/۵/۱۲. آقا حداد عادل - رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس - نیز در گفت و گوی ویژه خبری در سال ۱۳۸۸ با اشاره به اینکه تعداد زیادی از مدیران بی . بی . سی

فارسی، بهائی هستند، افزود: «این شبکه صدای بهائیت است» رک: غلامعلی حداد عادل، نامزدها بلوغ سیاسی خود را نشان دهند، روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۳/۳۰، ص ۱۴ (اخبار کشور)

شبکه ی VOA که بخش فارسی زبان آن در آوریل ۱۹۷۹ م شروع به کار کرده، نیز مأوای بهائیان است. «احمد رضا بهارلو» که از ۲۲ نوامبر ۱۹۷۹ فعالیت خود را در این شبکه آغاز کرده، گرچه خود وی ادعا می کند بهائی نیست، اما تمایل زیادی به نزدیکی با بهائیان دارد؛ به طوری که در استخدام وگزینش همکاران فارسی، بهائیان را انتخاب می کند.

نخستین همکاران وی «رامش راسخ»، «بهروز عباسی» و «اکبر ناظمی» بودند که دو نفر نخست از بهائیان معروف در رادیو تلویزیون دوران پهلوی در ایران بودند. بعد از او «شیلا گنجی» به عنوان رئیس بخش فارسی VOA مشغول به کار می شود و بلافاصله گروهی از معروف ترین بهائیان وارد چرخه ی مدیریت صدای آمریکا می شوند، به گونه ای که کارمندان غیر بهائی اخراج یا مستعفی شده و جای آنها را چهره های شاخص تلویزیونی «صدای دوست» ارگان رسمی بهائیان در حیفا واسرائیل می گیرند. رک: حسن فانی، میدان داری رسانه ای فتنه ۸۸ با چه کسانی بود، وبلاگ خبری تحلیلی فرقه ضاله بهائیت، خرداد ۱۳۸۹، [www.bahatism-news.blogfa.com](http://www.bahatism-news.blogfa.com)

همچنین در بخش رسانه های مکتوب، برخی از نویسندگان یهودی در کتب خود به تعریف و تمجید بهائیت پرداخته و یا کتاب های بهائیان را تجدید چاپ نموده اند.

به عنوان مثال در سال ۱۸۹۹ م پس از تشکیل کنفرانس صهیونیسم واقع در سوئیس، شرق شناسان یهودی به خصوص تومانسکی، (Caphtan Toumansky) کتاب بهاء الله را منتشر نمود و در سومین کنفرانس تاریخ ادیان در آکسفورد آن را جزء مجموعه گزارش های این کنفرانس انتشار دادند.

به علاوه در سال ۱۹۰۹ م «هیبولت و رینوس» ( هیبولت دریفوس صحیح است) یهودی، کتابی در پاریس تحت عنوان «تاریخ و ارزش های اجتماعی بهائیت» منتشر کرد. (علیرضا محمدی، جریان شناسی بهائیت، ص ۵۷ به نقل از روزنامه الاتحاد، چاپ ابوظنی، ۱۳۵۴/۱۱/۲۰)

بخشی دیگر از حمایت های اسرائیل از این فرقه را می توان در خدمات توزیع نشریات بهائی منتشر شده ایران دانست، که این نشریات از طریق اسرائیل برای بهائیان در سراسر جهان ارسال می شود. مؤید این مطلب نامه ای است از یک بهائی به نام «عزت الله زهرایی» ساکن فرانسه (شهر سن کلو) که در آهنگ بدیع (از مجلات بهائیان ایران) درجه شده است. او در قسمتی از نامه می نویسد: «شماره های مجله ی زیبای شما، مرتباً از طریق ارض اقدس [اسرائیل] به اینجانب می رسد.» ( پویا شکیبیا، بهائیت واسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، صص ۶۰۲ و ۶۰۳ به نقل از آهنگ بدیع، ش ۳ و ۴، ۱۳۴۸ ص ۱۰۳)

همه ی این امور، به وضوح از هماهنگی رسانه های صهیونیستی برای تبلیغ بهائیت و حمایت از آنها حکایت دارد که این حمایت ها به همین چند موردی که ذکر شد، محدود نمی شود و لکن شرح تمام آنها نیز در این مجال اندک نمی گنجد.

## بخش چهارم:

### بهائیان و توسعه ی نفوذ رژیم صهیونیستی در ایران

بهائیان بر این تصور هستند که ایران، همان «ارض موعودی» است که باید نصیب آنها شود. (حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۳۷۵) آنان طبق نقشه ی ده ساله ی شوقی، ایران را بعد از اسرائیل، دومین سرزمین بهائیان و آن را مرکز قیام و تسخیر جهان می دانند. (روح الله حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، ص ۱۶۸ (سند ش ۱۱) لذا تمام توان خود را برای رسیدن به این خواسته به کار گرفته و به هر طریق به رشد بهائیت در ایران کمک می کنند.

از طرف با توجه به خصومت و اختلاف میان میانی شیعه به عنوان مذهب ایرانیان و صهیونیسم به عنوان ایدئولوژی یهودیان اسرائیل و موقعیت خاص ایران در منطقه، نفوذ در این کشور برای صهیونیست ها در جهت رسیدن به اهدافشان، بسیار اهمیت دارد.

در این میان از همکاری و مرادوت بهائیان ایران با دول روس، انگلیس، فرانسه و آمریکا (برای اطلاع بیشتر رک: فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۴۹ و ۵۰؛ جمعی از نویسندگان، بهائیت آن گونه که هست.) صرف نظر کرده، چرا که هر یک موضوعی جداگانه برای تحقیق و بررسی می باشد و فقط به نقشی که بهائیان در توسعه ی نفوذ رژیم صهیونیستی (البته با حمایت و همکاری آمریکا) در ایران داشته اند، پرداخته و باز هم به علت گستردگی مطلب و همچنین ذکر برخی موارد در بخش های قبل، فقط به ذکر چند نمونه طبق اسناد و مدارک و تاریخ ایران بسنده می کنیم.

با نگاهی به عملکرد و اهداف این فرقه، به وضوح روشن است که فعالیت آنها در راستای اهداف صهیونیسم و در جهت تضعیف و زدودن دین مبین اسلام، خاصه تشیع می باشد و این همدستی و صمیمیت صهیونیسم و بهائیت باعث شده که در این راه، از کمک صهیونیست ها بهره مند شده و در مقابل از هیچ نوع خدمتی برای آنها دریغ نکنند.

با توجه به اینکه انقلاب اسلامی، تأثیر شگرفی بر روند سلطه و نفوذ بهائیان در ایران گذاشت، برای بررسی خدمات بهائیان جهت نفوذ رژیم صهیونیستی در ایران، این بخش را به دو فصل بهائیان در عصر پهلوی و بهائیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تقسیم می کنیم.

## فصل اول:

## بهائیت در عصر پهلوی

از دوران قاجار تا اواخر دوران پهلوی، فرقه ی ضاله ی بهائیت همواره به عنوان عامل استعمار، در تاریخ ایران نقش آفرینی کرده و در بسیاری از حوادث و امور کشور، نقش تأثیر گذار و مخربی داشته است.

بهائیت در اواخر دوران قاجار در مشاغل مهم نفوذ کرد و با عوامل جاسوسی و نفوذی استعمار در ایران همکاری نمود و حتی در روی کارآمدن رضاخان پهلوی و کودتای ۱۲۹۹ ش نقش اساسی و مهمی داشته است. (رک: علی حقیقت جو، «پیوند عمیق و همه جانبه بهائیت با رژیم پهلوی، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۵۰، سال ۱۳، تابستان ۱۳۸۸، صص ۳۲۹-۳۴۸)

بهائیان در کنار عناصر صهیونیست و فراماسون، نقش مهمی در اجرای اوامر رضاخان بازی می کردند و در حقیقت یکی از ارکان حکومت رضاخان محسوب می شدند. (جواد منصور، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۲۴)

رضا شاه به دلیل بیگانگی با پیکره و سنن جامعه ی ایران، کسانی را در مناصب مهم دولتی می گماشت که مانند خود او بیگانه یا معارض با این بافت بودند. بدین سان افراد وابسته به گروه های دینی خاص به ویژه بابی ها و بهائی ها را در اداره ی دیوان سالاری به کار گماشت که به سرعت به قدرت برتر سیاسی و اقتصادی ایران تبدیل شدند. (عبدالله شهبازی، زرسالار یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۷۸)

سید کاظم موسوی - محقق و پژوهش گر تاریخ معاصر ایران - معتقد است، رضاخان برای به دست گرفتن سلطنت و قدرت از حمایت یک مثلث برخوردار بود که سه ضلع آن یهود در لباس انگلیسی ها، فراماسونرها در لباس روشنفکری و ضلع سوم آن بهائیت است. (سید کاظم موسوی، گفت و گو با سید کاظم موسوی، سایت فارس نیوز، خرداد ۸۹

[www.Farsnews.com](http://www.Farsnews.com)

رضا خان نسبت به بهائیان خوش بین بود و به آنها اعتماد داشت، (سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۲۳۷؛ احمد اللهیاری، بهائیان در عصر پهلوی ها، ص ۳۰، حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۳۷۴) تا جایی که آجودان مخصوص ولیعهدش محمد رضا (اسدالله صنیعی) یک بهائی بود. (احمد اللهیاری، پیشین، ص ۳۰. اسدالله صنیعی در زمان محمد رضا و در کابینه هویدا وزیر جنگ شد.) و رضا خان حتی از انتشار خبر چاپ کتابی بر ضد بهائیت جلوگیری کرد. (رک: پیشین، ۳۴-۳۷)

گفته شده که محمد رضا و شمس در مدرسه ی بهائی ها درس خوانده اند و رضا خان نیز از این موضوع آگاه بوده است. (رک: جواد منصور، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۲۶ (سند ۲/۸۵)؛ روح الله حسینیان، سه سال

ستیز مرجعیت شیعه در ایران، ص ۱۷۲ (سند ش ۱۵)



بهائیان در کنار عناصر فراماسون و صهیونیست، در دوران محمد رضا نقش مهمی در اجرای نظرات و سیاست های خود داشتند. در این دوران با توجه به نفوذ بیشتر آمریکا و اسرائیل، تلاش فراوانی برای به رسمیت بخشیدن فرقه ی بهائیت می شد، زیرا آنها نقش مؤثری در تثبیت رژیم سلطنتی و حکومت شاه داشتند؛ به گونه ای که بسیاری از نزدیکان شاه و خاندان پهلوی وعده ی زیادی از کارگزاران و متولیان مناصب حساس و کلیدی کشور بهائی بودند. (رک: جواد منصوری، پیشین، صص ۳۲۴ و ۳۲۵) محمد رضا نیز آنها را بی خطر می دانست و از تشکیلات بهائیت و به خصوص افراد بهائی در مقامات مهم و حساس مملکتی اطلاع کامل داشت و نسبت به آنها حسن ظن نشان می داد. (حسین فردوست، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۴)

در دوران پهلوی، به ویژه پهلوی دوم، بهائیان به علت مساعد بودن شرایط، آزادی عمل پیدا کرده و فعالیت های آنان روبه رشد گذشت. سیاست ها و برنامه های ضد دینی رضا خان و محمد رضا که مذهب شیعه و روحانیت را بزرگ ترین مانع پیشرفت خود می دیدند، مطابق و هماهنگ با اهداف بهائیان بود. همچنین رژیم پهلوی نیازمند کمک های قدرت های خارجی بوده و فرقه ی بهائیت نیز مورد تأیید و حمایت قدرت های خارجی مانند آمریکا و اسرائیل بود، لذا رژیم پهلوی به حمایت و دوستی با این فرقه اقدام کرد (رک: محمد رضا نصوری، «پیوند و همکاری بهائیت با رژیم پهلوی، فصلنامه تخصصی انتظار، ش ۲۷، سال ۸، زمستان ۸۷، ص ۱۹۷) و در نتیجه زمینه برای حضور گسترده ی بهائیان فراهم شد و ایران به پناهگاه امنی برای بهائیت تبدیل شد. (سید سعید زاهد زاهدانی، پیشین، ص ۲۳۷)

رضاخان و محمد رضا آن قدر از بهائیان پشتیبانی کرده و دست آنها را در امور مملکتی باز گذاشتند که بهائیان در جلسات خود از آنها به نیکی یاد کرده و آنان را بهائی واز پیروان قانون و منطق «بهاء» می دانند. (رک: جواد منصوری، پیشین، صص ۳۲۴-۳۲۶)

بهائیان در آن دوران، تلاش فراوانی برای گسترش حضور خویش و بسط و توسعه ی نفوذ رژیم صهیونیستی در ایران از خود نشان می دادند، که اگر نهضت امام خمینی (رک: جواد منصوری، پیشین، صص ۳۲۴ و ۳۲۵) و روشنگری ها و افشاگری های ایشان و روحانیت معظم، ملت را نسبت به این خطر هوشیار نمی کرد و توطئه ی مرموزانه ی صهیونیست در به قدرت رسیدن را خنثی نمی کرد، چه بسا ایران تاکنون به فلسطین دیگری بدل شده بود و عوامل صهیونیست ها - بهائیت - مقدسات اسلام را درهم شکسته بودند.

در اینجا می توان مهم تری این تلاش ها را در چند محور نام برد: نفوذ در ارکان دولت، حمایت مالی و اقتصادی، خدمت به سرویس های اطلاعاتی و ...

### الف) نفوذ در ارکان دولت و تصاحب مشاغل کلیدی

بهائیان آغاز حکومت پهلوی را شروع عصر جدیدی در عرصه ی تبلیغات و فعالیت خود دانستند. (رک: ثریا شهسواری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره ی محمد رضا شاه، ص ۶۲ به نقل از فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ص ۱۸) از این رو

اقدام به تأسیس تشکیلات و محافل رسمی خود کردند که این امر علاوه برگسترش تبلیغ بهائیت به توسعه ی نفوذ آنان در دستگاه های دولتی نیز کمک کرد. (پیشین، ص ۶۲)

همکاری بین بهائیان و دولت پهلوی در دوران محمد رضا گسترش یافت و پس از کودتای ۲۸ مرداد به اوج خود رسید و در دهه ی واپسین سلطنت وی، بهائیان توانستند، پست های حساس سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و نظامی کشور را به چنگ خود در آورند. (رک: یویا شکیبا، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، ص ۶۱۶)

پروین غفاری - معشوقه ی شاه - در کتاب « تا سیاهی در دام شاه » می نویسد:

«ایادی چون از متنفذین فرقه ی بهائیت بود و به محافل بهائی نزدیک بود، موقعیت مهمی داشت و در تمام دشواری ها با یاری هم مسلکان بهائی اش مشکلات را مرتفع می کرد. من نیز به همراه او در محافل و مجالس بهائیان شرکت می کردم و به عینه می دیدم که اکثر دولتمردان و صاحبان نفوذ در صنایع و پست های مهم کشور از این فرقه هستند.» ( سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۲۴۰ به نقل از پروین غفاری، تا سیاهی در دام شاه، تهران، مرکز ترجمه نشر کتاب، ۱۳۷۶، ص ۱۰۶ )

انتخاب بهائیان برای مقامات بالای کشوری امری غیر حسابگرانه نبود و عامل موفقیت آنها پیوند عمیق با صهیونیست ها و سازمان های مخفی مرتبط با آنان بود.

«مئیر عزری» به صراحت اظهارات هویدا را در مورد به کار گیری مسئولانی که به نوعی مورد عنایت محافل یهودی بین المللی اند، منعکس می کند.

«هویدا گفت: یکی از بزرگ ترین موفقیت ها را باید مدیون مرحوم حسنعلی منصور ( یکی از نخست وزیران پهلوی که در بهمن ۱۳۴۳ توسط هیئت مؤتلفه ترور شد.) بدانیم که تخم دموکراسی و تحولات اجتماعی را در این کشور کاشت و رفت به ویژه که با جنبش او توانستیم، نیروهای جوان و تحصیل کرده را وارد دستگاه های سیاسی کشور و بیشتر از همه سازمان برنامه بکنیم... برای شما هم بد نخواهد شد، چون بیشتر این جوان ها درس خوانده ی آمریکا هستند و آنجا خواه ناخواه با یهودیان یا انجمن های یهودی و فرهنگ این مردم، آشنایی هایی پیدا کرده اند، شیوه ی نگاه کردن هویدا به دانش اندوختگان ایرانی در امریکا را کم و بیش پذیرفتیم.» ( جایگاه بهائیت در پایگاه نژاد پرستان، نشریه الکترونیکی افشا، شهریور ۱۳۸۹، [www.efsha.bahaim.blogfa.ir](http://www.efsha.bahaim.blogfa.ir) )

و این گونه سفیر اسرائیل به وضوح تأیید می کند که این نخست وزیر بهائی افرادی را به کار گرفته است که در دوران تحصیل به نوعی از فیلتر نهادهای صهیونیستی عبور کرده بودند.

اکثر کسانی که در این مدت به عنوان نخست وزیر انتخاب شدند یا از استادان و اعضای بلند پایه ی لژهای فراماسونری و یا از دست نشانندگان و مأموران یهود و ماسون بودند. و برخی از امرا و وزرا و اشراف زادگان نیز با محافل پشت پرده ی یهودی- فراماسونری ارتباط پنهان و تشکیلاتی داشتند و همه ی این افراد در حد توان و موقعیت خویش، خدمات شایانی به محافل جهانی یهود و خیانت های جبران ناپذیری به ملت ایران و فرهنگ اسلامی این سرزمین کردند. (رک: زین العابدین صدیق، حماسه خمینی، پژوهش صهیونیست، ج ۱، صص ۳۹۰ و ۳۹۱)

می توان سیاهه ای بلند از مقامات مهم سیاسی، نظامی و امنیتی رژیم پهلوی ارائه داد که توسط عناصر بهائی و بهائی زاده اشغال گردیده و این افراد نیز باعث جذب و به کارگیری افراد دیگر بهائی در رده های پایین تر اداری و دولتی شده اند که هر یک با توجه به موقعیت خود، خادمی وفادار برای رژیم اشغالگر قدس بوده اند افرادی همچون «ایادی» پزشک مخصوص محمد رضا و رئیس بهداری ارتش، «امیر عباس هویدا» نخست وزیر کشور به مدت سیزده سال و وزیر دربار، سپهبد «صنیعی» آجودان مخصوص محمد رضا پهلوی در زمان ولیعهدی، وزیر جنگ و وزیر تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی در زمان محمد رضا، سپهبد «علی محمد خادمی» آجودان مخصوص محمد رضا پهلوی و رئیس هیئت مدیره و عامل در برقراری ارتباط با اسرائیل، «فرخ رو پارسای» عضو کانون مترقی و دفتر سیاسی حزب ایران نوین و وزیر آموزش و پرورش، «هوشنگ نهاوندی، وزیر آبادی و مسکن و ده ها نفر دیگر (رک: همایون کشتگر، ماه غسل رژیم پهلوی و بهائیان، صص ۳۴۹ و ۳۵۰) که حساس ترین و مهم ترین مقامات کشوری و انتظامی، دربار و دولت را در اختیار داشته اند. (برای اطلاعات بیشتر رک: همایون کشتگر، پیشین، صص ۳۴۹ - ۳۶۴، سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، صص ۲۳۸ - ۲۴۵؛ محمد رضا نصوری، پیوند و همکاری بهائیت با رژیم پهلوی، صص ۲۰۴ - ۲۱۸؛ احمد اللهیاری، بهائیان در عصر پهلوی ها، صص ۱۴۰ - ۱۷۱؛ ثریا شهبسوازی، اسناد فعالیت بهائیان در دوره ی محمد رضا شاه، صص ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۷ - ۱۲۹، پویا شکیب، بهائیت و اسرائیل پیوند دیرین و فزاینده، صص ۶۱۶ - ۶۳۳)

این حقیقت از دیدگاه تیزبین امام امت (رک: همایون کشتگر، ماه غسل رژیم پهلوی و بهائیان، صص ۳۴۹ و ۳۵۰) مخفی نبود و ایشان بارها به خطر نفوذ بهائیان در پُست های کلیدی و حساس هشدار می دهند:

«آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پست های حساس به دست این فرقه [بهائیت] است که حقیقتاً عمال اسرائیل هستند. خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی یا بسته شده یا می شود. لازم است علمای اعلام و خطبای محترم، سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم. امروز روزی نیست که به سیره ی سلف صالح بتوان رفتار کرد. با سکوت و کناره گیری همه چیز را از دست خواهیم داد. (سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱، صص ۱۸۶ و ۱۸۷) (نامه به علمای یزد در اردیبهشت ۱۳۴۲)

«تأسف بالاتر، تسلط اسرائیل و عمال اسرائیل [بهائیت] است بر بسیاری از شئون حساس مملکت...» (سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۶۱) (۱/۱۸/۱۳۴۳)

«[بهائیت] عمال اسرائیل در ایران، هر جا انگشت می گذاری می بینی که یکی از اینها [ست] مراکز حساس، مراکز خطرناک... اینها حکومت را از خودشان می دانند... از دربار گرفته تا آن آخر مملکت، از این اشخاص [بهائی] آنجا موجودند...» (سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱، صص ۳۸۸ و ۳۸۹) سخنرانی ۱۳۴۳/۶/۱۸ در مسجد اعظم قم)

این مسئله برگروه های اسلامی نیز پوشیده نمانده بود. به عنوان مثال جامعه ی روحانیت ایران در بیانیه ای ( خرداد ۱۳۴۲) اسرائیل را « بزرگ ترین پایگاه دشمنان اسلام و عامل درجه اول استعمار در خاورمیانه» معرفی و افزود: «بهائیان که دلالت اسرائیل در مملکت ما هستند... در دستگاه های حساس مملکت رخنه کرده و روزبه روز بر نفوذ آنها در تمام قسمت ها مخصوصا دستگاه تبلیغاتی، حتی گفته می شود در هیئت دولت، زیادتر می شود». در ادامه ی این بیانیه تأکید شده که « روحانیت هرگز نمی تواند این ننگ بزرگ را برای مسلمانان ایران بپذیرد و نفوذ عمال صهیونیسم و دلالت آنها یعنی بهائیان را در مملکت خود تحمل کند.» ( اسناد انقلاب اسلامی، ج ۴، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۷۵) اعلامیه ی جامعه ی روحانیت ایران درباره ی اهداف مبارزه علیه رژیم شاه، خرداد ۱۳۴۲)

همچنین بند پنجم قطعنامه ی حوزه ی علمیه ی قم (۱۳۴۲/۱/۳۱) نیز از مراجع عالی قدر و امام خمینی (سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱، صص ۱۸۶ و ۱۸۷) (نامه به علمای یزد در اردیبهشت ۱۳۴۲) خواسته در «قطع ایادی استعمار و عمال صهیونیسم [بهائیت] از مملکت» بکوشند. (رک: پیشین، ص ۱۱۷) (متن قطعنامه ی حوزه ی علمیه ی قم درباره ی ایجاد اصلاحات در جامعه به رهبری امام، «۱۳۴۳/۱/۲۱»)

#### ب) تلاش بهائیت برای برقراری روابط ایران با رژیم صهیونیستی

بهائیان در هر پُست و مقامی به فراخوار خود، تلاش فراوانی جهت به رسمیت شناخته شدن اسرائیل در ایران انجام می دادند: یکی از آنها سوء استفاده از درگیری بین ایران و کشورهای عربی - اسلامی و سوق دادن ایران به سمت اسرائیل) رک: پویا شکیب، بهائیت و اسرائیل پیوند دیرین و فزاینده، صص ۶۱۸ و ۶۲۵) و دیگری تشدید و تحریک اختلافات بین دولت پهلوی و روحانیت بود، تا دولت ناچار شود با اسرائیل رابطه ی رسمی برقرار کند.

طبق گزارش ساواک (۱۳۴۳/۲/۱۷) مهندس «روحانی» وزیر آب و برق و سایر بهائیان اعتقاد داشتند:

«اختلاف بین هیئت حاکمه و روحانیت ادامه یابد، تا آنکه دولت به بهانه ی ضربه زدن به فعالیت روحانیون، با دولت اسرائیل، رابطه ی [علنی و رسمی] سیاسی برقرار کند و حتی در صورت لزوم با دولت مزبور، قرار داد نظامی منعقد کند... اگر مقامات روحانی و علمای مذهبی ایران به مبارزه با حکومت مصر برنخیزد [ناچاریم] فکر قرار داد نظامی با کشور اسرائیل را عملی سازیم.» ( جواد منصوری، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۲۷) (سند ۲/۸۷)

همچنین جهت آمادگی برای رسمی شدن روابط ایران و اسرائیل یک گام تبادل تیم های ورزشی بود، تا با این ترفند و در پوشش آن، دو رژیم برنامه هایشان را اجرایی کنند. در این راستا پرویز خسروانی ( خسروانی به دلیل ازدواج با ملیحه

نعیمی - از بهائی های بانفوذ واز مأموران سازمان اطلاعاتی انگلستان - بهائی می شود. او حتی اداره یک لجنه بهائی را برعهده داشته واز خدمت به بهائیت دریغ نمی کرده است. رک: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، رجال عصر پهلوی ( پرویز خسروانی) به روایت اسناد ساواک، تهران، وزارت اطلاعات: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۹، صص ۴ و ۵ و ۶ و ۸۵ - ۸۷) که به پیوند مستحکم میان بهائیت و صهیونیسم وقوف کامل داشت و حتی اغلب بهائی ها را کلیمی می دانست. ( رک: پیشین، ص ۴۰۶ ) ( سند مورخه ۱۳۵۲/۱۱/۶) برای عملی شدن سیاست خارجی رژیم پهلوی وارد عمل شده واز باشگاه تاج در این زمینه نهایت استفاده را کرد. در نتیجه تیم های اسرائیلی به دعوت این باشگاه برای برگزاری مسابقه به ایران آمده و تیم تاج نیز به سرزمین اشغالی سفر می کرد. ( رک: پیشی، ص ۲۶ ) ( اسناد مورخه ۱۳۳۷/۲/۱۸ و ۱۳۴۳/۳/۱۷)

حتی شایع است تاجری که وسیله ی پرداخت رشوه ی چهارصد هزار دلاری به ساعد مراغه ای ( نخست وزیر وقت ) در ازای برقراری رابطه با اسرائیل را فراهم آورد، بهائی بوده است. ( دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان ، سایه روشن بهائیت در ایران، ص ۱۳۵)

### ج) حمایت مالی و اقتصادی

همان طور که در بخش دوم توضیح داده شد، بهائیان به طرق مختلف به حمایت مالی از صهیونیست ها چه به طریق کمک های مالی مستقیم یا رونق دادن بازار اقتصادی آنها یا موارد دیگر پرداخته اند.

امام خمینی ( رک: پیشین، ص ۴۰۶ ) ( سند مورخه ۱۳۵۲/۱۱/۶) در سال ۱۳۴۱ ش خطر گسترش نفوذ رژیم صهیونیستی در اقتصاد ایران را توسط بهائیت این چنین بیان می کنند:

«... اینجانب حسب وظیفه ی شرعیه به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می کنم، قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه ی صهیونیست هاست که در ایران [ به صورت ] حزب بهائی ظاهر شدند ومدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تائید عمال خود قبضه می کنند.» ( سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام ، ج ۱، صص ۱۱۰ ) ( اسفند ۱۳۴۱)

بازار آزاد پول و به ویژه ارز را بهائیان و صهیونیست ها در کنترل خود داشتند. نظام بانکی کشور، به طور کامل در اختیار صهیونیست های داخلی و خارجی و فراماسون ها و بهائیان بود. بانک مالی را سال ها یک بهائی فراماسونر به نام «یوسف خوش کیش» اداره می کرد. بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران را صهیونیست های ایران ( باند شریف امامی، استاد اعظم فراماسون های ایران و رئیس مجلس سنا و ...) با همکاری بانک های خارجی که اغلب در کنترل صهیونیست ها بود، بنیان گذارند که تمامی فعالیت های صنعتی و بخش عمده ای از سرمایه های کشور در قبضه ی آنها بود. ( شمس الدین رحمانی، جنایت جهانی، ص ۶۱)

بهائیتی ها به قیمت نابودی همه ی ارکان قدرت ملی، با تمام توان در خدمت صهیونیست ها بودند؛ از جمله کشاورزی کشور را به نابودی کشاندند تا بازاری برای محصولات کشاورزی اسرائیل بسازند و با تخریب رکنی از خود کفایی و استقلال ایران به تقویت صهیونیست ها بپردازند. ( جایگاه بهائیت در پایگاه نژاد پرستان، نشریه الکترونیکی افشا)

عمده ی نفت اسرائیل توسط ایران فراهم می شد. ( رک: علی فلاح نژاد، مناسبات ایران و اسرائیل در عصر پهلوی دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۲۰۸-۲۱۴) واردات ایران از اسرائیل چند برابر تمامی واردات ایران از کشورهای دیگر بود ( رک: شمس الدین رحمانی، جنایت جهانی، ص ۵۹) و... این گونه ایران به طور روز افزون در حیطه ی نفوذ صهیونیسم ها قرار می گرفت. ( برای اطلاعات بیشتر رک: شمس الدین رحمانی، پیشین، علی فلاح نژاد، پیشین، مقالات فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۵۰)

طرح «انقلاب سفید» و «اصلاحات ارضی» ( نام یک سلسله اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در دوره سلطنت محمد رضا شاه پهلوی که در ابتدا شامل شش اصل بود و اصلاحات ارضی یکی از آنهاست.) که با دست پنهان بهائیان و صهیونیست ها طراحی و اجرا شد، اقتصاد ایران را به ورطه ی نابودی و وابستگی به خارج رساند و سودهای کلانی را نصیب این دو فرقه کرد.

امام خمینی اندیشمندانه و آگاهانه در این باره فرموده اند: « ثمره ی شوم انقلاب سفید... مسلط ساختن غارت گران آمریکا و صهیونیسم بر کلیه ی شئون نظامی، سیاسی، تجاری، صنعتی، زراعی و بازارها [ می باشد.] » ( سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۸۴) ( پیام ۱۳۵۱/۱۲/۲۳)

همچنین ایشان احتمال دخالت جاسوسان صهیونیست، یعنی بهائیان را در طرح لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی بعید ندانسته و فرمودند: « شاید به دست جاسوسان یهود و صهیونیست ها تهیه شده برای نابودی استقلال و به هم زدن اقتصاد مملکت. » ( سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۰۹) ( نامه آذر ۱۳۴۱)

آقای فلسفی نیز در آن زمان به نماینده ی دولت گفت: « ... این تصویب نامه، توطئه ای است بر ضد نبی مکرم ( نام یک سلسله اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در دوره سلطنت محمد رضا شاه پهلوی که در ابتدا شامل شش اصل بود و اصلاحات ارضی یکی از آنهاست) و زمینه ای است برای درهم شکستن قدرت قرآن کریم و مسلط شدن عناصر کثیف بهائیتی بر مسلمین » ( خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۳)

طبق سند ساواک:

«... [بهائیان] کور کورانه مطیع فرمان بیت العدل اعظم که در کشور اسرائیل قرار دارد، می باشند. و اختیار جان و مال و ناموس خود را به دست چند نفر از افراد مشکوک در حیفا سپرده و چون عروسک های بی جانی مقاصد این عده را اجرا می نمایند. همچنین گزارش های دیگری حاکی است که بهائیان همه ماهه مبالغ کثیری ارز از مملکت را به صورت اعانات

مذهبی از کشور خارج و در اختیار گردانندگان بیت العدل می گذارند...» ( جواد منصوری ، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱) (سند ۲/۹۵)

فردوست نیز می گوید: «بهائیان که به مقامات حساس می رسیدند، از موقعیت خود برای ثروتمند شدن جامعه ی بهائیت استفاده می کردند، تا از این طریق، اقتصاد مملکت را به دست گیرند.» ( حسین فردوست ، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ، ج ۱، ص ۳۷۵)

همچنین به گفته ی یکی از بهائیان، برای این بهائیان اسمی و نامی شده اند که مثل زنجیر به هم پیوند دارند و بهترین پُست های مملکتی به عهده ی آنها می باشد: «... ایران برای ما بهائیان بسیار خوب شده است، سرمایه داران ما [بهائیان] و آمریکا و اسرائیل در ایران رشد کرده اند و سودی که می برند در صندوق خیریه ریخته می شود...» ( جواد منصوری ، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۲۸) (سند ۲/۸۸) که این صندوق و بیت العدل اعظم، همان جیب صهیونیسم ها در سرزمین اشغالی می باشد.

به هر روی در اینجا به ذکر دو نمونه بسنده می شود، هر چند پرونده ی خیانت های اقتصادی بهائیان و چپاول منابع ایران ، بسیار طویل است.

دو کلان سرمایه دار بهائی در ایران «حبیب ثابت پاسال» ( جهت اطلاع بیشتر رک: معماران تباهی، ج ۳، صص ۱۳-۴۹؛ ثریا شهبسوازی، اسناد فعالیت بهائیان در دوره ی محمد رضا شاه ، صص ۱۱۳-۱۲۳، محسن نیک پیمان، «سرمایه داران بهائی در پهلوی، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۵۰، سال ۱۳، تابستان ۸۸ ، صص ۵۱۲-۵۴۵) بهائی یهودی تبار و جانشین اش «هژبر یزدانی» ( جهت اطلاع بیشتر رک: ثریا شهبسوازی، پیشین، صص ۱۲۳-۱۲۹؛ محسن نیک پیمان، پیشین ، صص ۵۴۵-۵۷۹) بودند. ثابت، رئیس «بنیاد امناء» ( جهت اطلاع رک: اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، صص ۲۹۹-۳۷۳) بهائیان بود که با پشتیبانی کارتل ها و تراست های امپریالیستی به سلطان بی تاج و تخت ایران تبدیل شده بود. او و جانشین اش خواست ها و اهداف خود را به هر طریق و حتی با توسل به چماق داران خود به راحتی به دست می آوردند. (رک: معماران تباهی، ج ۳، ص ۴۴) ثابت پاسال ، صاحب ۴۱ کارخانه ی عظیم صنعتی و ده ها شرکت بزرگ تجارتي بود که سرمایه ی آنها متعلق به جامعه ی بهائیت بود و در تحکیم و تقویت فرقه ی مذکور صرف می شد. شرکت های او بازار مصرف کالاهای وارداتی کشورهای آمریکا و اسرائیل بود. ( ثریا شهبسوازی، پیشین، ص ۱۲۰)

در زمان فرار محمد رضا به ایتالیا ، وی دسته چک سفید خود را در اختیار او قرار داد و پس از بازگشت محمد رضا به ایران، این جاسوس سرمایه دار صهیونیستی این بار تلویزیون را به پاداش خدماتش دریافت (میرابوالفتح دعوتی، نفوذ صهیونیسم در مطبوعات ، ص ۲۱۲) و مؤسسه ی تلویزیون او نیز تماما در خدمت اهداف صهیونیسم بود. (پیشین، ص ۱۵۵)

امام خمینی ( پیشین، ص ۱۵۵) در سخنانی می فرمایند:

«دستگاه تبلیغاتی تلویزیون متعلق به یک دسته اقلیت منفور [بهائیت] است که گویا قرار است، در تمام کشور توسعه پیدا کند. صاحب آن [حبیب ثابت پاسال] علاوه بر اینکه اقتصاد مملکت را در دست گرفته، کارخانه ی پپسی کولا یک کانون جاسوسی است... دستگاه بهائیت و کارخانه ی پپسی کولا، دستگاه جاسوسی یهود فلسطین [رژیم صهیونیستی] است. (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۲۳)

۱۳۴۱/۹/۲۰ خطاب به رئیس شهربانی و رئیس ساواک (قم)

ثابت پاسال، مراتب وفاداری خود را به صهیونیسم بین الملل اثبات کرده بود، به طوری که رژیم اشغالگر قدس، پس از مرگش، یکی از خیابان های شهر تل آویو اسرائیل اشغالی را به نام او نام گذاری کرد و رادیو اسرائیل در بخش خبری خود، مرگ او را «ضایعه ی بزرگ» نامید. (معماران تباهی، ج ۳، ص ۴۵)

جنايات و تخلفات اقتصادی بهائیان برای کسب سود و سرمایه ی بیشتر و کمک به تشکیلات بهائیت در ایران و اسرائیل و غارت اموال مسلمانان و نفوذ هر چه بیشتر رژیم صهیونیستی در اقتصاد ایران، نیاز به بررسی و پژوهش های بیشتری دارد که از عهده ی این پژوهش خارج است.

#### د) جاسوسی و همکاری با سرویس های اطلاعاتی صهیونیسم

صهیونیسم سلطه جو و فزون خواه به درستی دریافته که با فعالیت های جاسوسی و گماردن جاسوسان و خبرچینان در پست های کلیدی و مراکز حساس تصمیم گیری و سرنوشت ساز بهتر از لشکر کشی و اشغال نظامی می تواند به اغراض استعماری خود دست یابد.

از طرفی در بخش دوم اشاره شد، بهائیان، جاسوسان بالفطره هستند و در طول تاریخ بسیاری از آنها در خدمت سرویس های اطلاعاتی شرق و غرب بوده اند. در زمان پهلوی نیز بهائیان با عنایت استعمارگران، توانستند پست های کلیدی و حساس کشور را در دست بگیرند و بیشتر از هر زمان دیگری به خدمت سرویس های اطلاعاتی بپردازند. و حتی با نفوذ در سازمان اطلاعات و امنیت کشور، به راحتی با سازمان جاسوسی موساد، ارتباط برقرار کردند.

اسناد زیادی درباره ی جاسوسی بهائیان برای صهیونیسم و حامیانش در عصر پهلوی موجود است. به عنوان مثال در یکی از اسناد ساواک به تاریخ ۲۷/۳/۱۳۳۷ آمده:

«محفل ملی ایران در تهران طی نامه ی محرمانه به کلیه ی محفل های سراسر ایران ابلاغ کرده افراد بهائی که در سازمان های دولتی مشغول به کارند، موظف اند از کارهای روزمره که انجام می دهند و بخشنامه های اداری که از طریق وزارتخانه های متبوعه صادر می گردد، به دفتر حظیره القدس محلی که خدمت می نمایند، ارسال دارند و هر گونه اتفاقی رخ دهد، حظیره القدس محل را آگاه سازند... خبر سپس از طریق بیت العدل به کامپالای افریقا ابلاغ تا اجرا و نتایج آن به اطلاع دکتر براند اسکات [رئیس سازمان جهانی بهائیت در اسرائیل] برسد.» (جواد منصوری، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۳۰ و ۳۳۱) (سندش ۲/۹۱)



طبق دستور بیت العدل، آمار بهائیان شاغل در نیروهای نظامی نیز برای آنها ارسال می شد. (جواد منصور، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۳۱) (سند ش ۲/۹۲) پیوستگی بین بهائیان ایران با صهیونیسم تا حدی بود که در دوران نهضت ملی شدن نفت که سازمان جهانی صهیونیسم تعطیل و نمایندگی سیاسی اسرائیل در ایران برچیده شد، اداره ی امور سازمان های جاسوسی یهودیان ایران به کمیته ی بهائیان واگذار گردید و امیر عباس هویدا هم به دست عناصر با نفوذ و نقاب دار بهائی مأمور خدمت در سازمان ملل متحد گردید. (مهناز رئوفی، نامه ای به برادرم، بی جا، دانشجو، ۱۳۷۹، ص ۳۴)

در یکی دیگر از اسناد ساواک به نقل از یک بهائی در جلسه ای در شیراز آمده: «...پیشرفت و ترقی ما بهائیان این است که در هر اداره ی ایران و تمام وزارتخانه ها یک جاسوس داریم. مثلا لجنه ی پیمانکار، کادر بهائیان ایران هر روز گزارش خود را در زمینه ی ارتش ایران و اینکه چگونه چتربازان را آموزش می دهند، به محفل روحانی بهائیان تسلیم می نمایند.» (جواد منصور، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، (سند ۲/۹۳) بهران افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، صص ۷۵۱ و ۷۵۲؛ روح الله حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، صص ۱۷۲ و ۱۷۳ (سند ش ۱۷)

کارگزاران استعماری و طراحان ساواک از ابتدا می کوشیدند افسران غیر مسلمان را به این سازمان انتقال دهند و از وجود آنان در راه تحقیق اهداف خود بهره بگیرند، لذا به علت نبود افسران یهودی در ارتش، به جای آنان از افسران بهائی - که قرابت فکری و رفتاری مشابه با صهیونیست های یهودی داشتند - در این سازمان بهره جستند. به همین دلیل برخی از مدیران ارشد و میانی ساواک را بهائیان تشکیل می دادند. (احمد اللهیاری، بهائیان در عصر پهلوی، ص ۱۳۶)

از جمله می توان «پرویز ثابتی سمنانی سنگسری» - معاون رئیس اداره کل سوم سازمان امنیت (احمد اللهیاری، بهائیان در عصر پهلوی ها، ص ۱۳۶) و مقام امنیتی مشهور رژیم پهلوی، آجودان شاه (همایون کشتگر، ماه غسل رژیم پهلوی و بهائیان، ص ۴۹۰) و دوست نزدیک و معتمد هویدا در ساواک (منوچهر صادقی، هویدا بی نقاب بی رتوش، صص ۶۱۰-۶۱۳) را نام برد که به اعتراف خود او، بهائی زاده می باشد (حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، صص ۴۵۰ و ۴۵۱) و با رژیم غاصب اسرائیل همکاری نزدیک داشته است. (ثریا شهبواری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره ی محمد رضا شاه، ص ۱۰۱)

بعد از انقلاب، چون مبارزان انقلابی از طریق محافل بین المللی قصد دستگیری او را داشتند، اسرائیلی ها به پاس خدمات و همکاری هایی که ثابتی با آنها داشت، با عمل جراحی پلاستیک صورت او را تغییر دادند، طوری که شناختنش غیر ممکن گردید. (پیشین، ص ۱۰۲)

وی هم اکنون نیز با سازمان جاسوسی سیا و موساد همکاری می کند. احمد علی مسعود انصاری - دستیار سابق رضا پهلوی - از او به عنوان یار دیرین سازمان «سیا» که برای سازمان امنیتی «موساد» کار می کند، یاد کرده و می گوید: «شنیدم قرار شده وی شبکه ی جاسوسی در ایران [جمهوری اسلامی] تشکیل دهد و یا شبکه ی موجود خود را توسعه

دهد. واو مناسبت ترین فرد برای این کار است ، چون افراد قدیمی و همکاران ساواک در ایران را می شناسد.» ( رک: همایون کشتگر، ماه عسل رژیم پهلوی وبهائیان، صص ۴۹۹ و ۵۰۰)

در زمان نخست وزیر ی هویدا ،وی با جلب حمایت شاه، از مأموران سازمان موساد برای آموزش کادرهای ساواک دعوت کرد. از این زمان پای مأموران اطلاعاتی اسرائیل به تشکیلات ساواک باز شد. ( دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، امیر عباس هویدا، ص ۱۴۴) و بنا به اعتراف ارتشبد فردوست، دولت اسرائیل یکی از فعال ترین کانون های جاسوسی در ایران بوده و در عرصه ی آموزش ساواک کمک های زیادی کرده است. ( حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۴۴۴)

ساواک اطلاعات کشورهای عرب و ایرانی را نیز در اختیار موساد قرار می داد. البته در مجموع می توان گفت که روابط موساد و ساواک یک همکاری واقعی نبود بلکه رابطه ی یک طرفه بود که موساد در پرتو استفاده از امکانات ساواک به سوی اغراض و اهداف خود گام برمی داشت. ( رک: رضا زارع، روابط ایران و اسرائیل (۱۳۲۷-۱۳۵۷) سقوط مجموعه مقالات همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی) تهران، مؤسسه مطالعات پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۴، صص ۴۷۰-۴۷۷)

#### ه) دو خادم وفادار بهائیت و صهیونیسم

در میان بهائیان هر کس به فراخور خود و در حد توان و موقعیت خویش به بهائیت و صهیونیسم خدمت کرده و حامی آنها بود که شرح حال تمام این افراد یا حتی مهم ترین آنها از این مقام فراتر است، لذا بسیار گذرا فقط به گوشه ای از اقدامات دو نفر ایادی» پزشک مخصوص محمد رضا و رئیس بهداری ارتش و «هویدان نخست وزیر وقت کشور اشاره می کنیم.

#### سپهد عبدالکریم ایادی

دکتر عبدالکریم ایادی فرزند محمد تقی متولد ۱۲۸۶ ش در تهران بود. پدرش از رهبران برجسته ی بهائی در ایران و از نزدیکان عباس افندی به شمار می رفت. او نزدیک ۲۵ سال پزشک مخصوص محمد رضا بود (محمد رضا نصوری، پیوند و همکاری بهائیت با رژیم پهلوی، ص ۲۰۴) و هر روز تقریباً در تمام ساعات در کنار محمد رضا (حسین فردوست، پیشین، صص ۲۰۱ و ۲۰۲) و مطلع ترین فرد از زندگی خصوصی شاه بود. (پیشین، ص ۱۹۹) فردوست از او با عنوان «مرموزترین و مؤثرترین چهره ی پشت پرده دربار ایران» یاد می کند. (پیشین، ص ۴۷)

بدون تردید می توان گفت او از آغاز توسط سرویس های جاسوسی انگلیس نشان شده و واجد شرایط یک جاسوس طراز اول بود، لذا او را به دربار معرفی کردند و نقشی را که ایادی تا انقلاب اسلامی برای غرب داشت، مجموع مهره های غرب روی هم نداشتند. (حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۰۱)

او متجاوز از هشتاد شغل داشت که به گفته ی فردوست هم مهم و پول ساز بودند. در دوران هویدا، ایادی تا توانست وزیر بهائی وارد کابینه کرد و این وزرا، بدون اجازه ی او حق هیچ کاری نداشتند. وی در ادامه می گوید: «من یک هزارم کارهای ایادی را نمی دانم... و براین اساس می توان کتابی نوشت که آیا ایادی بهائی بر ایران سلطنت می کرد یا محمد رضا پهلوی؟» ( پیشین، ص ۲۰۲) در دوران او بهائی بیکار وجود نداشت و تعداد بهائیان به سه برابر رسید. (پیشین، ص ۲۰۳)

طبق گفته ی فردوست:

«ایادی، جاسوس بزرگ غرب و مطلع ترین منبع اطلاعاتی سرویس های آمریکا و انگلیس در دربار و کشور بود و نفوذ او با نفوذ محمد رضا مساوی بود. نخست وزیران به خصوص هویدا، رؤسای ستاد ارتش و کلیه ی مقامات مهم مملکتی اعم از وزیر و نماینده ی مجلس و امثالهم دستورات او را که نخست به فرم خواهش بود و اگر اجرا نمی شد به فرم امر، اجرا می کردند. (پیشین، صص ۲۰۳ و ۲۰۴)

وجود این شخص بهائی، در نزدیک ترین درجه به شاه، باعث نفوذ بهائیان در تمام ارکان کشور شد که حجت الاسلام فلسفی نیز در ۱۳۳۴ ش به وجود این دکتر بهائی اعتراض کرد. (خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، ص ۱۸۶)

در مورد شخصیت ایادی و فساد و تباه کاری های او صحبت زیاد است که فصلی از کارنامه ی وی، همکاری با صهیونیسم است. او که همکار اطلاعاتی و مأمور ویژه ی سرویس های جاسوسی در کشور بود، کلیه ی اخبار دربار را جزء به جزء در اختیار آنها قرار می داد (حسین فردوست، پیشین، ص ۱۹۹ و ۲۰۱ و ۲۰۳) و با نفوذی که در ایران داشت، علاوه بر همکاری اطلاعاتی، در زمینه ی سیاسی و اقتصادی نیز از حامیان صهیونیسم بود.

ایادی به یهودیان مهری ناگسستنی داشت و آنها را مردم درد دیده و شایسته ی بی پیرایه ترین یاری ها می دانست. افزون بر آن، والاترین نیایش گاه های بهائیان در کشور اسرائیل بود و ایادی این موضوع را نمی دانست نادیده بگیرد. رک: همایون کشتگر، ماه عسل رژیم پهلوی و بهائیان، ص ۳۹۲)

مئیر عزری - نماینده ی فعال اسرائیل در ایران عصر پهلوی - ضمن اینکه ایادی را «دوست خوب» خود می شمرد، می نویسد: «در نوامبر ۱۹۶۰ (با همه ی پرخاش جویی های تندی که از سوی کشورهای عربی) برضد اسرائیل به نمایش درآمده بود، نمایندگان پزشکی اسرائیل توانستند با یاری سپهبد ایادی، پزشک ویژه شاه و سرپرست یگان بهداری ارتش در کنگره ی پزشکی ارتش های جهان در تهران شرکت جویند.»

عزری می افزاید: «گو اینکه در میان نزدیکان سپهبد ایادی (از دوستان خوبم بود) کسانی بودند که از دعوت پزشکان ارتش اسرائیل برای شرکت در کنفرانس روی خوش نشان نمی دادند، ولی من از ایادی خواستم، آن را با شاه در میان نهد و موافقت او را به چنگ آورد» که همین طور هم شد. (همایون کشتگر، پیشین، صص ۳۹۱ و ۳۹۲ به نقل از مئیر

عزری، کیست از شما از تمامی قوم او، دفتر اول، یادنامه مؤیر عزری، ترجمه ی ابراهام خاخامی، ویرایش بزرگ امید، ص ۱۳۲)

عزری در جای دیگری می نویسد:

«پروانه های ورود داروهای خریداری شده از کشورهای بیگانه که باید به بازارهای ایران می رسید در کمیته ای دروزارت بهداشتی، که از گروهی پزشکان و سرشناسان کارکشته برپا شده بود، ارزیابی می شد.

دکتر ایادی یکی از کارشناسان کمیته بود. روزی به دیدارش رفتم تا درزمینه ی برگزاری کنگره ی داروسازان ارتش ها که باید روز ۲۵ آوریل ۱۹۶۰ م ( ۱۳۳۹/۲/۱۵ ) در تهران انجام می شد، درباره ی سرهنگ دوم «اسرائیل ماهاریک» که فرماندهی گروه اسرائیلی را داشت، با وی گفتگو کنم، گوا اینکه ایادی از برخی موش دوانی های نمایندگان کشورهای تازی [عربی] در واکنش به بودن نماینده ی اسرائیل در کنگره آگاه بود، ولی دلاورانه وبا خوشرویی سرهنگ ماهاریک را در این کنگره پذیرفت...» ( پیشین، ص ۳۹۲ به نقل از یادنامه مؤیر عزری، ص ۳۳۲)

او، کارشناسان اسرائیلی را به ایران فرا خواند وبا آنها پیمان بست تا میوه، مرغ و تخم مرغ ارتش را فراهم کنند و برای ارتش، مرغداری و دهکده های نمونه ی کشاورزی بسازند. (رک: «پیشین، ص ۳۹۲، به نقل از یادنامه مؤیر عزری، ص ۳۳۲)

این خریدها و قرار دادهای اقتصادی، کمک بسیار بزرگی به اقتصاد رژیم صهیونیستی و وابستگی ایران به آنها بود.

ایادی، همچنین حامی فرقه ی بهائیت و حلال مشکلات آنها بود؛ جلوگیری از اخراج کارمندان بهائی از شرکت نفت در سال ۱۳۴۵ ش، ( رک: حسین فردوست، پیشین، ج ۲، صص ۳۸۹ و ۳۹۰ ) جلب موافقت دولت اسرائیل با صدور روادید عمومی برای بهائیان مسافر به فلسطین اشغالی، ( رک: همایون کشتگر، پیشین، ص ۴۰۴ ) ر ساندن بهائیان به مقامات مهم و حساس مملکتی، ( رک: حسین فردوست، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۲ ) حمایت از تجاوز هژبر یزدانی وهم کیشان وی به مراتع چوپان های سنگسر، ( رک: ثریا شهبواری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمد رضا شاه، صص ۳۸۳ و ۳۸۴، حسین فردوست، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۵ ) وحتى نجات درخت نارنج خانه ی مسکونی علی محمد باب از خشک شدن ( رک: همایون کشتگر، پیشین، صص ۴۰۹ و ۴۱۰ به نقل از مؤیر عزری، کیست از شما از تمامی قوم او، ج ۱، ص ۳۳۳ ) گوشه ی کوچکی از خدمات وی به بهائیان می باشد.

امیر عباس هویدا

امیر عباس هویدا در سال ۱۲۹۹ ش در تهران به دنیا آمد. پدرش عین الملک از پیروان فرقه ی ضاله ی بهائیت واز دوستان عباس افندی بود. (رک: عباس میلانی، معمای هویدا، تهران، آتیه، ۱۳۸۰، صص ۵۳ و ۵۴؛ خسرو معتضد، هویدا

سیاستمدار پپ، عصا، گل ارکید، تهران، زرین، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۹) پدر بزرگ هویدا «میرزا رضا قنّاد» به اسرائیل رفت و در «عکا» به خدمت تشکیلات بهائیت درآمد. (امیر عباس هویدا، دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، صص ۱۲ و ۱۱)

هویدا از نوادگان «میرزا یعقوب» یهودی بود. (زین العابدین صدیق، حماسه خمینی، ص ۳۹۱) او یک فراماسونر و از اعضای ارشد جناح صهیونیستی - فراماسونری ایران به حساب می آمد که در چند لژ مختلف عضویت داشت، (حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۹۲، دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، امیر عباس هویدا، ص ۲۴۶، منوچهر صادقی، هویدا بی نقاب بی رتوش، ص ۶۰۶) هر چند که خود هویدا، بهائی بودنش را کتمان می کند ولی با توجه به اسناد و شواهد و عملکرد وی و اعتراف بهائیان، او عضو فعال فرقه ی ضاله ی بهائیت بوده است. (رک: سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، صص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ احمد اللهیاری، بهائیان در عصر پهلوی ها، صص ۱۲۹ - ۱۳۳؛ منوچهر صادقی، پیشین، صص ۶۳۲ - ۶۷۳؛ خسرو معتضد، پیشین، ج ۲، صص ۶۲۷ - ۶۳۳)

پدر او مرد سیاسی و کارمند وزارت امور خارجه بود. وی نیز از کارمندان رسمی وزارت امور خارجه، در بخش اطلاعات آن بود. بعد از آن، سمت های مختلفی در دولت داشته است تا اینکه با کمک ایادی از بهمن ۱۳۴۳ تا مرداد ۱۳۵۶ به سمت نخست وزیر شاه درآمد. (رک: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، صص ۳۶۷ - ۳۷۴)

در دوران نخست وزیری هویدا، بهائیان و یهودیان آزادانه فعالیت می کردند و بهائیان با دربار و پشتیبانی آمریکا و صهیونیسم، حساس ترین مقامات کشور را در دست گرفتند. فردوست در این باره می گوید: «در زمان هویدا، دیگر کار بهائی ها تمام بود و مقامات عالی مملکت توسط آنها به راحتی اشغال می شد.» (حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۳۷۵)

اردشیر زاهدی هم می نویسد: «هویدا در زمان نخست وزیری اش به بهائیان و یهودیان پروبال زیادی داد وعده ای از بهائیان را وارد کابینه کرد.» (رسول جعفریان، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹ به نقل از بیست و پنج سال با پادشاه، ص ۳۰۹)

دکتر علی اصغر حاج سید جوادی در اعلامیه ای خطاب به هویدا در واکنش به سخنان او به این نکته تاکید می کند مثلث «فراماسونری - بهائی - یهودی» هیئت حاکمه ی کشور را تشکیل می دهد و به جای ملت ایران، حق حاکمیت مردم را غصب کرده است. (رک: منوچهر صادقی، پیشین، صص ۶۲۶ - ۶۳۰ به نقل از امیر عباس هویدا به روایت اسناد ساواک، ج ۲، صص ۴۷۰ - ۴۷۳)

جمشید آموزگار نیز به همین نکته اشاره می کند و می گوید: «مردم، هویدا را عامل نفوذ بهائیان و یهودیان در ایران می دیدند و همین امر سبب سقوط پهلوی شد.» (رسول جعفریان، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، به نقل از بیست و پنج سال با پادشاه، ص ۳۰۸)

او از هیچ گونه کمک اقتصادی، سیاسی و... در حق بهائیان فروگذار نمی کرد و بهائیان او را از «بهترین خادمان امرالله» (حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۸۵) و «کدخدای کوچک بهائیان» (جواد منصوری، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، سند ۲/۹۳) نامیده اند.

خسرو معتضد، با اشاره به حضور انبوه بهائیان در زمان نخست وزیری هویدا، در حساس ترین پُست ها و مراکز کشور می نویسد:

«هنوز آشکار نیست، شاه روی چه انگیزه و محملی، آن گونه که دیده شد، به بهائیان پُست های آن چنان مهم و حیاتی واگذار می کرد؟ مگر آنکه بیندیشید محض جلب رضایت خاطر آمریکایی ها و باندهای بانفوذ صهیونیستی و بهائیان آمریکا، دست این گروهک را به کارهای حساس کشور بند می کرد و...» (خسرو معتضد، هویدا سیاستمدار پپ، عصا، گل ارکیده، ص ۶۲۴)

فساد اخلاقی، (رک: دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، امیر عباس هویدا، صص ۲۷۰-۲۷۴؛ عبدالله شهبازی [ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، صص ۳۹۵-۳۹۷] اقتصادی، (رک: دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، پیشین، صص ۲۶۴-۲۷۰) اداری (رک: منوچهر صادقی، هویدا بی نقاب بی رتوش، ص ۵۸۲) و جاسوسی برای سیا (رک: پیشین، صص ۶۱۳-۶۱۸) از ویژگی های بارز هویدا است. هویدا با اسرائیل اَلتَمَنی دیرینه داشت. او طی سال های کودکی، نوجوانی و جوانی بارها به همراه پدر و یا به تنهایی به فلسطین اشغالی سفر کرده بود. (دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، پیشین، صص ۱۴۰) عباس میلانی از طرفداری هویدا در دوران جوانی (ایام تحصیل در بیروت) از تشکیل دولت یهودی در فلسطین سخن می گوید. هویدا می گفت: «این تنها پادزهر سامی ستیزی تاریخی است.» (عباس میلانی، معمای هویدا، ص ۶۵)

وی رژیم اشغالگر قدس را قلبا دوست داشت، زیرا این رژیم نخستین کشوری بود که فرقه ی ضاله ی بهائیت را به عنوان یک دین به رسمیت شناخته بود. به همین سبب زمانی که این رژیم با مدد نیروهای استعماری و به صورت غاصبانه اعلام استقلال کرد، امیر عباس هویدا در صف هواداران این رژیم قرار گرفت و سال های متمادی در «کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد» توان و قدرت خود را در خدمت تقویت هر چه بیشتر این رژیم گذاشت. وامکانات سازمان ملل متحد را در جهت انتقال سریع تر مهاجران یهودی از نقاط مختلف جهان به فلسطین، به کار گرفت.

او زمانی که به مقام نخست وزیری ایران رسید، دولت اشغالگر قدس را مورد توجه خاص خود قرار داده و روابط ایران با آن رژیم اشغالگر را تقویت کرده و در امور مختلف به یاری آنها شتافت. (رک: دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، پیشین، صص ۱۴۰-۱۴۱)

تاج الملوک، مادر محمد رضا پهلوی، در خاطرات منسوب به وی، تصریح به جاسوس بودن هویدا می کند و می افزاید:

«...البته هویدا خیلی مورد حمایت دولت های آمریکا، انگلستان و فرانسه بود و علی الخصوص در بین اسرائیلی ها فوق العاده، محبوبیت داشت. در واقع باید بگویم که یک قهرمان برای یهودی های فلسطین بود. چون در موقع جنگ از لهستان که خیلی یهودی داشت، تعداد زیادی یهودی را به فلسطین قاچاق کرده بود... محمد رضا می گفت، او عضو یک سازمان قوی مربوط به یهودی ها بوده است. من اسم این سازمان را نمی دانم، اما همین سازمان بود که مملکت اسرائیل را درست کرد...» (منوچهر صادقی، هویدا بی نقاب بی رتوش، ص ۶۰۹)

در دوران او، پیوندهای نهان و عیان دربار پهلوی با محافل قدرتمند و صهیونیسم جهانی به مستحکم ترین شکل خود رسید. (زین العابدین صدیق، حماسه خمینی، ص ۳۹۱) عباس میلانی نیز به نکته ای بسیار مهم پیرامون روابط ویژه هویدا با صهیونیست ها اشاره می کند که «یوری لوبرانی» (Uri Lubrani) که عملاً سفیر اسرائیل در ایران بود، با هویدا روابط نزدیک و ویژه ای داشته و علاوه بر شرکت در مهمانی های هویدا، در دفتر نخست وزیری با او دیدار می کرده و این دیدارها برخلاف دیدارهای رسمی به تنهایی و در خلوت صورت می گرفته است. (رک: عباس میلانی، معمای هویدا، صص ۴۰۶ و ۴۰۷)

بستگان پدری او در اسرائیل زندگی می کردند و این نیز دلیل دیگری در روابط صمیمانه اش با صهیونیسم ها بود؛ «الیعزر تسفریر» (Alyzr Tafryr) آخرین نماینده ی اطلاعاتی موساد در ایران عصر پهلوی می نویسد: «او [هویدا] وبستگان خانواده اش نسبت به مسائل اسرائیل تفاهم نشان می دادند و به خوبی با این مسائل آشنا بود. به همین دلیل است که در طول سال ها، همه ی سفیران اسرائیل در ایران، دقت و مراقبت زیادی برای حفظ اموال بهائیان در شمال اسرائیل نشان می دادند.» (پویا شکیب، بهائیت و اسرائیل، پیوند دیرین و فزاینده، صص ۶۱۷ و ۶۱۸ به نقل از الیعزر تسفریر، شیطان بزرگ، شیطان کوچک، ترجمه فرنوش رام، ص ۱۶۵)

در زمان هویدا، قرار دادهای کشاورزی ایران و اسرائیل و همکاری های بازرگانی به اوج خود رسید و کارشناسان اسرائیلی در ایران به فعالیت گسترده پرداخته و ایران عملاً به یک بازار پرمصرف برای صهیونیست تبدیل شد. (رک: علی فلاح نژاد، مناسبات ایران و اسرائیل در عصر پهلوی دوم، صص ۲۰۹-۲۱۴)

در سال ۱۳۵۴ ش شاه دستور داد کمیته هایی مختلط، جهت همکاری های فنی و علمی بین کارشناسان ایران و اسرائیل تشکیل شود. مراتب پیگیری شد و هویدا نیز به وزارتخانه های مربوط دستور داد تا به صورت کاملاً محرمانه موضوع پیگیری شود و با طرف های اسرائیلی دیدار و گفتگو کنند. (رک: علی فلاح نژاد، مناسبات ایران و اسرائیل در عصر پهلوی دوم، صص ۲۱۴ و ۲۱۵)

در دوران نخست وزیری هویدا، صهیونیست ها به صورت فعال و بدون هیچ گونه مانعی، در ایران فعالیت می کردند و آزادی عمل کامل داشتند و سازمان های یهودی و صهیونیستی در ایران هم به لحاظ اطلاعاتی، سیاسی و اقتصادی وهم در

زمینه ی مهاجرت یهودیان برای رژیم صهیونیستی فعالیت می کردند. ( رک: دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، امیر عباس هویدا، صص ۱۴۳-۱۷۵)

فروش نفت به اسرائیل و هموار کردن راه برای این تجارت، از جمله موارد بارز خیانت هویدا به اسلام و ملل مسلمان است. تا زمان او، صدور نفت ایران به صورت مخفیانه و محدود بود و شاه در مصاحبه ی خود منکر ارسال نفت می شد، اما در سال ۱۳۵۴ هویدا در پاسخ یکی از مخبرین جراید گفت: «کشور ایران نفت مورد نیاز اسرائیل را تأمین می کند، منتها نفت را کمپانی های خارجی به اسرائیل می فروشند نه ایران.» ( رک: علی فلاح نژاد، مناسبات ایران و اسرائیل در عصر پهلوی دوم، صص ۲۳)

وی همچنین در مصاحبه با مجله ی آلمانی «هوبی» (Hobby) اعلام کرد که صادرات نفت ایران به اسرائیل در صورت تجدید جنگ میان اعراب و اسرائیل نیز همچنان ادامه خواهد یافت. و طبق اسناد ساواک به پاس این خدمت بزرگ، دولت اسرائیل نیز ۱۴۰ هزار متر مربع زمین در فلسطین به ایشان واگذار کرد. ( رک: منوچهر صادقی، هویدا بی نقاب بی رتوش، صص ۶۰۸ به نقل از امیر عباس هویدا به روایت اسناد ساواک )

امام خمینی (Hobby) در نامه ی سرگشاده ای به هویدا به همکاری های رژیم ایران و دولت هویدا با آژانس یهود و دولت اسرائیل اعتراض کردند. (سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲، صص ۱۲۳-۱۲۷ (۱۳۴۶/۱/۲۶))

خدمات هویدا به صهیونیست ها به همین چند مورد ختم نمی شود، چرا که او در طول مدت طولانی نخست وزیری و قبل از آن، همواره در صدد تأمین منافع صهیونیست ها بوده است. (از موارد اتهامی هویدا در دادگاه انقلاب اسلامی، شرکت مستقیم او در فعالیت های جاسوسی به نفع غرب و صهیونیسم و همچنین عضویت فعال در سازمان فراماسونری طبق اسناد و اقرار متهم می باشد. رک: عباس میلانی، معمای هویدا، صص ۴۲۶) او که کاملاً فریفته ی فرهنگ غرب و بیگانه از فرهنگ ملی ایران خود بود، سرانجام بعد از انقلاب اعدام شد.

گفته می شود جسد او پس از اعدام، به طور مخفیانه به شهر عکا در اسرائیل برده شد و در گورستان فرقه، در کنار جدش به خاک سپرده شد. (دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، پیشین، صص ۳۴۱)

## فصل دوم:

### بهائیت پس از انقلاب اسلامی

انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ ش به رهبری امام خمینی ( رک: سفارت [ایران] ایالت متحده، اسناد لانه جاسوسی آمریکا) دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ج ۴، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۶ (کتاب ۳۷، مسلک های سیاسی استعمار) صص ۵۵۷ (سند ش ۳) و با حمایت توده ی مردم به پیروزی رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ضرر به ی سختی به این فرقه وارد شد و آنها پشتوانه های سابق خود را در کشور از دست داده و براساس



اسناد لانه ی جاسوسی آمریکا، این فرقه با شدیدترین بحران در طول حیات ۱۲۸ ساله اش روبه رو گردید. (رک: سفارت ایران] ایالت متحده، اسناد لانه جاسوسی آمریکا) دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ج ۴، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۶ ( کتاب ۳۷، مسلک های سیاسی استعمار) ص ۵۵۷ (سند ش ۳) در این میان برخی از بهائیان به دامن اسلام برگشته و برخی نیز با ثروتی که در زمان پهلوی جمع کرده بودند از ایران فرار کرده و به کشورهای خارجی به خصوص آمریکا پناه بردند. (رک: علیرضا محمدی، جریان شناسی بهائیت، صص ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۶ و ۱۱۷)

به هر صورت بهائینی که به تشکیلات وفادار باقی ماندند، از هر فرصتی برای مقابله با انقلاب اسلامی استفاده کردند و در سال ۱۳۶۲ ش کماکان به فعالیت های تشکیلاتی خود ادامه دادند. در این سال به دلیل محرز شدن جاسوسی عده ای از سران تشکیلات در شهرهای مختلف کشور، کمک به تثبیت نظام شاهنشاهی، حیف و میل کردن اموال مسلمین و سرازیر کردن بیت المال به جیب صهیونیست ها، عده ای از بهائیان دستگیر و محاکمه شدند. (سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۲۷۷؛ علیرضا محمدی، پیشین، ص ۱۱۵)

دادستانی کل کشور نیز فعالیت تشکیلاتی بهائیت در ایران را ممنوع کرد. محفل روحانی ملی بهائیان ایران نیز در اقدامی تاکتیکی و به دنبال انتشار نامه ای، تشکیلات محفل ملی و توابع آن را تعطیل اعلام کرد. (سید سعید زاهد زاهدانی، پیشین، صص ۲۷۴-۲۷۷)

دولت آمریکا نسبت به دستگیری این جاسوسان واکنش نشان داد. رئیس جمهور وقت آمریکا «ریگان» (Reagan Ronald Wilson) صراحتاً به حمایت از بهائیان دستگیر شده پرداخت و نسبت به حکم دادگاه انقلاب اعتراض کرد. (رک: سید سعید زاهد زاهدانی، پیشین، صص ۲۷۷ و ۲۸۳)

امام خمینی (سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۲۷۷؛ علیرضا محمدی، پیشین، ص ۱۱۵) نیز در پاسخ به این مسئله، سخنانی ایراد کردند:

«... صحبت رئیس جمهور آمریکا را ملاحظه کردید که ایشان از همه ی دنیا استمداد کردند برای اینکه بهائی هایی که در ایران هستند و مظلوم اند و جاسوسی هم نیستند و به جز مراسم مذهبی، به کار دیگری اشتغال ندارد... اگر اینها جاسوس نیستند شما صدایتان در نمی آید. شما برای خاطر اینکه اینها یک دسته ای هستند که به نفع شما هستند والا ما شما را می شناسیم، آمریکا را می شناسیم که انسانی دوستی اش گُل نکرده است... اگر ما دلیلی نداشتیم به اینکه اینها جاسوس امریکا هستند، جز طرفداری ریگان از آنها، کافی بود... بهائی ها یک مذهب نیستند، یک حزب هستند، یک حزبی که در سابق انگلستان پشتیبانی آنها را می کرد و حالا هم آمریکا دارد پشتیبانی می کند. اینها هم جاسوس اند مثل آنها.» (سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، صص ۴۵۹-۴۶۱ (سخنرانی ۱۳۶۲/۳/۷)

سران غربی بارها و بارها به حمایت از بهائیان پرداختند و نمایندگان آمریکا در فاصله ی سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۳ ش قطعنامه در حمایت از بهائیت صادر کردند. در سال های بعد نیز کشورهای غربی از حامیان بهائیت بوده اند؛ (رک: علیرضا

محمدی، جریان شناسی بهائیت، صص ۱۳۲ و ۱۳۳) به عنوان مثال در سال ۱۳۷۴ ش کشورهای غربی با حمایت قاطع خود از بهائیت در پیش نویس قطعنامه ی حقوق بشر سازمان ملل علیه ایران، بار دیگر به منافع حاصل از وجود جاسوسان خود در کسوت بهائی اعتراف کردند. (احمد اللهیاری، بهائیان در عصر پهلوی ها، ص ۲۳۷ به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، مورخه ۱۳۷۴/۹/۱۷)

از این زمان به بعد، بهائیان فعالیت های خود را مخفی تر و مرموزانه ادامه می دهند که این مسئله، دستیابی به اطلاعات مربوط به آنها را مشکل کرده است. در اینجا به ذکر چند نمونه از عملکرد بهائیان در راستای اهداف صهیونیستی می پردازیم:

### الف) حمایت مالی

بهائیت در دوران جنگ تحمیلی و دوره ی سازندگی وارد عرصه ی اقتصاد شد و تا امروز هم در حال تقویت بنیه ی اقتصادی خود است که این فعالیت ها علاوه بر گرفتن سرپل های اقتصادی، به انحصار در آوردن برخی کالاها و استفاده ی ابزاری علیه نظام اسلامی، ( به عنوان مثال: اعتصاب طلا فروشان در آغاز اجرای هدفمند کردن یارانه ها، با هدایت بهائیان صورت گرفته است. رک: بهائیان، پشت پرده اعتصاب طلا فروشان، ماهنامه شفافیت، (اولین نشریه تخصصی حمایت از قربانیان فرقه در ایران) ش ۱۳، آبان ۱۳۸۹، ص ۶) دفاع مالی و تجاری از حکومت غاصب صهیونیستی را هم شامل می شود. ( رک: مروری کوتاه بر تحرکات اقتصادی بهائیت، سایت ادیان نیوز، فروردین ۱۳۹۰، [www.adyannews.com](http://www.adyannews.com) بهائیت در دوره ی پهلوی با بهائیت در دوره ی مامتاوت است. سایت ندای انقلاب، فروردین ۱۳۹۰، [www.nedyayeenghelab.com](http://www.nedyayeenghelab.com))

نمونه ی دیگر حمایت از اقتصاد رژیم صهیونیستی، ورود غیر قانونی و قاچاق کالاهای اسرائیلی به داخل ایران است. به گزارش کیهان، لنزهای ساخت کارخانجات اسرائیل توسط یک بهائی اهل کاشان با جعبه های معمولی وبا مارک یک شرکت لنز سازی خارجی به ایران قاچاق می شد که توسط مأموران ضبط می شود. ( رک: بهائیان و قاچاق کالا، روزنامه ی کیهان، ۱۳۸۵/۶/۸، ص ۲)

### ب) جاسوسی

به دلیل اعتقادات دینی بهائیان، تشکیلات بهائیت نقش رهبری و هدایت جامعه ی بهائیان را برعهده دارد و هر فرد بهائی ملزم به تبعیت از دستورات آن است.

از طرفی هر بهائی ملزم به جمع آوری اخبار و اطلاعات پیرامون خود و ارسال به این تشکیلات است. بدین گونه تشکیلات این فرقه دقیقا همان نقش «ستون پنجم» استکبار و صهیونیسم را برعهده دارد. ( رک: تحرکات شوم بهائیت، چهار مقاله در زمینه بهائیت، صص ۵۸ و ۵۹)

در دوران دفاع مقدس، بهائیان به جاسوسی پرداخته و در آن دوران حساس، اطلاعات و اسرار داخلی را به خارج منتقل می کردند و چند تن از آنها در سال ۶۲ دستگیر شدند که منجر به تعطیلی محفل آنها شد. (در ابتدای بحث به آن اشاره شد.)

در سال ۱۳۸۷ نیز هفت تن از سران بهائیان ایران معروف به «گروه یاران» دستگیر شدند که کیفرخواست آنها حاوی اتهامات جاسوسی به نفع بیگانگان، فعالیت تبلیغی علیه نظام، راه اندازی و گسترش تشکیلات غیر قانونی، همکاری با رژیم غاصب و اشغالگر قدس، مشارکت در جمع آوری اسناد طبقه بندی شده و ارائه ی آن به بیگانگان با هدف بر هم زدن امنیت کشور، مخدوش کردن چهره ی جمهوری اسلامی ایران در عرصه ی بین الملل و ... بود. (رک: برگزاری اولین جلسه دادگاه هفت نفر از سران تشکیلات غیر قانونی بهائیت، روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲۳، ص ۱۵، هفت تن از سران تشکیلات غیر قانونی بهائیت محاکمه شدند، ساید فارس نیوز (۱۳۸۸/۱۰/۲۲)، آبان ۱۳۸۹، [www.Farsnews.net](http://www.Farsnews.net))

دادستان کل کشور «قربانعلی دری نجف آبادی» طی نامه ای خطاب به وزیر اطلاعات «غلامحسین محسنی اژه ی ن ضمن اشاره به کارنامه و پیشینه ی تشکیلات سیاسی- اطلاعاتی فرقه ی ضاله ی بهائیت و همچنین وجود مرکزیت آن در سرزمین های اشغالی فلسطین گفت:

«مستندات، امارات و قراین به دست آمده حاکی از آن است که تشکیلات مزبور با دشمنان خارجی ایران در ارتباط مستقیم بوده، دارای پیوندهای دیرینه و مستحکمی با رژیم صهیونیستی است و در ایران نیز به جمع آوری اطلاعات و فعالیت های نفوذی و تخریب پایگاه های اعتقادی مردم مبادرت می نماید.» ( نامه ای به وزیر اطلاعات درباره بهائیت ( ۱۳۸۷/۱۱/۲۹، پایگاه شیعه، آبان ۱۳۸۹، [www.shia-online.ir](http://www.shia-online.ir))

به دنبال این دستگیری، حامیان خارجی بهائیت، مجامع و سایت های آنها به اعتراض پرداختند. «فیلیپ کرولی» ( Polip Crowley) دستیار وزارت خارجه ی آمریکا، کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، ( International Campaign for Human Rights in Iran) وزارت خارجه ی آمریکا، «گوردون جاندرود» (Gordon Johndroe) سخنگوی کاخ سفید، «کاترین اشتون» (Catherine Margaret Ashton) مسئول امور خارجه و سیاست امنیتی اتحادیه های اروپا، سازمان عفو بین الملل ( Amnesty International) سازمانی که در سال ۱۹۶۱ برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، توسط گروهی از حقوقدانان و سیاستمداران لیبرال در بریتانیا تأسیس شد... که مقر اصلی آن در لندن می باشد. گفته می شود با سازمان های جاسوسی سیا و اینتلجنس سرویس ارتباط دارد و کار اصلی اش جمع آوری اطلاعات برای سازمانهای جاسوسی غرب است. رک: علی آقابخشی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۵) و بسیاری از نهادهای دیگر، هر یک با صدور بیانیه هایی به دفاع از این جاسوسان پرداخته و نگرانی خود را از دستگیری آنها ابراز داشته اند. (سایت بی.بی.سی اخبار و گزارش های مختلفی راجع به این بیانیه ها و حمایت ها آورده است. رک: اخبار سایت بی.بی.سی فارسی، بهمن ۱۳۸۹، [www.bbc.co.uk/Persian](http://www.bbc.co.uk/Persian))

کتمان جاسوسی و مظلوم نمایی بهائیان در حالی است که آنها حتی اسناد بسیار محرمانه ای (رک: سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، صص ۳۱۷ و ۳۱۸ (ضمیمه ش ۵) که فقط در دسترس مقامات بالای کشور است را در سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر علنا مطرح می کنند و فریاد مظلومیت و احقاق حقوق سر می دهند!

یکی از افراد جدا شده از بهائیت می گوید: «... پیش از انقلاب، بهائیان آشکارا جاسوس اسرائیل بودند. خب بعد از انقلاب هم کارشان را دنبال می کنند. پس طبیعی است که اعدام بشوند، چون در هر کشوری جرم جاسوسی برای بیگانه اعدام دارد، حتی در همان اسرائیل و آمریکا و اروپا که ما سنگ شان را به سینه می زنیم.» (سعید سجادی، پشت پرده تشکیلات، ص ۳۳۴)

### ج) تلاش در جهت براندازی نظام

نظام جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی را غاصب و نامشروع می داند. واز طرفی تشکیلات بهائیان کاملا تحت نظر و سیطره ی صهیونیسم می باشد، لذا بهائیت تمام نیروی خود را برای ضربه زدن به اسلام و برچیدن اسلام و انقلاب به کار می گیرد.

بهائیان علاوه بر نفوذ در مجامع بین المللی، مظلوم نمایی و جوسازی علیه نظام جمهوری اسلامی، حمایت از تحریم های غرب علیه ایران، (به عنوان مثال رک: هم سویی بهائیت با فتنه گران در حمایت از تحریم ها (۱۳۸۹/۸/۳) بهمین ۱۳۸۹، [www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)) تبلیغات گسترده ی مسلک شان توسط اینترنت و ... مبارزه با اسلام و رواج بی بند وباری و فساد (رک: تحرکات شوم بهائیت، صص ۷۶-۷۹) اجرای طرح روحی (یکی از طرح های صادره از بیت العدل در جهت تبلیغ و جذب مردم به بهائیت طی مراحل و برنامه های خاص. برای اطلاع بیشتر رک: تحرکات شوم بهائیت، صص ۶۱-۶۴ نکته ی حائز اهمیت اینکه براساس طرح روحی، هویت کلیه افراد چاپ شده به جلسات باید کاملا سری و مکتوم بماند، تا حدی که حتی افراد بهائی مقیم ایران نیز نباید در جریان امور قرار گیرند. رک: علی رضا محمدی، جریان شناسی بهائیت، ص ۱۵۴) به جهت تبلیغ گسترده و دیگر فعالیت ها (رک: تحرکات شوم بهائیت، صص ۵۸-۸۱) از سال ۱۳۸۷ ش به بعد وارد حوزه ی امنیتی شدند که انفجار حسینی در شیراز و چند عملیات دیگر با مدیریت و رهبری بهائیان صورت گرفت. (بهائیت در دوره ی پهلوی با بهائیت در دوره ما متفاوت است.)

در این راستا یک تیم تروریستی بهائی «ارتش جهانی رهایی» با هدف ترور چند تن از مسئولان کشور، اقدام به جذب نیرو کرده و با سران گروه های تروریستی مانند کومله، پژاک و جندالله ارتباط داشته اند. (رک: دستگیری یک تیم تروریستی بهائی در تهران، ماهنامه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی موعود، ش ۱۱۵، سال ۱۵، شهریور ۱۳۸۹، صص ۹ و ۸، دستگیری یک تیم تروریستی بهائی در تهران، بهمین ۱۳۸۹، [www.baharoom.com](http://www.baharoom.com)) «عبدالمالک ریگی» سرکرده ی گروهک تروریستی جندالله نیز علنا از این فرقه ی ضاله حمایت می کرد. (رک: پیام فضلی نژاد، شوالیه های ناتوی فرهنگی، ص ۲۳۲)

«عدم دخالت در امور سیاسی» یکی از شعارها و اعتقادات بهائیان می باشد و بیت العدل نیز تا قبل از انتخابات مجلس هشتم، فعالیت سیاسی را ممنوع اعلام کرده بود، اما در انتخابات مجلس هشتم اجازه ی شرکت داده شد که متعاقب آن بهائیان در انتخابات دهم نیز شرکت کردند. (رک: [یکی از متهمین حادثه ی عاشورا] تشکیلات بهائیت در اسرائیل از انتخابات مجلس هشتم فرمان فعالیت سیاسی را داد، روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۱، ص ۱)

بهائی ها در جریان انتخابات سال ۸۸ نقش جدیدی داشتند. بیت العدل اعظم، برخلاف رویه ی گذشته اش با حمایت از کاندیدای منتسب به جنبش سبز، با فراهم کردن فضای آشوب و اغتشاش از طریق سایت ها و سیستم مجاری، بهائیان را دعوت به هنجار شکنی کرده و اهداف صهیونیسم را دنبال می کرد. (رک: [یکی از متهمین حادثه ی عاشورا] تشکیلات بهائیت در اسرائیل از انتخابات مجلس هشتم فرمان فعالیت سیاسی را داد، روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۱، ص ۱)

با اوج گرفتن فتنه، بهائیان فعالانه در اغتشاش روز عاشورا (۱۳۸۸/۱۰/۶) در کنار منافقین، چریک های فدایی، طرفداران نهضت آزادی و گروهک های غیر قانونی، شرکت کردند و با هلهله، سوت و کف، ضمن اهانت به مقدسات، ضرب و جرح، هتک حرمت و توهین به عذاران حسینی (ع) و مأموران انتظامی، مرتکب جرایم مهمی مانند محاربه، اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور شدند، و حتی از انجام جرایم برضد عفت و اخلاقی عمومی، احتراق، تخریب و اتلاف اموال عمومی و خصوصی به قصد مقابله با نظام اسلامی دریغ نکردند. (در دادگاه متهمین فاش شد: ارتباط محفلی آشوبگران عاشورا با اسرائیل، روزنامه کیهان، ش ۱۹۵۶۳، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹، ص ۱)

رسانه های بهائی B.B.C و VOA نیز نقش مهمی در این اغتشاشات داشتند. (مشروح سخنان معاون وزیر اطلاعات. از شبکه ی آلمانی تا فرقه بهائیت، پشت صحنه حوادث روز عاشورا (۱۳۸۸/۱۱/۷) خبرگزاری مهر، بهمن ۱۳۸۹ [www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)) در این راستا «بهر روز بهبودی» رئیس یک گروهک ضد انقلابی در آمریکا موسوم به CDI (شورای دموکراسی ایران) و رئیس بهائی شبکه ی تلویزیونی «وین تی وی (شبکه ی بین المللی واشنگتن) ضمن دیدار با «دانی ایالون» (Danny Ayalon) معاون وزیر خارجه ی رژیم صهیونیستی در بیت المقدس، به ارزیابی نحوه ی حمایت از سران فتنه در ایران پرداخت. (رک: برنامه مشترک اسرائیل و بهائیان برای حمایت از سران فتنه، پایگاه خبری تحلیلی خادم نیوز، بهمن ۱۳۸۹، [www.Khademnews.com](http://www.Khademnews.com))

به دنبال دستگیری و اعترافات فردی به نام «خانجانی» که از سران این فرقه بوده، دو بیست نفر از همدستان وی که مشغول به جاسوسی بودند، بازداشت شدند. (دستگیری گسترده جاسوسان بهائی در ایران (۱۳۸۷/۶/۲۳) سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بهمن ۱۳۸۹، [www.Irdc.ir](http://www.Irdc.ir))

معاون وزیر اطلاعات بیان می کند: «بهائی ها به دلیل وابستگی به اسرائیل، از نظر امنیتی و سیاسی با هدایت مسئولین امری خود در این حوادث شرکت کردند.» (مشروح سخنان معاون وزیر اطلاعات: از شبکه آلمانی تا فرقه بهائیت، پشت صحنه حوادث روز عاشورا.) در اعترافات بهائیان دستگیر شده نیز به هدایت گری رژیم صهیونیستی و دستور تشکیلات در حوادث پس از انتخابات تصریح شده است. (رک: در دادگاه ۱۶ متهم روز عاشورا عنوان شد: منافقین برای آشوب

وتروور در اروپا آموزش دیده اند. روزنامه رسالت، ش ۶۹۱۳، ۱۳۸۸/۱۱/۱۱، ص ۲۲ (اجتماعی) یکی از متهمین آشوب روز عاشورا [ارتباط مستقیم آشوبگران عاشورا با مقر بهائیان در اسرائیل، روزنامه کیهان، ش ۱۹۵۷۴، ۱۳۸۸/۱۱/۱۲، ص ۱۴] (اخبار کشور)

پژوهش گران و تحلیل گران مسائل سیاسی نیز تأکید می کنند که پشت جریانات واغتشاشات اخیر، بهائیت به رهبری صهیونیسم جهانی قرار گرفته است (رک: علی جدید بناب، بهائیت در اغتشاشات اخیر حضوری جدی داشت). ۱۳۸۸/۱۱/۱۸) نعمت الله باوند، بهائیت به رهبری صهیونیسم، پشت جریان فتنه تکاپو می کد (۱۳۸۸/۱۰/۷) محمد صادق کوشکی، فتنه تروریسم صهیونیست ها توسط عاشورائیان در نطفه خفه شد (۱۳۸۹/۹/۲۷) صمصام الدین قوامی، فرقه ضاله بهائیت شمشیری در دست اسرائیل و آمریکا است (۱۳۸۹/۷/۱۹) خبرگزاری فارس نیوز، بهمن ۱۳۸۹، [www.farsnews.net](http://www.farsnews.net) و توسط آمریکا، رژیم صهیونیستی و سازمان ها و نهادهای وابسته به آنها حمایت می شده اند که به خیال باطل خود، قصد داشتند کار نظام اسلامی را در این روز یک سره نمایند. (رک: در دادگاه ۱۶ متهم روز عاشورا عنوان شد: منافقین برای آشوب وتروور در اروپا آموزش دیده اند، ص ۲۲)

رژیم صهیونیستی نیز پس از حادثه ی روز عاشورا، ضمن تحسین اقدام اغتشاش گران بر لزوم به کارگیری بیشتر آمریکا از فضای مجازی اینترنت در راستای براندازی جمهوری اسلامی ایران سخن می گوید. (در دادگاه متهمین فاش شد: ارتباط محفل ملی آشوبگران عاشورا با اسرائیل)

فرقه ی ضاله ی بهائیت، پس از حوادث انتخابات ۱۳۸۸، فعالیت و تبلیغات خود را افزایش داده است. (رک: تبلیغ بهائیت پس از انتخابات دهم (۱۳۸۸/۶/۱۷) خبرگزاری فارس، بهمن ۱۳۸۹، [www.farsnews.net](http://www.farsnews.net) دستور العمل مرکز فرقه ضاله به پیروانش در ایران (۱۳۸۸/۱۱/۴) سایت راسخون، فروردین ۱۳۹۰، [www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net) و حتی برخی از سران آنها برای گرفتن سرخط ها و دستورات به فلسطین اشغالی سفر کرده اند. (رک: سفر برخی از اعضای فرقه بهائیت به اسرائیل (۱۳۸۸/۱۲/۱۸) سایت تابناک، بهمن ۱۳۸۹، [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir))

فرقه ی استعماری بهائیت، از ابتدا تاکنون تمام تلاش خود را برای مبارزه با اسلام و روحانیت به کار برده است. کشور اسلامی ایران نیز که مهد تشیع می باشد، همواره مورد حمله ی بهائیان ورؤسای صهیونیستی آنها قرار گرفته و می گیرد، لذا باید با درایت و پختگی و تدابیر حساب شده با این فرقه برخورد کرد که این مهم، علاوه بر فعالیت فرهنگی و اعتقادی، نیازمند هوشیاری مسئولان امر نیز می باشد.

### پیشنهادات:

با توجه به دشمنی دیرینه صهیونیسم با اسلام وبا وجود دلایل وشواهد متق و قطعی بر هم پیمانی وارتباطات بهائیت با صهیونیسم جهانی، هنوز برخی روشنفکران یا افراد بی اطلاع، حق و حقوقی و آزادی مذهبی برای آنها تقاضا می کنند،

در حالی که بنا به نظر رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی افراد جاسوس و خیانت کار جایی در این جامعه ندارند، لذا برای روشن شدن اذهان عموم و سیاستمداران تلاش هایی باید صورت گیرد:

- پیروی کامل از دستورات قرآن کریم و سیره ی ائمه: و گستراندن فرهنگ قرآنی در جوامع اسلامی.
- شناساندن چهره ی صهیونیسم به مردم و در اختیار قرار دادن اطلاعات کافی از عقاید و عملکرد آن. (که بیشتریت نقش در این زمینه برعهده ی رسانه ملی و روحانیون می باشد).
- دعوت از صاحبان اندیشه و مطلعین اهل قلم برای نگاش کتب و مقالات پیرامون شناخت بهائیت و صهیونیسم و ارتباط متقابل آن دو در روزنامه ها، مجلات، سایت ها و وبلاگ های داخلی و خارجی.
- برگزاری برنامه های تلویزیونی و نشست های پیرامون نقد عقاید ضاله ی این فرقه و ارتباطات آن با استعمار و افزایش سطح آگاهی مردم داخل و خارج کشور.
- برگزاری سلسله نشست و همایش ها در مؤسسات علمی نظیر حوزه و دانشگاه و بیان حقایق و ماهیت حقیقی این فرقه ی ضاله و نقد عالمانه، محققانه و مستدل عقاید آنها.
- تهیه ی نرم افزار وسی دی ها و کتابخانه های دیجیتال در جهت رد این فرقه ی ضاله.
- بازگویی جنایات صهیونیسم در جهان اسلام و پرده برداشتن از ترفندها و اهداف شوم آنها و نشان دادن گوشه ای از جنایات بهائیان در ویژه برنامه ها، فیلم های مستند و تحلیل های تاریخی و خبری.
- بالابردن سطح آگاهی مبلغان و طلاب محترم از طریق کتاب ها، سایت ها یا مسابقات گوناگون (تا با زبان شیوا و خلاقانه، حقانیت اسلام و بطلان عقاید این فرقه ی ضاله را برای مردم بیان کنند).
- توجه مسئولان و مردم به دشمن شناسی و شاخصه ها و اصول آن در قرآن.
- انجام کارهای فرهنگی و آموزشی در جهت گسترش دادن آگاهی مردم توسط مؤسسات فرهنگی مردمی مثل تهیه ی تراکت، مجله ی خبری و ...
- تشویق مردم به مطالعه ی کتاب با محوریت صهیونیسم و بهائیت و ...
- فیلتر کردن سایت های منحرف و راه اندازی سایت ها و وبلاگ های علمی به جهت روشننگری در فضای سایبری و نشان دادن ماهیت زشت و کفریه بهائیت به صورت علمی و مستدل.
- دقت و توجه مسئولان و سیاستمداران کشور، در جهت جلوگیری از نفوذ جاسوس های بهائی به مؤسسات و ادارات و ممانعت از قدرت یابی و تحرک تشکیلات بهائیت.
- حساسیت و برخورد قاطع وزارت اطلاعات و ارگان های ذی ربط بر روی عناصر بهائی، شناخت راه های نفوذ بهائیت و رصد کردن فعالیت های بهائیان به دلیل تشکیلاتی عمل کردن و جاسوسی و حمایت از صهیونیسم.
- روشن کردن اذهان جوامع اسلامی و مجامع بین المللی نسبت به خطر این فرقه ی ضاله و عامل صهیونیسم با ارائه ی اسناد و مدارک مربوطه.
- توجه و تحلیل موشکافانه ی اخبار، اسناد و عملکرد بهائیان به خصوص در جریانات اخیر و مطلع کردن مردم نسبت به عملکرد این خائن.

[www.BahatismIran.com](http://www.BahatismIran.com)

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما:

[info@bahatismiran.com](mailto:info@bahatismiran.com)

[info@bahatismiran.net](mailto:info@bahatismiran.net)

[bahatismiran@gmail.com](mailto:bahatismiran@gmail.com)

[bahatism1@yahoo.com](mailto:bahatism1@yahoo.com)

